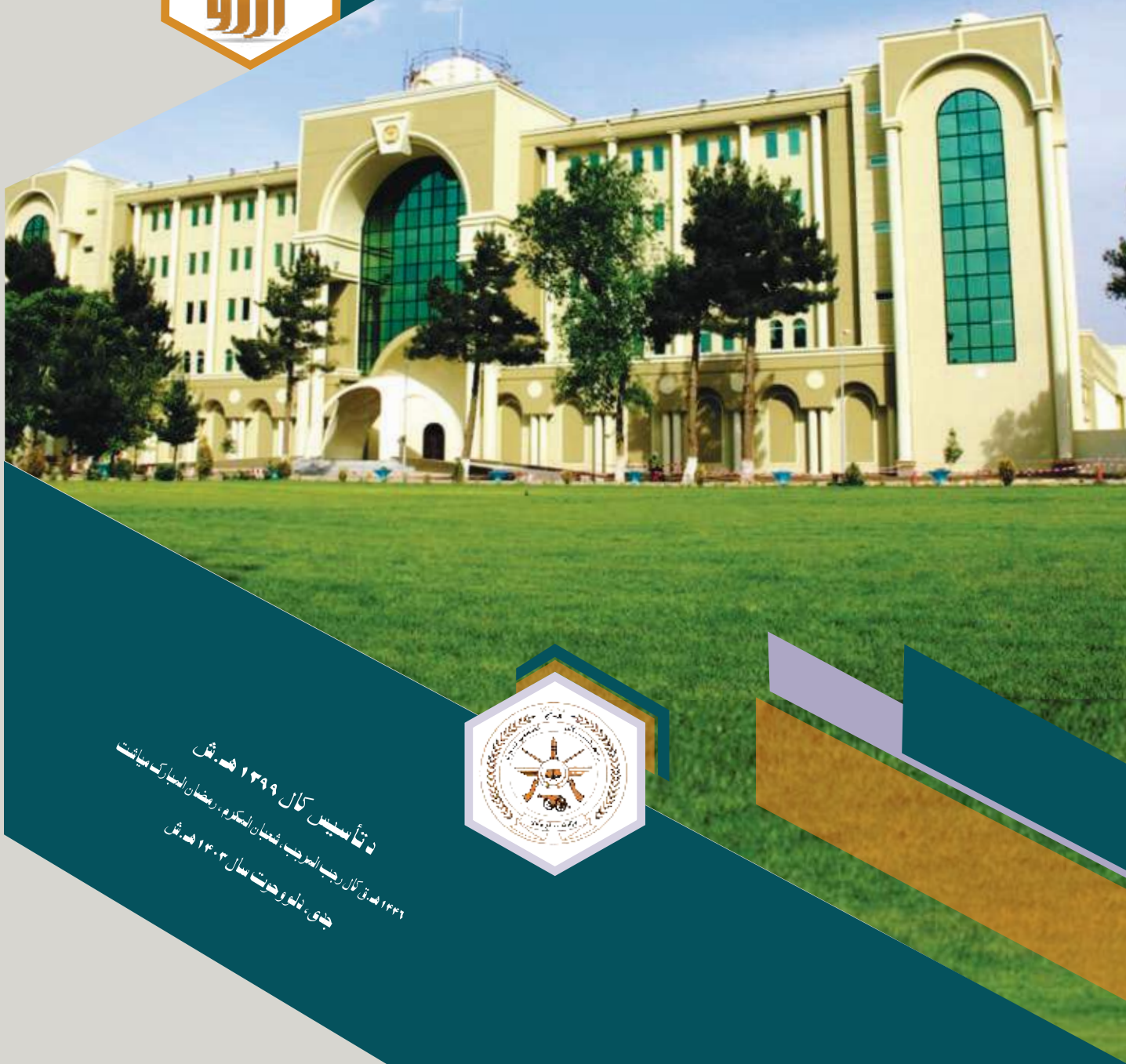


امارت اسلامی افغانستان
د ملي دفاع وزارت



ارگان نشراتی وزارت دفاع ملی ۹۰۹



د تاسیس کال ۱۳۹۹ هـ.ش
۱۳۴۱ هـ.ش کال رجب المرجب، شنبان المکرم، رمضان المبارک بیاخت
د جی، د لویو دیت سال ۱۴۰۳ هـ.ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حاجات ارزشی های اسلامی و ملی





د افغانستان اسلامي امارت
د ملي دفاع وزارت
د ستراتیژیکو آپیکو او عامه چارو ریاست
د اشنماراتو او تبلیغاتو د تنظیم او انسجام مدیریت

اسره

په دې ګڼه کې

مخ

نوملړ

- سر مقاله: ۱
- آنچه باید از سکولاریسم دانسته شود: ۶-۲
- تاکتیک نظامی و نقش آن در جنگ‌ها: ۱۲-۷
- د واکان (د نړۍ بام) جیوپولیتیک او جیو ستراتیژیک ارزښت: ۱۵-۱۳
- ګنبد آهڼین چیست و چگونه کار می کند: ۲۰-۱۶
- تاریخ او جګړې: ۲۲-۲۱
- موفقیت و پیشرفت کارمندان در ادارات دولتی: ۲۵-۲۳
- د (9m135) کنکورس توغندی: ۲۸-۲۶
- بررسی چگونگی رشد اقتصادی آمریکا: ۳۳-۲۹
- په ترینګلو حالاتو کې د لمونځ ترسره کولو حکم: ۳۵-۳۴
- آغاز تنها اما با انگیزه و همت بلند: ۳۷-۳۶
- د ادب ګلبنې: ۳۹-۳۸
- سیکل سیل انیمیا: ۴۱-۴۰
- په افغانستان کې د کپوالی تاریخ ته لنډه کتنه: ۴۵-۴۲
- په اسلامي ملي اردو کې د نظم او اطاعت څرنگوالی: ۴۸-۴۶
- لجسټیک (لوژستیک): ۵۱-۴۹
- نظام اقتصادی اسلام با نظام سرمایه داری: ۵۷-۵۲
- تاریخچه مهمات خوشه‌ای: ۵۹-۵۸
- مقناطیس و الکترومقناطیس: ۶۱-۶۰
- تاثیرات هوش مصنوعی بر آینده جهان: ۶۳-۶۲
- خبرپاڼه: ۶۹-۶۴

کاري غړی

مدیر مسئول: مفتی عصمت الله «مرادی»
موبایل نمبر: ۰۷۸۵۰۴۱۳۱۵
۲۶۷۱۴۵۰:PBX
سکرتر مسئول: مولوي عبدالله "مخلص"
تخنیکي همکار: الفت خليل
د خپرولو مسؤل: خوشحال همت "بابکر خیل"
ډیزاین او کمپوز: فرشاد "عیار"

کتیپلاوی:

مولوي سمیع الله "ساویز"
مولوي محمد آقا "مسلم"
احمد الله "عابد"
حسن الله "حبیبی"
مولوي عبدالله "مخلص"
محمد آغا "حیدري"
مولوي عبدالناصر "فاتح"
مولوي نور احمد "سعید"

ویب سایټ: Mod.gov.af

یوټیوب: MoDAfghanistan1

ټویټر: modafghnistan2

تېراز: ۱۰۰۰ ټوکه



مقاله

سال جدید امسال را با بهترین روزهای سال که همانا رمضان است، سپری می کنیم. روزهای ملکوتی رمضان که توأم با فیض و برکت های الهی ست، خجسته ترین و ارزشمندترین روزهای است که نزد خداوند متعال از ویژگی های خاصی برخوردار می باشد.

در این روزها باید بر طاعت و عبادت افزود گردد و کمر همت بسته شود تا هر لحظه ای این روزها پیوسته با بندگی خالق یکتا سپری شود. خداوند متعال در هر سال یک ماه را برای عبادت مختص کرده است تا بندگان را در این ماه مورد مغفرت قرار دهد و گناهان را از آنان بزداید.

ما را می سزد که در این ماه مبارک بر برادران و خواهران فلسطینی مان دعا کنیم تا آنان از زیر یوغ اسرائیل نجات یابند و برای همیشه در یک آرامی و امنیت کلی به سر ببرند. اسرائیل اگرچه برای آتشبس توافق کرده بود، اما به وضوح دیده شد که در این چندروز گذشته توافق آتشبس را از بین برد و دوباره مسلمانان فلسطینی را مورد حمله های وحشیانه قرار داد که صدها تن از اطفال معصوم و زنان بی گناهان و مظلوم در آنجا شهید گشتند.

مسلمانان جهان باید در این روزها مردم غزه را فراموش نکنند و کمک های مالی شان را برایشان ارسال بدارند. چنانچه با دقت کامل نگریسته شود، مردم غزه مستحق ترین افراد برای همکاری و امداد مالی می باشند. آنان بیجا شدند، جلای وطن گشتند، از فامیل دور شدند و هزار و یک مشکل و ناهنجاری دیگر را تجربه کردند. پس، اگر به داد آنان رسیده نشود، واقعا در نزد خداوند متعال پاسخ گفتن خیلی سخت و جانکاه خواهد بود.

همچنان مردم افغانستان همواره باید بر آزادی کشورشان از اشغال بیست ساله خدا را شکرگزاری کنند و برای یکپارچگی و اتحاد همدیگر بی نهایت سعی و تلاش داشته باشند.

بر مردم افغانستان لازم است که به حق نیروهای مسلح دفاعی که در سرحدات به منظور دفاع از کشور مستقر هستند، در این روزهای مبارک؛ خصوصا در دهه ای اخیر دعا کنند و آنان را در اوقات قبولی دعا (وقت افطاری) یاد نمایند.

همچنان بر ملت افغان لازم است که اتحاد و انسجام خویش را محفوظ دارند تا مورد شیخون های کشنده دشمنان قرار نگیرند. دشمنان در این روزها نهایت سعی و توان شان را برای تفرقه افکنی ها و توطئه چینی ها صرف می کنند که هم فکری و هم نظری مردم عزیز افغان را برهم و درهم بزنند و بار دیگر دگرگونی ها و ناهنجاری های خانمان سوز را سیل آسا روانه سازند.

حمایت از نظام اسلامی و جبهه ی همگان است و جملگی را می سزد که با تمام قوت از این نظام شرعی حمایت و پاسداری کنند. این نظام، نظامی ست که می تواند از آبرو، عزت، جان و مال این ملت به شکل درست حفاظت و حراست نماید.

چنانچه این نظام همواره قائم باشد، کشور افغانستان در آینده ی نه چندان دور خود کفا شده و تمام معادن آن استخراج می گردد و شکوفایی های چشمگیر به این ملت دست دوستی می دهند. مشروط بر اینکه خود افغان ها پیوسته برای این هدفی والا تلاش کنند و به این وطن دل بسوزانند.





آنچه باید از سکولاریسم دانسته شود

عصمت‌الله «مرادی»

۱. مقدمه

دین مقدس اسلام، جوانترین دینیسست که در زمانی کوتاه به گسترش قابل توجهی فایق آمد و اقوام و اقشار مختلف به پیروی از آن شتافتند. آنانی که به این دین مشرف گشتند، به آن عشق و محبت عمیق ابراز کردند و قربانی‌های جانی و مالی را با طیب نفس نثار کردند. دین یهودیت و مسیحیت اگرچه کهن‌ترین و قدیمی‌ترین ادیان در جهان‌اند، اما دین اسلام با برنامه‌ها و سیاستی که توسط پیامبر خدا برای مردم عرضه شد، به‌زودترین فرصت ممکن ملت‌ها را شیفته‌ی خود کرد و با برنامه‌های فراگیر و جامع خود، به‌زندگی آنان سر و سامان داد.

دین اسلام بارویکرد ویژه به‌اصلاح امورات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مسلمانان پرداخته و چالش‌ها و تراژدی‌های آنان را در عرصه‌های مختلف برطرف کرده است. این دین مقدس، مختص روحانیون نبوده و تنها به‌مصالح عبادی نپرداخته است؛ بلکه در برگیرنده‌ی امورات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز می‌باشد. درمجموع، دین اسلام معتبرترین دینیسست که عموم انسان‌ها را در جهان پهناور هدایت می‌کند و زندگی انسان‌ها را در دنیا و جهان بعد از مرگ مورد بررسی قرار می‌دهد. قرآن کریم که کتاب جامع و کامل است، تمام شئون زندگانی انسان‌ها را در بر دارد و برای همگان رحمتی بزرگ می‌باشد که دست دشمنان را از هر راه ممکن کوتاه می‌سازد.

چنانچه چنین دین خدایی و ملکوتی که در عرصه‌های مختلف، جامع و پاسخگو برای انسان‌ها وجود نداشته باشد، هوس‌های نفسانی سدره فطرت انسانی می‌شود و ادیان خودساخته و خودباخته بشری مردم را از راه بیراه می‌کنند و جهان را تبدیل به‌منجلاب تباهی می‌سازند که

بیرون شستن از آن به‌محال می‌گرایید. اگرچه زندگی ظاهری‌شان پرزرق و برق به‌نظر می‌نمایند، اما تهی خالی از تمام ارزش‌های معنویست. عقیده‌ی سکولاریستی که در اروپا در میان آمد و فکرها را شکار نمود، عقیده‌ای بود که تنها به خود اروپاییان محدود نشد، بلکه به کشورهای اسلامی نیز نفوذ کرد و خیلی از مسلمانان ساده‌لوح را از مسیر اصلی بیراه نمود که نتیجه‌ی آن، بزرگترین بدبختی‌ای بود که مسلمانان را فرا گرفت.

۲. تعریف سکولاریسم

سکولاریسم یا گیتیگرایی واژه‌ای است که برای آن معانی متعددی بیان شده است؛ ولی مشهورترین تعریف اینکه: واژه سکولاریسم، عبارت است از جدایی دین از سیاست، اما این تعریف عمق چندانی ندارد؛ چرا که جدایی دین از سیاست ممکن است به معنای ممنوعیت مداخله دینداران در سیاست قلمداد شود. بنابراین، بسیاری از متفکران گفته‌اند: سکولاریسم؛ یعنی جدایی نهاد دین از نهادهای حکومت (قوة مجریه) و دولت (نظام سیاسی یا قوای سه‌گانه: مجریه، مقننه، قضاییه).

به این معنا، جامعه سکولار جامعه‌ای است که دینداری در آن حق ویژه‌ای برای کسی ایجاد نمی‌کند و حکومت و دولت (به معنای فوق‌الذکر) لزوماً نباید در دست دینداران باشند یا بر وفق عقاید آن‌ها عمل کنند.

رایج‌ترین تعریف از سکولاریسم، عبارت است از جدایی نهاد دین از نهاد دولت و این یعنی "حکمرانی" بر پایه دین نیست.

اگرچه می‌توان بر سر جزئیات مربوط به تعریف واژه سکولاریسم مناقشه کرد؛ ولی این نکته کلی روشن است که سکولاریسم دلالت دارد بر غیردینی شدن حکومت و



جامعه، اما این لزوماً به معنای ضدیت با دین نیست. ضدیت با دین غالباً محصول آتئیسم (خداناباوری) است. سکولاریسم در نفی و اثبات خدا موضعی اتخاذ نمی‌کند. فقط قوانین حاکم بر جامعه را از ادیان و احکام الهی اخذ نمی‌کند.

در واقع سکولاریسم صرفاً به "این دنیا" توجه دارد و قانونگذاری و تعلیم و تربیت و مدیریت و حکمرانی را سامان دنیوی می‌دهد. یعنی قانونگذاری و حکمرانی و کلاً همه امور مربوط به عرصه عمومی در یک جامعه سکولار، بدون توجه به "مصالح اخروی افراد" صورت می‌گیرد و تامین این مصالح را به خود افراد واگذار می‌کند.

مبنای این رویکرد این است که سکولارها معتقدند در علم و فلسفه جدید، وجود خدا و دنیای پس از مرگ محرز و قطعی نیست؛ بنابراین قانونگذاری بر پایه "باور به خدا و آخرت"، موجب تحمیل اموری به غیردینداران می‌شود که صرفاً در عقاید دینداران ریشه دارند. بنابراین، باید بر حداقل مورد توافق، یعنی وجود این دنیا، تمرکز کرد و ساماندهی اخروی زندگی را به خود افراد واگذار کرد. یعنی افراد باورمند به خدا و آخرت، زندگی خودشان را بر اساس همین باور سامان دهند و دولت از ساماندهی "دنیا" با فرض وجود "آخرت" پرهیز کند.

۳. نگاهی به اوضاع اروپا در قرون وسطی

قرون وسطی نام یکی از ادوار تاریخی قاره اروپاست که در مورد سال دقیق آغاز آن بین مورخان اختلاف نظر است. عده‌ای سال آغاز قرون وسطی در اروپا را از سال ۳۹۵ میلادی که سال تقسیم امپراتوری روم به دو قسمت غربی و شرقی به دست تئودوسیوس کبیر امپراتور روم و یا سال ۴۷۶ میلادی سال سقوط امپراتوری روم توسط اودوآکر (سردار ژرمنی که سابقاً افسر ارتش روم بوده است) و عده‌ای هم تاریخ شروع قرون وسطی

را سال ۵۰۰ میلادی می‌دادند، اما نظر اکثر مورخان در مورد آغاز قرون وسطی همان سال ۴۷۶ میلادی که امپراتوری روم غربی ساقط می‌شود است؛ زیرا نابودی یکی از بزرگترین امپراتوری‌های جهان و طبعات ناشی از آن باعث وارد شدن جامعه اروپا به دوران جدید را باعث شد که آن را قرون وسطی می‌خوانند. در مورد پایان آن باز هم اختلاف نظر است عده‌ای از مورخان سال ۱۲۹۱ که پایان جنگ‌های صلیبی بوده را ملاک قرار می‌دهند. مورخان ایتالیایی آغاز رنسانس، مورخان فرانسوی انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹، مورخان انگلیسی شروع انقلاب صنعتی و مورخان آمریکایی کشف قاره آمریکا، مورخان روسی تا عهد پتر کبیر و پایان دوران آن با انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷ ولی اکثر مورخان سقوط شهر کنستانتینوپل (قسطنطنیه) به دست سلطان محمد فاتح در سال ۱۴۵۲ میلادی را که انقراض امپراتوری بیزانس است ملاک پایان قرون وسطی می‌دانند.

به طور تقریبی می‌توان این قرون را از هزاره بین ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی در نظر گرفت. قرون وسطی به تنهایی به سه دوران تقسیم می‌شود به نام‌های سده‌های میانی اول از ابتدا تا سده ششم، سده‌های میانی ثانویه از سده‌های ۶ و ۷ تا ۱۲ و ۱۳ و سده‌های میانی متاخر یا عالی شامل سده‌های ۱۴ تا ۱۶، اکثر مورخان این دوران را دوران تاریکی، خفقان سیاسی و دینی، فقر و بیماری می‌دانند؛ ولی این تفکر شاید بی‌انصافی باشد و برای درک آن دوران و شرایطی که مردم در آن دوران زندگی می‌کرده‌اند، باید با دقت به مسائل نگریسته شود. اینکه در یابیم اجتماع در قرون وسطی چگونه شکل گرفته تا در مورد عوامل به وجود آمدن و شرایط آن بحث کنیم کار بسیار سختی است؛ زیرا شرایط به وجود آمدن قرون وسطی در یک شرایط آشوب زده بوده است از حمله بربرها به امپراتوری روم غربی که





همانند: علمانیت؛ ولادینی (به عربی)، دنیائیت و گیتی گرایی، اصالت امور دنیوی، عرفی شدن، دنیا پرستی، جدا انگاری دین و دنیا، «غیر مقدس و غیر روحانی»، افول دین، هم‌نوایی با این دنیا، رهایی جامعه از قید دین، و در معانی عقلانیت، علم‌گرایی، نوگرایی و مدرنیسم و این جهانی، جابجایی باورها و نهادهای دینی، تقدس‌زدایی از عالم و جامعه و غیره ذکر شده است.

در پیدایش و استقرار پدیده سکولاریسم در جهان غرب و تمدن و نظام‌های سیاسی آن، عوامل متعددی مؤثر بوده‌اند و بسیاری از این عوامل، هم‌چنان باعث استمرار حاکمیت این پدیده و فرایند سکولاریزاسیون در جوامع غربی می‌باشند. اساساً سکولاریسم در ظروف زمانی و مکانی حاکمیت کلیسا و آبادی آن در قرون وسطی شکل گرفت و بستر و خاستگاه ظهور آن بر ویرانه‌های الهیات دگماتیک و جزم‌اندیش و دانش‌ستیز مسیحیت استوار گردید و عملکرد سوء ارباب کلیسا به این روند شتاب خاصی بخشید.

به طور اجمالی، در بخش عوامل دینی پیدایش سکولاریسم به دو عامل مهم ۱- فقدان نظریه حکومت و تأکید بر تفکیک دین از حکومت در مسیحیت

۲- جزم‌گرایی و تحجر، تفتیش و تکفیر عقاید در این دیانت در عصر قرون میانه می‌توان اشاره کرد.

هم‌چنانکه علل زیر از جمله عوامل تاریخی، اجتماعی و سیاسی ظهور و تثبیت این پدیده در غرب می‌باشد:

۱. فساد همه‌جانبه کلیسا و تضعیف و چندپارگی آن؛
۲. نهضت رفرم‌ماسیون یا اصلاح دینی؛
۳. تضعیف و سستی مبادی ایمان عامه؛
۴. ظهور و نقش طبقه بورژوازی و سرمایه‌داری؛
۵. تلاش فرمانروایان برای انزوا و تضعیف کلیسا؛
۶. تأثیر نوزایش یارنسانس؛

ساختار تمدن و شهرنشینی این قاره بر اساس قوانین آن بود و تاخت و تاز اقوام وحشی در کل خاک اروپا وضعیتی بدون نظم و سامان، در آن شرایط بحران‌زده و اسفناک شرایط ویژه‌ای برای به وجود آمدن اجتماع بجز چند نقطه خاص در این قاره که زیر نفوذ قدرت‌هایی چون امپراتوری رم شرقی یا بیزانس بوده وجود نداشته است. اروپای قرون وسطی را شاید بتوان با چند مشخصه بارز شناخت که عمده‌ی آن‌ها نظام اجتماعی نوظهور با نام فئودالیت، هژمونی دینی کلیسای کاتولیک و دستگاه تفتیش عقاید این سازمان، نبردهای طولانی با مسلمانان که به جنگ‌های صلیبی مشهور است، از برجسته‌ترین آن‌ها هستند. البته این نکته را باید در نظر داشت که اروپا در طی این هزار سال شرایط یکسانی نداشته و نمی‌توان دقیق گفت که مثلاً شرایط اجتماعی مردم در سده ششصد میلادی در کشتزارهای فرانسه با شرایط اجتماعی مردم ماهی‌گیر سواحل مدیترانه‌ای کشور یونان یکی بوده؛ ولی یک شرایط کلی هست که آن همیشه مورد بحث قرار می‌گیرد.

۴. تاریخچه علل پیدایش سکولاریسم

سکولاریسم یکی از ویژگی‌های اساسی و سرنوشت‌ساز فرهنگ، تمدن و نظام‌های سیاسی جهان غرب در یکی دو سده‌ی گذشته بوده و هست و بازتاب‌های بسیار فراوانی در حیات سیاسی و اجتماعی اینگونه نظام‌ها بر جای گذاشته و به طور اجمالی باعث انزوای نقش مذهب و خنثی نمودن حضور عینی آن در این عرصه‌ها گشته است.

«سکولر»، به معنی دنیوی یا آنچه که مربوط به این جهان خاکی است. سکولاریسم به معنای دنیاپرستی یا اعتقاد به اصالت امور دنیوی و رد آنچه غیر آن است به کار رفته است.

همچنین برای سکولاریسم مترادف‌های بسیاری



بپردازند. عباراتی نظیر «آیا تعقل نمی‌ورزید؟» «شاید تعقل پیش‌ه کنید.»، «... برای قومی که تعقل می‌کنند» و «عقل نمی‌ورزند» در قرآن حدود ۴۰ بار تکرار شده است. برای اهمیت عقل در قرآن همین بس است که در مورد کسانی که از عقلشان استفاده نمی‌کنند چنین می‌فرماید: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال / ۸) (براستی بدترین جنندگان نزد خداوند انسان‌های کر و لالی هستند که از عقلشان استفاده نمی‌کنند).

در بینش اسلامی هستی کتابی است که در کنار کتاب وحی خوانده و از آن تحت عنوان کتاب «منظور» یاد می‌شود. یعنی کتابی که باید در آن نظر، مشاهده و تفکر کرد. «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بگو در زمین سیر کنید، پس مشاهده کنید که خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرد پس خداوند بار دیگر می‌آفریند. همانا که خدا بر هر چیزی تواناست. (عنکبوت / ۲۰) و یا این آیه که ما را به تفکر در وجودمان فرا می‌خواند: «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَفِرُونَ» (الروم / ۸) (آیا در خودشان تفکر نمی‌کنند. خداوند آسمان‌ها و زمین و آنچه را که ما بین آن‌هاست نیافریده است. مگر به حق و طبق زمانبندی معین و همانا بسیاری از مردم نسبت به ملاقات پروردگارشان کافر هستند).

نتیجه اینکه، فلسفه اسلامی، فلسفه‌ای است مبتنی بر تجربه، عقل و برهان (قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)، اما تفاوت آن با فلسفه سکولاریستی در اینست که اولاً: بر هیچکدام از آن‌ها به تنهایی استوار نیست و همه را با هم دارد. ثانیاً: آن‌ها را در پرتو آموزه‌های وحی بکار می‌گیرد.

ملت‌ها هم‌چنین نقش عوامل نظری و معرفتی در پیدایش و استقرار سکولاریسم، بی‌نهایت مؤثر بوده است و نباید از دو عامل مبنایی تأثیر عرصه‌روشنگری و اکتشافات علمی و نقش مکاتب و نظریه‌های معرفتی غافل شد که اهم مورد اخیر شامل موارد زیر بوده است:

۱. اندیشه قداست‌زدایی؛
۲. سیانتیسم یا اصالت علم و علم‌زدگی و تعامل آن با پوزیتیویسم؛
۳. گرایش به اصالت حس و انسان‌شناسی مادی؛
۴. قرارداد اجتماعی و دموکراسی و نفی حق الهی حکومت؛
۵. لیبرالیسم؛
۶. اومانیزم، دئیسم و آتئیسم؛
۷. اندیویدوالیسم یا فلسفه اصالت فرد؛
۸. راسیونالیسم یا اصالت عقل؛
۹. پلورالیسم یا کثرت‌گرایی.

بدیهی است بسیاری از عوامل فوق در تفکر نظری و عملی جهان و فرهنگ غرب هم‌چنان نقش زمینه‌سازی و تقویت سکولاریسم را بازی می‌نمایند.

۵. اسلام و سکولاریسم

علل و ریشه‌های سکولاریزم را در غرب و دنیای مسیحی بررسی کردیم. حال ببینیم آیا مقتضیات و بسترهای تکوین سکولاریزم در رابطه با اسلام نیز وجود دارد یا نه؟

نظر اسلام در باب عقل و علم

آموزه‌های وحیانی اسلام با دستورات و احکام کلیسا بسیار متفاوت است. اسلام نه با عقل مخالف است و نه با علوم تجربی. در بسیاری از آیات قرآن به تعقل سفارش شده است و کسانی را که از این موهبت الهی استفاده نمی‌کنند، مورد توبیخ قرار داده و آن‌ها را از حیوانات هم گمراه‌تر دانسته است. هم‌چنین قرآن انسان‌ها را فرا می‌خواند تا در آیات آفاق و انفس سیر کنند و به مطالعه





عقلی که اسلام به استفاده از آن تشویق می‌کند، عقلی است در پناه شرع و همگام با آن نه عقل خود بنیاد و خود فرمان‌فرمایی که س——کولارهای مدرن می‌گویند. هم‌چنانکه امام غزالی (رحمه الله) به آن اشاره دارد. ایشان عقل را به بینایی و شرع را به روشنایی همانند می‌کند که هر یک بدون دیگری سودمند نیست؛ زیرا عاقل بی‌نیاز از شرع همچون شخصی بینا در تاریکی است و دیندار بی‌عقل همانند نابینایی است که در روشنایی راه می‌رود.

۶. رابطه دین و دولت

رابطه دین و دولت به گمان سکولارها دین تنها در رابطه شخصی با خدا خلاصه می‌شود و کاری به امور اجتماعی و سیاسی ندارد. شعار مورد علاقه آن‌ها اینست: «آنچه را که مربوط به قیصر است به قیصر واگذار کنید و آنچه را که مربوط به خداست به خدا» تعبیر دیگر آن این می‌شود که سیاست پیشه‌حاکمان است و خداوند فقط مالک و حاکم کلیسا و مسجد است و به امور دیگر کاری ندارد. در رابطه با این موضوع اشکال بزرگی که بر سکولاریسم وارد است این است که سکولارها نه دین را می‌شناسد و نه با سیر تاریخی تکوین دولت آشنا هستند؛ یعنی نسبت به هر دو شق قضیه جهل دارند.

در بینش اسلامی دین عبارت است از برنامه‌ای جامع و کامل برای زندگی بشر که تمامی جوانب و زوایای حیات بشری را شامل می‌شود و برای هر عرصه‌ای دارای اصول و احکام خاصی است. احکامی که از طرف خداوندی بس دانا و حکیم وضع شده و فقط از آن اوست. (إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ) چرا که فقط اوست که به احوال انسان و شئون مختلف حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی او آگاه و محیط است. او انسان را آفریده و امر نیز باید از آن او باشد. (أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ)، اما اشتباه بزرگی که در رابطه با مفهوم دولت روی داده این است که

دولت‌های معاصر عبارتند از دولت ملت‌هایی که محصول مدرنیته می‌باشند و ساختار آن‌ها در مقایسه با دولت‌های چندین قرن پیش که ابتدایی بوده و ساختاری نسبتاً ساده داشته‌اند، متفاوت بوده و پیچیده‌تر می‌باشد. به عنوان مثال: سیستم حکومتی در دوره‌ی رسالت پیامبر اسلام نسبتاً ساده بوده است.

پیامبر عملاً حاکم مدینه محسوب و تصمیم‌گیری برای تمام امور مهم از طریق شورا انجام می‌شده و مسجد نیز پایگاه حکومت، مشورت، صدور حکم و قضاوت بوده است. پس هم تاریخ صدر اسلام و هم آیات بسیاری از قرآن که مربوط به حکم و اجرای آن هستند، نشان می‌دهند که اسلام در ابتدای ظهورش دارای سیستم حکومتی بوده است. بعد از دوره‌ی رسالت؛ یعنی در زمان خلفای راشدین نیز وجود یک دولت مقتدر اسلامی را به هیچ وجه نمی‌توان انکار کرد.

۷. نتیجه

دین اسلام یک دین پویا و متینی است که برای جهان بشریت خوبی‌ها و سعادت‌مندی‌هایی را به ارمغان آورده است که چشم‌پوشی از آن اصلاً قابل قبول هیچ‌کسی نیست و نخواهد بود. دین اسلام جوان‌ترین دین آسمانی است که در زمانی خیلی کوتاه به‌رشد و بالندگی قابل توجه فایق آمده و به تعداد پیروان آن روز افزون افزوده شده است.

دین مسیحیت که توسط حضرت عیسی علیه السلام برای مردم تقدیم شد، به‌جای اینکه مسیحیان آن را حفظ کنند و پیام آن را به‌شکلی که برایشان رسیده بود، ابلاغ کنند آن را تحریف کردند و از یک کتاب، کتاب‌ها ساختند و هزار و یک قید و محدودیت‌ها را برای مردم وضع کردند که نتیجه‌ی آن بیزاری مردم از دین گشت و کلیساها و امکان مقدس توسط مردم ویران گشتند و در نهایت، مردم اروپا دین‌ستیزی نمودند و همه ارزش‌های دینی را پشت پا زدند

تاکتیک نظامی و نقش آن در جنگ‌ها

عبدالاحد «مُدبّر»

«موفقیت و پیروزی به روی کسانی لبخند می‌زند که قادرند تغییرات در ماهیت جنگ‌ها را پیش بینی نمایند.»

در از مدت می‌باشد؛ بنابراین محاربه و عملیات، سطحی میانی است که هدف از آن تبدیل استراتیژی «بالاترین سطح» به تاکتیک «پایینترین سطح» پلانگذاری است تاکتیک‌های نظامی در حال حاضر در تمام سطوح فرماندهی «سوق و اداره» از یک فرد و جزواتم تا تمام نیروهای مسلح را شامل می‌شوند. در واقع جزواتم‌های که در جنگ کار گرفته می‌شدند، انعکاسی از تاکتیک‌های هم‌عصر شان بوده‌اند و اندازه و ترکیب آن‌ها نیز به نسبت تغییر کرده‌است.

تاکتیک‌های نظامی را می‌توان هم علم دانست و هم هنر، اما در بعضی موارد بسیاری از مردمی که حتی تا حدودی با اصطلاحات نظامی آشنایی دارند، اصطلاح استراتیژی و تاکتیک را به شکل اشتباه به جای هم به کار می‌برند. هر دو اصطلاح استراتیژی و تاکتیک از یونان باستان نشأت گرفته‌اند و بیشترین ارتباط را با هنر جنگ داشتند. استراتیژی بر این زمینه متمرکز است که چگونه می‌توان از تعاملات جنگی برای دست یافتن به اهداف استفاده کرد. تاکتیک‌ها نحوه استفاده از نیروهای نظامی برای دستیابی به این اهداف را توصیف می‌کنند.

از زمانی که چیزی برای منازعه وجود داشته و هر یک از طرفین به داشتن و تملیک آن علاقه داشته‌اند، انسان‌ها در حال نبرد با یکدیگر بوده‌اند. اگر چه دنیای جنگ نسبت به روزهای اولیه آن تغییرات بسیاری داشته‌است، قوانین کلی هم‌چنان بدون تغییر مانده‌اند. معمولاً طرفی که برتری عددی و تکنولوژیکی دارد، بدون در نظر گرفتن

در گذشته‌های بسیار دور، عنصر مهم و اساسی در جنگ‌ها را استفاده از تفنگ‌های فتیله‌ای و سپس تفنگ‌های چقماقی و دسته‌های پیاده و سوار اسبی تشکیل می‌دادند. در قرن نوزدهم عملیات با آتش تفنگ‌های نیمه اتومات، اتومات و توپخانه سبک حمایه می‌گردید اما هم‌چنان تاکتیک تغییر چندانی ننموده بود.

در نیمه اول قرن بیستم اختراع تانک منجر به ابداع تاکتیک دفاع متحرک با حمایه آتش انبوه گردید که تا مدت‌ها، مفاهیم تاکتیکی تهاجم و دفاع در ارتش‌ها از آن نشأت می‌گرفت. در واپسین سال‌های قرن بیستم پیشرفت‌های شگرفی در زمینه سلاح‌های قطر کوچک، مهمات و سلاح‌های هوشمند، موشک‌های سطح به سطح، سیستم موقعیت‌یاب جهانی، تصاویر ماهواره‌ای، هلیکوپتر و هواپیماهای جنگی پدید آمد که بالقوه مانور را مؤخر بر آتش نمود.

تاکتیک نظامی در تفکرات نظامی معاصر، پایینترین سطح پلانگذاری به‌شمار می‌آید که در آن دسته‌های کوچک که شامل ده نفر تا چند صد نفر می‌شوند شرکت دارند. دسته‌ها نظامی در صفوف جداگانه ترتیب و تنظیم و سوق و اداره می‌شوند که دارای سطح بالاتری «اوپراتیف» از پلانگذاری به نام پیشبرد عملیاتی نیروها هستند. هم‌چنان در سطح بالاتر پلانگذاری نظامی «استراتیژیک»، استراتیژی نظامی است که درباره توانایی‌های کلی و پلانگذاری برای رسیدن به نتایج





سطح جنگی که در آن نبردها و درگیری‌ها برای رسیدن به اهداف نظامی تعیین شده به واحدهای «جزواتام‌ها» تاکتیکی یا نیروهای خاص تفویض می‌گردد و در بخش نظامی، یک واحد مانند یک دلگی، بلوک، تولی، کندک و...، از تاکتیک نظامی برای اجرای یک ماموریت خاص و رسیدن به هدف یا پیروزی به سمت هدفی مشخص استفاده می‌کند.

تاکتیک نظامی به آموزش و تعلیمات

مهم است بین تعلیمات و آموزش تفاوت قائل شویم، وظیفه اساسی آموزش، ایجاد اراده و سهولت برای یادگیری است؛ به تعبیر وسیع، تعریف بالا به این موضوع اشاره دارد که آموختن یک پروسه وابسته و دوامدار است. یادگیری به این دلیل یک پروسه وابسته است که به یک ساختار نهادی و محیط مساعد و هم‌چنین به تأمل و خواسته فردی بستگی دارد. یادگیری (آموزش) به این دلیل یک پروسه دوامدار است که اگر چه یک شخص می‌تواند رسماً از یک نهاد و یا موسسه تحصیلی و تعلیمی فارغ شود اما باز هم یادگیری فعالیتی است که در تمام عمر ادامه دارد. برعکس، تعلیمات پروسه عملی است که اغلب مهارت‌ها در آن جهت استعمال و استفاده آموختانده می‌شود. اکثراً در بخش‌های نظامی و تخصصی این نظر را دنبال می‌کنند که آموزش و تعلیمات دو فعالیتی است که می‌تواند هم‌زمان صورت گیرد. آموزش و تعلیمات به همراه تجربه برای انکشاف کامل یادگیری نهایت ضروری اند.

مسائل اساسی تاکتیک

از زمان ظهور تاکتیک‌ها، ارتش‌های کشورهای مختلف اصول جنگی زیادی را از زوایا و جنبه‌های مختلف مطرح کرده اند. اصولی که معمول، پایدار و در شرایط مدرن هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرند عمدتاً عبارتند از، حفظ خود و از بین بردن دشمن از اهداف اساسی نبرد است. از دیدگاه‌های مختلف طبقه بندی تاکتیک‌ها،

دیگر فاکتورها، برنده نبرد خواهد بود. در اندک مواردی دیده شده که ارتش‌هایی بدون برتری فاحش نسبت به طرف مقابل در میدان نبرد و حتی با داشتن مشکلات و کاستی‌های بسیار، توانسته اند بر دشمنی پیروز شوند که هم تعداد نیروهایش بیشتر بوده و هم از لحاظ تکنولوژی نظامی پیشرفته تر بوده است. اینجاست که پای تاکتیک‌های نظامی هوشمندان به میان می‌آید. برخی از این تاکتیک‌ها و استراتژی‌های ویژه چنان مشهور هستند که هنوز هم در اکادمی‌های نظامی آموزش داده می‌شوند و برخی دیگر نیز به خاطر عواقب بزرگتری که این جنگ‌ها داشته اند، به کلی فراموش شده اند.

تاکتیک چیست؟

تاکتیک هم علم است و هم هنر، تاکتیک یک عمل مفهومی یا یک تعداد اقدامات کوتاه مدت با هدف رسیدن به یک هدف کوتاه مدت می‌باشد.

این عمل می‌تواند به عنوان یک یا چند کار خاص اجرا شود. اصطلاح تاکتیک معمولاً در زمینه‌های تجاری، اعتراضات، نظامی، ورزش یا سایر فعالیت‌های رقابتی کاربرد دارد. این واژه از ریشه یونانی به معنای هنر چیدمان (جابجایی) مشتق شده است هنر جابجا کردن افراد در میدان جنگ یا هنر چگونه جنگیدن را تاکتیک می‌گویند تاکتیک نظامی یا هنر سوق و اداره قوت‌ها، فن استعمال سلاح و جزواتام‌های نظامی به منظور درگیری و شکست دشمن در نبرد است.

یکی از مسائلی ضروری در تاکتیک نظامی، همانا راهنمایی صحیح ذهنی، استفاده انعطاف پذیر از نیروها و تغییر تاکتیک‌ها از شرایط مهم برای به دست گرفتن و حفظ ابتکار عمل و شکست دادن دشمن است.

تحولات فلسفه و علوم در طول تاریخ تأثیرات عمیقی بر تاکتیک‌های نظامی گذاشته‌اند.





بوده و کاربرد به موقع و مؤثر آن‌ها در به‌دست آوردن موفقیت و پیروزی اثر قاطع دارد. این اصول مورد قبول فرماندهان نظامی بوده و صحت و تطبیق این اصول با اشکال مختلف محاربه مورد تصدیق و تأیید آنها قرار گرفته است.

تاکتیک: هنر و مهارت جابجا کردن افراد، وسایط، تجهیزات و قابلیت‌های محاربوی در میدان جنگ یا هنر چگونه جنگیدن را تاکتیک می‌گویند. موضوع تاکتیک یکی از برنامه‌های به هم پیوسته در چارچوب نصاب تعلیمی برای تعلیمات محاربوی مسلکی می‌باشد. موضوع تعلیمات محاربوی بنیاد ضروری برای پروسه تدریجی و متوالی آموزش‌های نظامی و مقتضیات، تجارب و فعالیت‌ها و انکشاف آموخته‌ها می‌باشد که با هدف حمایت از آموزش مهارت‌های نظامی و انکشاف ظرفیت‌ها و هم‌چنین معرفی مفهوم تعلیمات در چارچوب مسلک‌های نظامی طراحی و پیشبرده می‌شود.

دفاع: تحت اللفظی به معنای پاسخ در برابر هجوم دشمن و یا انجام عملیات محاربوی به منظور جلوگیری از موفقیت دشمن می‌باشد. در واقع اقداماتی که به منظور حفظ ارزش‌های اسلامی و ملی، حفظ جان مردم، تضمین امنیت، پاسداری از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی در هر موقعیتی و نهایتاً دفاع در مقابل تجاوز دشمن، صورت می‌گیرد. واضح است که در این شیوه، دفاع از کشور مستلزم بکارگیری سلاح و شیوه‌های نظامی می‌باشد و زمانی اتفاق می‌افتد که حمله آشکار یا مسلحانه صورت گرفته باشد و قبل از وقوع چنین حمله‌ای با تعلیمات نظامی (تاکتیک‌ها، شیوه‌های بکارگیری سلاح و...) و ارتقای تجهیزات نظامی سعی در ایجاد آمادگی برای دفاع می‌شود.

تعرض یا تهاجم: حالت و وضعیت قوت با هدف پیشروی و حمله به دشمن، نابودی قوای جان دار و بی جان،

بدر نظر داشت اصول جنگ و به کارگیری آن‌ها، به تاکتیک‌های تهاجمی و تاکتیک‌های دفاعی جنگی تقسیم شده است.

تاکتیک‌ها طبقه بندی‌های مختلفی دارند که با توجه به انواع اساسی جنگ، به دو تاکتیک تهاجمی و تاکتیک‌های دفاعی تقسیم می‌شود.

با توجه به نوعیت، به دو تاکتیک مشترک و تاکتیک‌های قرارداد تقسیم می‌شود.

با توجه به خدمات و اسلحه، آن‌را به تاکتیک‌های خدمات و تاکتیک‌های سلاح تقسیم شده است.

با توجه به مقیاس، آن به تاکتیک‌های نیروهای مسلح، تاکتیک‌های نظامی و تاکتیک‌های یک صنف (مسلک) تقسیم می‌شود. حمله و دفاع وسیله اصلی برای دستیابی به اهداف جنگی است.

در جنگ، مهم‌ترین چیز نابودی دشمن است و بعد آن، حفظ خود است. فقط با از بین بردن تعداد زیادی نیروی دشمن می‌توان خود را به طور مؤثری حفظ کرد. اقدامات پیشگیرانه اصلی‌ترین وسیله برای از بین بردن دشمن است.

دفاع منفعل است، که وسیله‌ای برای حفظ خود و کمک به اقدام دوباره است. استفاده از سلاح‌ها و تجهیزات در جنگ توانایی نابودی دشمن را بهبود بخشیده و هم‌چنین دشواری حفظ خود را افزایش داده است. در نبرد، ما باید به بازی (یادگیری مهارت‌ها) مؤثر سلاح‌ها و تجهیزات مختلف بپردازیم، با انعطاف پذیری از تاکتیک‌های مختلف استفاده کنیم، متعهد، شجاع، سرسخت، مصمم و فعال باشیم، دشمن را نابود یا کنترل کنیم. در همان زمان، اقدامات مؤثر مختلفی را باید انجام داد.

اصول جنگ: اصول جنگ عبارت است از یک تعداد قواعد کلی که هدایت نبرد را به عهده دارد و یا اصول جنگ حالت مسلمی هستند که حاکم بر میدان محاربه





است. به عبارت دیگر تعرض عملیاتی نظامی در میدان محاربه است در نتیجه آن که نیروهای درگیر در جنگ برای تصرف قلمرو نیروهای دشمن، دستیابی به غنیمت‌های جنگی یا رسیدن به جایگاه استراتژیک بهتر می‌کوشند. تعرض ممکن است بر روی زمین، در دریا یا هوا به انجام برسد.

فرهنگ نظامی: پدیده کلی پیچیده‌ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل بعدی است. فرهنگ نظامی یک جامعه را می‌توان به عنوان بخشی از فرهنگ که دیدگاه جامعه را در خصوص جنگ و پیامدهای برآمده و یا وابسته به آن تشکیل می‌دهد بیان نمود. هم‌چنین، فرهنگ نظامی را می‌توان یک امر کیفی که نشأت گرفته از اندیشه، شیوه و چگونگی تفکر آن مردم در قبال مخاطرات و وقایع نظامی در جنگ‌های رخ داده در طول تاریخ آن ملت عنوان نمود. این فرهنگ با توجه به روحیات، آداب و سنن، باورها و آموزه‌های یک ملت در حافظه تاریخی مردمی که در یک سرزمین زندگی می‌کنند حفظ شده و قابلیت انتقال به نسل بعدی را دارد.

اثر نخست فرهنگ نظامی بر جمع نظامیان در یک کشور را می‌توان به صورت ایجاد روحیه مقاومت و فداکاری در راه دستیابی به اهداف ملی بیان نمود. این اثر به نوبه خود باعث افزایش توان رزمی می‌گردد. از سوی دیگر فرهنگ نظامی با تأثیر بر اولین اثر (تقویت شوق حضور مردم در نیروهای مسلح) در بعد کمی نیروهای مسلح قابل ارزیابی می‌باشد و دومین اثر (ایجاد روحیه مقاومت و فداکاری در راه دستیابی به اهداف ملی) در جهت تقویت بعد کیفی و یا عناصر برترساز توان رزمی مؤثر می‌باشد.

مانور: جابجایی به معنای حرکت نیروها از یک نقطه

به نقطه دیگر و مانور عبارت از حرکت نیروهای رزمی برای به دست آوردن یک موقعیت برتر نسبت به نیروهای متخاصم و زیر آتش قرار دادن یا در بُرد آتش قرار دادن آن‌ها می‌باشد. مانور وسیله‌ای است که نیروها در لحظات سرنوشت‌ساز و بحرانی محاربه برای غافلگیری، ضربه وارد کردن، برتری روحیه و میل جنگی از آن بهره می‌برند.

آتش: آتش وسیله‌ای برای صرفه‌جویی در قوا و حفظ توان رزمی نیروها می‌باشد تا بدین ترتیب حداقل نیرو در معرض درگیری مستقیم با دشمن قرار گرفته و فقط وقتی وارد عمل شود که هدف فیزیکی با مزیت و برتری تاکتیکی در دسترس قرار گرفته باشد. آتش نقش تعیین‌کننده‌ای در انهدام دشمن و وارد آوردن تلفات و خسارات داشته و صفوف او (دشمن) را درهم زده، مقاومتش را درهم شکسته و حرکت نیروهای خودی را تسهیل می‌نماید.

میتودهای اساسی تعلیمات نظامی

دکترین تاکتیکی میتودهای اساسی تعلیمات نظامی، تاکتیک، تکنیک و مقررات جزء به جزئی که راهنمای استفاده از سلاح‌های خاص برای کسب اهداف خاص محسوب می‌شوند، را تعریف می‌کند. دکترین تاکتیکی در واقع راهنمایی لازم را برای چگونگی عملکرد یک نیرو در درگیری‌ها و جنگ‌ها، فراهم می‌نماید. در دکترین تاکتیکی چگونگی کسب اهداف تاکتیکی و چگونگی حرکات و آتش (مانور) جزو تامل‌ها، تأثیرگذاری عوامل اطلاعات محاربوی مانند دشمن، شرایط جوی، اراضی و سلاح‌های در دسترس بر تاکتیک‌های نیروها مورد توجه قرار می‌گیرد.

تعلیمات مشترک محاربوی، به آن دسته از قواعد بنیادی اطلاق می‌شود که هدایت‌کننده عملیات تاکتیکی در حمایت از تدابیر اتخاذ شده سطوح پایین فرماندهی





نظامی است که تدابیر اتخاذ شده سطوح مزبور با توجه به دکترین‌های تاکتیکی، منجر به اجرای محاربه می‌شود. دکترین تاکتیکی متضمن اجرای محاربه در منطقه هدف است و چگونگی جنگیدن را خاطر نشان می‌سازد. دکترین تاکتیکی هدایت‌کننده، روشنگر و راهنمای عوامل تاکتیکی در میدان‌های جنگ‌هاست و به شکل‌های ساده و مشترک تهیه، تدوین و در مراکز تعلیمی اجرا می‌شود.

۱- تصمیم‌گیری یا قرار نظامی:

یکی از وظایف عمده و اساسی در پروسه تعلیمات محاربوی، تصمیم‌گیری (قرار نظامی) است. طبق نظر برخی کارشناسان علم مدیریت، تصمیم‌گیری یا قرار نظامی را از مدیریت جدا باید شناخت. ماهیت قرار نظامی در قدمه‌های پائینی، متوسط و بالایی نهادهای نظامی متفاوت است. در قدمه‌های پایین قرارهای نظامی معمولاً از پیش تعیین شده هستند و جهت عملی نمودن، در یک چارچوب قبول شده مثل تعلیمات‌نامه‌ها، اصول‌نامه‌ها و یا اوامر جداگانه به آنان ابلاغ می‌شود.

۲- طراحی و پلانگذاری: پلانگذاری عبارت است از تفکر در کلیات و جزئیات پلان و یا به عبارت دیگر تعیین و اتخاذ شیوه و روش‌هایی که ما را به بهترین نتیجه مطلوب برساند. پلان نشان می‌دهد که هدف‌ها چگونه باید تحقق یابند. بدون پلانگذاری هرگز نباید و نمی‌توان وارد مرحله عمل شد.

شرایط پلانگذاری :

الف: پلان، باید دقیق و از نظر کمی و کیفی کاملاً روشن باشد.

ب: پلان باید از هرگونه ابهام و کلی‌گویی خالی بوده،

تماماً جنبه عملی و عینی داشته باشد.

ج: در پلانگذاری می‌باید مقایسه نیروی انسانی، هزینه‌ها، ابزار، وسائل و سایر منابع مورد نیاز دقیقاً محاسبه شود.

د: در پلانگذاری باید همیشه محلی برای حوادث پیش‌بینی نشده در نظر گرفته شود. در طراحی و پلانگذاری همیشه طراحی ذهنی خویش را بر روی کاغذ آورده و با ارائه به همکاران، آن‌ها را در دقیق بودن قرار نظامی مشارکت داد و بدین‌وسیله آن‌ها را احترام گذاشت و از همکاری و تجربیات آن‌ها بهره برد و معتقد بود اگر نیت و عمل ما خالص برای جهاد در راه خدا، دفاع از سرزمین و کشور اسلامی و مردم باشد، آن‌ها بهترین طرح و برنامه را به ما الهام خواهند کرد.

۳- ترتیب و تنظیم (پروسه که طی آن با تقسیم کار میان افراد و گروپ‌های کاری و ایجاد هم‌آهنگی میان آن‌ها، برای کسب اهداف تلاش می‌شود):

پس از تعیین هدف و یا اهداف اجرایی و تهیه پلان و نقشه کار، به دنیای عمل گام گذاشته می‌شود و در این مرحله ترتیب و تنظیم نیروها و امکانات، جهت تحقق پلان لازم و ضروری است.

ترتیب و تنظیم مستلزم آن است که منابع به مؤثرترین شیوه برای حصول هدف‌ها فراهم شود. هدف از ترتیب و تنظیم، تقسیم کار در یک مجموعه به گونه‌ای که:

الف: هیچ کاری بدون مسئول نماند و در عین حال از تداخل و تضاد مسئولیت‌ها، جلوگیری به عمل آید.
ب: هر کاری به افرادی که دقیقاً از عهده آن بر می‌آیند سپرده شود.

ج: تمام افراد به صورت یک مجموعه کاملاً منسجم





عمل کنند، به طوری که کار هریک، مکمل دیگری باشد.

د: رعایت سلسله مراتب و تقسیم کار.

ه: تمام افراد از طریق سلسله مراتب با قرارگاه و یا قوماندان در ارتباط باشند.

-هماهنگی و کنترل:

یکی از وظایف مهم پیشبرد تعلیمات نظامی آموختن مهارت ایجاد هماهنگی است. هر قدر یک نهاد گسترده تر و پیچیده تر باشد مسئله هماهنگی در آن حساس تر می شود. ارتباط میان قوماندانان با افراد تحت امر آنان هرگز نباید به شکل استبدادی در آید که جرعت اظهار نظر نداشته باشند. اما این سخن بدان معنا نیست که حفظ اصول انضباط و سلسله مراتب و قاطعیت به فراموشی سپرده شود. بلکه جمع بین انضباط و برادری از کارهای بسیار ظریفی است که تنها استعداد و ابتکار قوماندان و آموزش مستمر فرهنگی افراد می تواند آن را تضمین کند.

۵- ایجاد انگیزه و ابتکار:

انگیزه عبارت است از ایجاد شوق رسیدن به چیزی یا انجام کاری یا درک عقیده ای که باعث پویایی و تحرک می گردد. ایجاد انگیزه باعث حرکت نیروهای نهفته انسان ها در جهت تحقق اهداف می شود. روانشناسان معتقدند تشویق زیردستان و ایجاد انگیزه در آنان در موفقیت نیروهای تحت امر قوماندانان، نقش مؤثری دارد. در جریان تعلیمات نظامی جهت انکشاف مهارت ها باید به موارد زیر دقت لازم داشت.

آموختن و عملاً اجرای مانور، ایجاد وضعیت مطلوب، جستجوی فعال و ایجاد نقاط ضعف و اشتباهات دشمن، وضعیت دشمن، وضعیت دوست و اراضی، جابجایی ماهرانه ای نیروها و روش های مناسب، مهارت در مشاهده وضعیت میدان جنگ، قضاوت در مورد وضعیت،

واکنش سریع، مانور انعطاف پذیر نیروها، قدرت آتش و اقدامات متقابل الکترونیکی، تغییر روش ها اقدام و حمله به دشمن بدون از دست دادن فرصت، انجام عمل بطور قاطعانه و فعال با تغییر اوضاع و یا قطع ارتباط با مافوق مطابق هدف.

با به کارگیری مهارت ها و اقدامات غیرمنتظره می توان نقاط قوت و ضعف طرف مقابل را تغییر داد، دشمن را از مزیت و ابتکار عمل محروم کرد و با هزینه ای ناچیز پیروزی های بزرگی کسب کرد.

در جریان پیشبرد تعلیمات محاربوی برای استفاده از شرایط پیچیده آب و هوایی و اراضی، تاکتیک ها و شیوه های برای نزدیک شدن سریع به دشمن باید در نظر گرفته شود. موضوع حمایت لجستیکی و حمایت تجهیزات برای اجرای روان انواع اصول جنگی از اهمیت بسیاری برخوردار است. بیشترین مهارت ها باید بالای مسایل اصلی حمایه (سلاح، وسایط، مواد و تجهیزات) متمرکز شوند. هم چنان برای بهبود قابلیت های حفاظتی، ترمیم و نگهداری تجهیزات، استفاده همه جانبه از نیروهای مختلف، تأمین به موقع مواد و تجهیزات مورد نیاز برای جنگ، درمان به موقع مجروحان و بیماران، تحکیم و بهبود توانایی جنگی مستمر نیروها (پنج اصل مبارزه ابتکار، عمق، چابکی، هماهنگی و تطبیق پذیری) از جمله مسایل مهم در جریان پیشبرد تعلیمات محاربوی نظامی است که زمینه را برای فعالیت های تاکتیکی در میدان محاربه فراهم می دارد.

منبع:

- ۱- سان تزو، هنر جنگ.
- ۲- جلیل روشندل، حرب و استراتژی.
- ۳- عظیمی، محمدنبی تاریخ حرب.
- ۴- یادداشت های دوره خدمت.





د واخان (د نړۍ بام) جیوپولیتیک او جیو ستراتیژیک ارزښت

دوهم بریدمن عبدالصادق

جنوبي اسيا او منځنۍ اسيا د وصل نقطې په توگه پېژندل شوی افغانستان د مرکزي او جنوبي اسيا تر منځ د منځگړي هېواد په توگه دنورو هېوادونو او ددې هېواد تر منځ د اقتصادي موخو د مخته وړولو په پار د موثرو اقتصادي گټو څخه برخمن دی.

افغانستان د ځانگړي اقتصادي موقعيت څخه برخمن دی. دا هېواد د سيمې اقتصادي، کلتوري او جیوپولیتیکو حوزو په منځ کې قرار لري. له بل اړخه افغانستان په ځانگړي جغرافيايي موقعيت کې د شتون له امله کولای شي، چې د تجارت او ترانزيت په برخه کې لا ډېر اقتصادي فرصتونه رامنځته کړي، او له هغو څخه د هېواد په ابادولو او بيارغونه کې گټه واخلي.

واخان د هېواد په شمال ختيځ کې، د ځانگړي تاريخ لرونکې، ارزښتمنه او د جیوپولیتیک او جیو ستراتیژیک څخه برخمنه سيمه ده، چې د افغانستان د خلکو لپاره حياتي ارزښت لري، د واخان غاښی د څلورو هېوادونو (چين، افغانستان، تاجکستان او پاکستان) ترمنځ شتون لري، چې له قبل الميلا د وړاندې له لومړۍ او دوهمې پېړۍ د اسيا او اروپا د ملتونو د پاملرنې وړ گرځېدلی دی، چې د چين او اروپايي هېوادونو تر منځ د ورېښمو لارې څخه په گټې اخيستنې د سوداگريزې راکړې ورکړې په پار د کارېدو وړ و.



په يوه سيمه کې د امنيت په اړه بايد هره مطالعه په لومړي قدم کې د اقتصادي گټو يا سياسي کړنو په نسبت لومړی د تهديد سرچينې وپېژني. دا موضوع په دې پورې تړلې ده، چې په سيمه کې اقتصادي گټې او سياسي کړنې څه ډول تعريفوي.

په اصلي ډول جیوپولیتیک د ځمکې، نفوس، استراتېژیک موقعيت، طبعي سرچينو او نورو جغرافيايي عواملو د اغيز د څرنگوالي ارزونه کوي، چې د دولتونو تر منځ اړيکي او د قدرت د ترلاسه کولو لپاره د هغوی هڅې او په نورو دولکې ټينگول تر بحث لاندې نيسي. کولای شو ووايو: چې جیوپولیتیک د انساني کړنو د توپير يو ډول دی، چې هغه سياسي، اقتصادي او يا استراتېژیک توپيرونه دي. نیکولاس اسپايکمن جغرافيه پوه او سياسي استراتېژيسټ په دې باور و، چې جغرافيه د کليدي عواملو څخه يو دی، چې بهرني سياست ته د شکل ورکونې له لومړيتوبونو څخه شمېرل کېږي.

موقعيت د جغرافيايي قدرت له عواملو څخه دی، چې د ځمکې د طبعي وضعې او ملي قدرت ترمنځ اړيکه جوړوي او د ځمکې د کرې پر مخ د يو هېواد رامنځته کېدو څرنگوالی مونږ ته ښيي، او له دوو اړخونو د مطالعې وړ دی: ځانگړی موقعيت يا رياضي، چې د ځمکې د کرې پر مخ د هېواد جغرافيايي طول او عرض دی؛ او بل هغه يې عمومي موقعيت يا نسبي موقعيت دی، چې د لويو وچو، منطقي او يا نړيوال موقعيت پر ځای د اوبو، وچې او يا د لويو لارو پر بنسټ ویشل کېږي.

د افغانستان يا د اسيا زړه لويه سرمايه او امتياز د هغه اقتصاد محوره جیوپولیتیک ارزښت دی چې د تاريخ په اوږدو کې د تمدنونو، د اسيا څلورلارې او منځني ختيځ،





دا سوداگريزې راكړې وړ كړې د چنگيز د لښكرو تر يرغل (د دولسمې ميلادي پېړۍ تر پايه) پورې همداسې روانې وې او د بېلا-بېلو بشري تمدنونو او كلتورونو تر منځ د اړيكو د پل په توگه پېژندل كېده. هېوان تسانگ زائر بودايي لومړی كس دی، چې په خپلو ليكنو كې يې له واخانه يادونه كړې. ماركوپولو سيلاني په ديارلسم قرن كې له دې لارې تېر شوی او ځان يې چين ته رسولی دی. دا سيمه د خپلواكو اميرانو له لوري اداره كېده، او تر ۱۸۸۳ م كال پورې د بدخشان د والي تر كنترول لاندې وه. په همدې كلونو كې برتانيا له لومړيو هېوادونو و، چې يوه ډله يې د واخان پېژندنې په پار دې سيمې ته واستوله، لومړی كس، چې دې سيمې ته ورسېد مور كرافت و، ورپسې په ۱۹۷۳ م كال كې جان وود او بيا لرد كرز هغه خلك و، چې واخان يې تر ارزونې لاندې ونيوه.

د بریتانیا او شوروي تر منځ په ۱۹۴۹ م كال كې د چين كمونيستي انقلاب د يوې لسيزې لپاره په افغانستان د شوروي يرغل دا ټولې لويې لويې د واخان په پار وې، چې په ۱۹۸۱ كال كې واخان په كابل كې د كمونيستي حاكميت په هوكره پخواني شوروي اتحاد ته وسپارل شو. د واخان له اشغال وروسته روسانو له ۲۰۰۰ تر ۳۰۰۰ پورې قرقيزي وگړي له سيمې وايستل، چې د شوروي له ماتې او وتلو وروسته واخان بېرته د افغانانولاس ته ورغی، چې ورپسې په افغانستان د ناټو او امريكا يرغل وشو او سيمه كې يې گډوډي جوړه كړه، چې افغانستان د يوې اوږدې مودې لپاره ونشو كولاى، چې واخان د سيمې د وصل په نقطه بدل كړي. په اوس وختونو كې واخان د يوې كليدي څلورلارې په توگه گڼل كېږي، له همدې امله په سيمه كې د چين د جادې او كمربند د جوړولو په پار دا دهليز مهم او حياتي ارزښت لري.

د واخان غاښی افغانستان په مستقيم ډول له چين سره وصلوي. د چين هېواد د خپل نفوس لپاره زراعتي محصولاتو ته اړتيا لري، چې افغانستان كولاى شي، د موادو د عرضه كوونكي په توگه له دې مهم استراتېژيک موقعيته ډېره گټه ترلاسه كړي.

په ورته وخت كې د مركزي اسيا هېوادونو سره د پاكستان د وصلېدو په پار د واخان غاښی فوق العاده ځانگړی استراتېژيک ارزښت لري. كه د پاكستان او هندوستان سياسي شرايط اجازه وركړي، دا لويه لار به د هند ټوله نيمه قاره د مركزي اسيا هېوادونو سره وصل كړي.

په همدې توگه امكان لري، تر څو واخان د افغانستان، چين، پاكستان، هندوستان، تاجكستان او قرغزستان تر منځ د ترانزيتي وصل نقطې په توگه بدل شي.

لكه څنگه، چې د شلمې پېړۍ په پيل كې بریتانوي جغرافيه پوه هالفورډ مكينډر ويلي: (يو قدرت، چې و كولاى شي د اسيا، اروپا او افريقا د سوداگرۍ اورا كړې وركړې لارې په يوه چوكاټ (نړيوالې جزيرې) كې راټولې كړي، دې ته به چمتو شي، چې په يوه نړيوال برلاسي قدرت بدل شي). په داسې حال كې به د واخان غاښی د افغانستان د سياسي نفوذ د ډېرېدو سبب شي. همدارنگه افغانستان به د سيمې د يووالي سياست او د سيمې او نورو لويو قدرتونو سره په اړيكو كې د توازن ساتلو پر وړاندې د خپلو گټو په ساتلو سره امنيت او سياسي ثبات ترلاسه كړي.

د افغانستان اسلامي امارت د لومړيتوب لرونكو استراتېژيو څخه يوه يې له گاونډيو هېوادونو سره د مستقيمو ځمكنيو اړيكو استراتېژي ده. په همدې دليل د سيمې او گاونډ هېوادونو سره د مذاكراتو له محور يې د واخان كوريدور په لار اچولو ټينگار دی. اسلامي امارت يوازې په مذاكراتو بسنه نه ده كړې او ژمن دی، چې د افغانستان مسير په واخان كوريدور كې جوړ كړي. د واخان له ولسوالۍ د





کې موقعیت لري، له یوه لوري له هند او له بل لوري د مرکزي اسیا له مشهورو هېوادونو او چین سره او له بل لوري له لویدیځې اسیا او منځني ختیځ سره تړلی دی. په ټوله کې افغانستان سربېره پردې، چې د استراتېژیک موقعیت لرونکی دی، خو په ورته وخت کې یاد موقعیت د امریکا د اشغال او تیري قرباني گرځېدلی و، خو بیا هم هیلې شته، چې په راتلونکي کې دا موقعیت افغانستان د سوکالۍ او آرامۍ په لوري بوځي. د افغانستان استراتېژیک موقعیت د دې سبب گرځېدلی، چې د نړۍ لوی قدرتونه ورته ځانگړې پاملرنه وکړي، او تل یې په سیاسي او داخلي چارو کې لاسوهنه وکړي، او په پایله کې له دې هېواده د سیاسي ثبات زمينې واخلي.

منابع و مأخذ

- ۱- انصاري، سلطان محمد (۱۳۷۵)؛ جغرافیای عمومي ولایات افغانستان.
- ۲- مجددي، فضل غني (۲۰۲۰)؛ صفحه از تاریخ افغانستان.
- ۳- اطلاعاتې درباره جمهوري اسلامي افغانستان (۱۳۵۴)؛ بهرنیو چارو وزارت.
- ۴- اسعدي، مرتضی و هوشنگ اعلم (۱۳۷۶)؛ افغانستان (مجموعه مقالات)؛ بنیاد دایره المعارف اسلامي.
- ۵- قاسمي، فرهاد (۱۳۸۴)، طرح مفهومي و نظري مطالعات منطقه اي در سياست بين الملل.
- ۶- اطلس گیتاشناسي نوین کشورها.
- ۷- خبري ویبسایتونه، WWW.mod.gov.af. ملي دفاع وزارت.

تر سر حده پورې د سړک جوړونې پروژه، چې ۵۰ کیلو متره اوږدوالی او ۵ متره عرض لري د ۵ میلیونه او ۱۲۵ زره ډالرو په ارزښت یې سروې شوې پیل کړې. دا ډول اقدامات د واخان کریدور په لار اچونه کې د اسلامي امارت د ژمنتیا ښوودنه کوي.

له بل اړخه د افغانستان اسلامي امارت د ملي دفاع وزارت د اسلامي او ملي ارزښتونو، ځمکنۍ بشپړتیا، ملي گټو او د افغانستان د ملي حاکمیت د مدافع او ساتونکي په توگه ترې دفاع او ساتنه کړې، او هېڅ عنصر ته به د افغانستان په خاوره د تېري او ترې د گټې اخیستنې اجازه ور نکړي. (واخان د افغانستان لپاره د سر حیثیت لري، او د خپل سر په بیه به ور څخه ساتنه کوو؛ تر څو چې مونږ ژوندي یو تل به د افغانستان له خاورې او په ځانگړې ډول له واخان ساتنه کوو).



واخان هېڅکله د شخړو ټکي نه و، او د گران افغانستان له وجوده نه بېلېدونکې برخه ده، د واخان په طبعي سرچینو، اوبو او خاورې هر ډول تجاوز د افغانستان په ځمکنۍ بشپړتیا او ملي حاکمیت تجاوز گڼل کېږي. د نړۍ لوی استراتېژیستان واخان د چین، پاکستان، افغانستان، تاجکستان، هندوستان، روسیې او تر ایرانه د مرکزي اسیا د نورو هېوادونو د لیدو او څار په پار (د نړۍ د بام) له پورته ارزښته پوره پوهه لري.

افغانستان د مرکزي اسیا په حساسه او استراتېژیکه نقطه



گنبد آهنین چیست و چگونه کار می‌کند؟

میرسنگی « میرزاده »

حکومت‌ها از آغاز تشکیل‌شان به ساختن دیوارها، دژها و ابزارهای جنگی که بتوانند با استفاده از آن در مقابل گروه‌های مهاجم مقاومت نمایند اقدام نموده‌اند. با این عملکردشان تلاش نموده‌اند، مکانی مطمئن برای رعیت و مردم‌شان فراهم سازند. این سعی و تلاش با پیشرفت بشر در عرصه تکنولوژی و ساخت تسلیحات سبب پیشرفت وسایل دفاعی گردید.

با کشف علوم و ارتقای سطح دانش در بخش‌های دفاعی، تعدادی کشورها قادر گردیدند دستگاه‌هایی را بسازند تا به واسطه آن قبل از اینکه جت‌های جنگی و هلیکوپترها، راکت‌ها و موشک‌های دشمن به هدف برخورد کنند، ایشان را رهگیری و نابود نمایند. در اکثر منابع از این دستگاه‌های رهگیری کننده و نابود کننده بنام پدافند (دفاع) هوایی یاد شده که از جمله آن‌ها می‌توان از پدافند هوایی اس ۴۰۰ روسیه، پدافند هوایی فلاخن داوود اسرائیل، پدافند هوایی تاد آمریکا، پدافند هوایی آستر ۳۰ فرانسه و ایتالیا، پدافند هوایی H-Q9 چین، پدافند هوایی گنبد آهنین اسرائیل و... نام برد. در این نوشتار از جمع پندافندهای هوایی ساخته شده در جهان با استفاده از مطالعه و دریافت معلومات در رابطه به گنبد آهنین و بخش‌های اصلی آن، عملکرد آن در مقابل راکت‌ها و موشک‌های شلیک شده، چالش‌ها و نکته آسیب‌پذیری، در رابطه به اینکه کدام کشورها تصمیم به ساخت گنبد آهنین گرفته است معلومات ارایه می‌گردد.

گنبد آهنین چیست؟

گنبد آهنین یک دستگاه دفاعی پیشرفته است که به منظور مقابله با تهدیدات موشکی راکت‌های کوتاه برد طراحی شده است. این سامانه از زمان راه‌اندازی خود نقش مهمی در حفاظت از شهرها و مناطق استراتژیک در برابر حملات موشکی بازی کرده است. این دستگاه به عنوان یکی از مؤثرترین سامانه‌های دفاعی موشکی جهان شناخته شده است. توانایی آن در نابودی ورهگیری موشک‌ها و راکت‌های با برد کوتاه توجه جهانیان را به خود جلب کرده است.

این سیستم برای تعیین سریع مسیر موشک‌ها از دو رادار استفاده می‌کند. اگر رادارها مشخص کنند که موشک‌های شلیک شده به منطقه غیرمسکونی و غیرمهم اصابت خواهد کرد، آن را هدف نمی‌گیرند. اما، اگر مشخص شود که موشک به منطقه مسکونی یا مکانی مهم اصابت خواهد کرد، موشک تامیر که قیمت هر یک عدد آن ۵۰ هزار دلار (در بعضی منابع انترنتی ۲۰ هزار دلار) است، از این سیستم شلیک می‌شود و هدف را نابود می‌کند.

این سامانه هم‌چنین می‌تواند هواپیماها و هلیکوپترها را که در ارتفاع سه هزار تا ده هزار متری پرواز می‌کنند، هدف قرار دهد. گستره کارایی این سیستم، هفتاد کیلومتر است. اما، طرح افزایش این گستره تا دوصد کیلومتر در حال اجراست. هر سیستم گنبد آهنین دارای تجهیزات کنترل، رادار و سه یا چهار پرتاب کننده است.



در هر پرتاب کننده ۲۰ موشک وجود دارد. یک سامانه گنبد آهنین با در نظر گرفتن تعداد موشک هایش، ۳۷ تا ۵۰ میلیون دلار قیمت دارد.

برد مؤثر سیستم گنبد آهنین در مسافت های ۴ تا ۷۰ کیلومتری است به گفته سازندگان این سیستم موشکی، گنبد آهنین قابلیت فعالیت در شب و شرایط نامساعد آب و هوایی را دارا بوده و می تواند به طور همزمان به چندین تهدید پاسخ دهد. این سیستم از سه بخش اصلی عمده که عبارتند از: رادار ردیابی و پیگیری، سیستم مدیریت نبرد و کنترل سلاح و واحد پرتاب موشک تشکیل شده است.

۱- رادار ردیابی و پیگیری: این رادار ای ال ام-۲۰۸۴ (محصول شرکت Elta Systems) قادر است راکت را پیدا کرده و مسیر حرکت آن را دنبال کند. میزان پوشش این رادار در حالت ثابت به ۱۲۰ درجه و در حالتیکه میچرخد به ۳۶۰ درجه می رسد. این رادار چند منظوره بوده و می تواند در یک زمان هم کشف هدف را بر عهده بگیرد و هم با آن درگیر شود و به این ترتیب نیازمندی به رادارهای دیگر را از بین می برد.

۲- سیستم مدیریت نبرد و کنترل سلاح: (محصول شرکت Mprest) این سیستم وظیفه دریافت اطلاعات از رادار، تحلیل و محاسبات و صدور دستور شلیک موشک تامیر را بر عهده دارد. این واحد بر اساس داده هایی که از رادار به آن می رسد مشخص می کند که آیا موشک در یک مرکز جمعیتی یا مهم فروود خواهد آمد یا خیر. فقط در صورتیکه این چنین باشد موشک های رهگیر به سوی هدف شلیک خواهند شد. این سیستم به گونه ای طراحی شده که بتواند ضمن دریافت اطلاعات از رادار، محاسبات مربوطه را انجام داده و رهگیر تامیر را تا اصابت به هدف، هدایت کند.



۳- واحد پرتاب موشک: (محصول شرکت رافائل) سامانه گنبد آهنین از چندین آتش انداز تشکیل شده که هر یک از آنها مجهز به ۳ پرتابگر هستند. هر یک از پرتابگرها می تواند تا ۲۰ موشک را در خود جای دهد و همواره آماده شلیک است. این واحد موشک تامیر را شلیک می کند. «تامیر» در زبان عبری به معنای موشک هایی است که موشک های دیگر را در بین راه هدف قرار می دهند.



موشک تامیر به کمک دوردیف ۴ تایی از بالک‌ها قابل کنترل است و در نوک آن فیوز مجاورتی و حسگر الکترواپتیکال نصب شده تا صحت و دقت موشک را افزایش دهد. در قسمت زیرین فیوز و سنسور هم‌سرنجنگی موشک با ۱۱ کیلوگرم وزن قرار گرفته است.

عملکرد گنبد آهنین

نحوه عملکرد سامانه گنبد آهنین به این صورت است که ابتداءً رادار EL/M-2084 هدف را اعم از راکت یا گلوله توپ شناسایی کرده و سپس اطلاعات آن را به مرکز کنترل سلاح و مدیریت نبرد ارسال می‌کند. نرم افزار این مرکز به محاسبه و تحلیل اطلاعات پرداخته و محل اصابت هدف را مشخص می‌کند.

اگر هدف در منطقه تحت حفاظت و برد دستگاه باشد، دستور شلیک ره گیر صادر می‌شود و در غیر این صورت موشک تامیر شلیک نخواهد شد. در مسیر حرکت موشک به سمت هدف، اطلاعات مربوط به موقعیت آن به صورت لحظه به لحظه از طریق مرکز کنترل به رهگیر ارسال می‌شود تا زمانی که به هدف اصابت کرده و آن را منهدم سازد. این دستگاه تا سال ۲۰۲۰ میلادی توانسته، حدود ۲۰۰۰ راکت راهگیری و از بین ببرد.

چالش‌ها

کشورهایکه در صدد فعال سازی این سامانه دفاعی اند، با فعال سازی و استفاده از آن در مقابل راکت‌ها و موشک‌های شلیک شده دشمن، با چالش بلند بودن قیمت راکت‌ها مواجه خواهند شد. راکت تامیر که از این دستگاه دفاعی شلیک می‌شود قیمت آن مبلغ ۲۰ الی ۵۰ هزار دلار امریکایی بیان شده است، با در نظر داشت قیمت راکت‌های آن، می‌توان گفت که گنبد آهنین یک سیستم پرخرج بوده، زیرا باید در مقابل راکت‌های ارزان مقابله نماید.

تهدیدات جدید

۱- هدف از ساخت گنبد آهنین مقابله با تهدیدات عمده از سوی هواپیماها و موشک‌های بالستیک متمرکز بود. گنبد آهنین در برابر پهپادهای کوچک و ارزان قیمت، کارایی مناسبی ندارد. این پهپادها به راحتی می‌توانند به سیستم‌های پدافندی نفوذ کرده و آسیب جدی به آن‌ها وارد کنند.

۲- با پیشرفت تکنالوژی اکثر کشورها به طور مداوم در حال ساخت راکت‌ها و موشک‌های پیشرفته‌تر هستند. موشک‌های با برد بیشتر و دقت بالاتر می‌تواند گنبد آهنین را تحت فشار قرار دهد.

۳- حملات گسترده و همزمان: در صورت حملات گسترده و همزمان ممکن است ظرفیت گنبد آهنین برای رهگیری تمام اهداف کافی نباشد.





تلاش کشورها به ساخت گنبد آهنین

گنبد آهنین اکنون در کشور اسرائیل فعال بوده و کشورهای اروپایی، آمریکا، ترکیه، کوریای جنوبی و... در صدد ساخت این سامانه دفاعی می‌باشند.

تصمیم به ساخت گنبد آهنین در اروپا:

کشورهای اروپایی در تلاش برای ساخت گنبد آهنین یا سپر آسمان اروپا است. وزیر امور خارجه لهستان وجود چنین سیستمی را برای کشورهای اروپایی عضو ناتو کاملاً ضروری می‌داند. دونالد تاسک در مصاحبه اخیر خود گفته است که گنبد آهنین اروپایی حدود ۴.۳ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت و می‌تواند از ۲۱ کشور دفاع کند.

به گزارش گجت نیوز، برنامه European Sky Shield یا همان سپر آسمان اروپایی قرار است مجموعه‌ای از سیستم‌های دفاع موشکی تعاملی را در کشورهای مختلف مستقر کند. اروپایی‌ها می‌خواهند برای دفاع از خود در برابر موشک‌ها از سامانه آمریکایی پاتریوت استفاده کنند. در کنار پاتریوت سامانه Arrow برای اهداف دوربرد و سیستم IRIS-T SLM برای هدف قرار دادن پهپادها، هواپیماها و موشک‌های کروز در حالت کوتاه‌برد و میان‌برد حضور خواهند داشت.

ساخت گنبد پولادین در ترکیه:

اطلاعاتی که سازمان صنایع دفاعی ترکیه در اختیار رسانه‌ها گذاشته، ترکیه نیز در صدد ساخت سیستم دفاعی تحت عنوان گنبد پولادین است. در سیستم دفاعی موسوم به گنبد پولادین ترکیه، یک موشک انداز تولید ملی به نام «حصار» برای مقابله با تهدیدات سطح متوسط و میان‌برد در نظر گرفته شده اما در مقطع بالاتر، دو سلاح دیگر با نام کالکان ۱ و کالکان ۲ ارتفاع ۱۰ تا ۱۵ کیلومتری را پوشش می‌دهد. در این مرحله به نوعی نقش نگهبان را دارد. این سیستم در ساده‌ترین شکل خود به عنوان رادار دفاع هوایی متحرک تعریف شده است. اهداف هوایی را سریع و دقیق تشخیص می‌دهد و اولین رادار هشدار زودهنگام دفاع هوایی ملی ترکیه است. در مقطعی بالاتر از تهدیدات میان‌برد، سیستم تسلیحاتی دیگری به نام سپر در ارتفاع بین ۱۵ تا ۳۰ کیلومتر مورد استفاده قرار می‌گیرد که برد آن بیش از ۶۰ کیلومتر است که اولین سامانه دفاع هوایی دوربرد ترکیه با منابع داخلی و ملی توسعه یافته است. در این سیستم بیش از ۱۸ نوع تجهیزات و تسلیحات جنگ الکترونیک، موشک، توپخانه، رادار، پهباد و ضد هوایی با هم مرتبط شده‌اند و پروژه هوای رزمی ملی KAAN هم چنین پهپادهای مسلح Bayraktar TB3 و نوع AKINCI و AKSUNGUR و زیر سیستم‌های مرتبط، با هم لینک شده‌اند. و البته برخی از مشکلات این سیستم هنوز حل نشده و در حال تکمیل است.





ساخت گنبد آهنین در آمریکا

به اساس گزارش سایت انترنتی دویچه‌وله که به تاریخ ۹/۱۱/۱۴۰۳ منتشر یافته است دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا فرمان اجرایی ساخت یک سامانه "گنبد آهنین" به سبک سیستم پدافند هوایی اسرائیل را صادر کرده است.

او در جمع نمایندگان جمهوری خواه کنگره در شهر میامی گفت: «ما باید سریعاً ساخت یک سیستم بسیار مدرن ضد موشکی گنبد آهنین را برای دفاع از شهروندان آمریکا آغاز کنیم.»

پیت هگست، وزیر دفاع جدید ایالات متحده در سخنرانی آغاز کارش ساخت یک سامانه پدافندی "گنبد آهنین" را اعلام کرده بود. او تأکید کرده بود که این سیستم مستقیماً در آمریکا تولید خواهد شد. منتقدین می‌گویند خطر اصلی برای آمریکا از سوی موشک‌های قاره‌پیما است و سیستم گنبد آهنین در مقابل این نوع موشک‌ها کارآمدی ندارد.

نتیجه‌گیری

پدافندهای هوایی ساخته‌شده در جهان و پدافندهای هوایی در حال ساخت که از آن‌ها به نام‌های، گنبد آهنین، گنبد پولادین، سپر آسمان و ... یاد می‌گردد، نقش مهمی در امنیت داخلی کشورها بازی نموده و به‌طور مداوم در حال توسعه است. بروزرسانی این دستگاه‌های دفاعی در مقابل پهپادها، موشک‌های پیشرفته، حملات گسترده و سایبری، از تلفات جانی و خسارات مالی جلوگیری نموده و تأثیرات عمیق سیاسی و استراتژیکی در منطقه خواهد گذاشت.

مآخذ

- 1- <https://gadetnews.net>
- 2- www.tasnimnews.com
- 3- wikipedia.org
- 4- www.dw.com





تاریخ او جگړې

خوشحال « همت »

د تاریخ په اوږدو کې د دولتونو عروج او زوال په نظامي قدرت پورې تړلی دی.

درې دورو ویشل کېږي: الف: د مسو او طلا دوره ب: د برنزو دوره ج: د اوسپنې دوره د اوسپنې دوره زر کاله وړاندې له مېلاده پیل شوه، او ځینو اسیایي قومونو د اوسپنې د کشف او ویلي کولو کار پیل کړ، چې دې چارې د مادي پراختیا او د تولید د وسایلو جوړولو تکامل ته سرعت ورکړ. له دې مرحلې وروسته گڼ شمېر اوسپنیز وسایل د جنگي وسلو د تولید لپاره استعمالېدل، همدارنګه د زراعتي موادو لېږد او رالېږد په ښو فلزي وسایلو ترسره شو. اوسنۍ ماشیني دوره هم د اوسپنې دورې دوام دی، چې د بخار د کشف دورې اتوم او فضا شاته پرېښودل او په صنعتي دورې مشهوره شوه. د اوسپنې له دورې وړاندې ډېرې شخړې او جگړې رامنځته شوي دي.

جگړه: جگړه وسلواله او خونړۍ مبارزه ده، چې ښکیل لوري او ډلې یې سازماندهي کېږي. جگړه کېدای شي، چې د وسله والو ځواکونو، ولسي احساساتو، حقوقي تعصباتو او ملي کلتورونو تر منځ هممهاله شخړه وګڼل شي. (بوتول، گاسټون، ۳۳: ۱۳۶۸) همدارنګه کلازویټس مشهور نظامي نظریه ورکونکی د جگړې د موخې په اړه په دې باور و، چې په عملي بڼه له جگړې موخه د بل لوري د غوښتنو په پار تاوتریخوالی او د دښمن د غصې پورته کول دي. هگل باور درلود، چې جنگېدل ډیری وختونه اخلاقي عمل دی، ځکه، چې په تاریخ کې د ازادۍ حقیقت په جگړې ترلاسه شوی دی.

د اسلامي علماوو لکه امام غزالي له نظره، انسان دوه ګونی طبیعت لري، د انسان د روح په داخل کې د فرعون په څېر غوښتنې نغښتې دي، سربېره پر دې غوښتنو له اقتصادي

د دولتونو له کړنو او دندو یوه مهمه دنده په داخل کې د امنیت او نظم ټینګول، له ملي ګټو ملاتړ او د بهرنیو ګواښونو په مقابل کې له هېواد څخه دفاع ده. همدا امر ددې سبب شوی، چې دولتونه په ځانګړي ډول د نظامي بنسټونو په پیاوړتیا لاس پورې کړي.

د ملتونو او دولتونو د ګټو تضاد او اختلاف د یو بل په وړاندې د ودرېدو لامل شوی دی، چې په اصل کې دولتونه د جګړو د پیلوونکو او سازمان کونکو په توګه ګڼل کېږي. همدا دلیل دی، چې نظامي بنسټونه په مختلفو موډلونو او بڼو یې درهبران د پاملرنې وړ ګرځېدلي دي. په مادي پرمختګ او پراختیا کې د تاریخ حرکت له وسایلو او تولید د بشر د ګټې اخیستنې ښودنه کوي. انسان د ډېرو په زمانه کې له ساده وسایلو، چې له تېرو او لرګیو به جوړېدل ګټه اخیستله. د ډېرو په لومړنۍ دوره کې انسانانو له عادي ډېرو ګټه اخیستله او د ډېرو په نوې دوره کې بیا انسانانو د خپل فکري تکامل سره سم ډېرو ته تغیر ورکاوه او له هغه څخه به یې د دفاعي، تعرضي او ښکاري وسلې په توګه ګټه اخیستله. د ډېرو په نوې دوره کې د تېرو توپرو، وسایلو جوړولو صنعت او همدارنګه د اور کشف د انسانانو په پرمختګ کې ګټور تمام شو. په دې دوره کې به یې د تبر، نېزې او چاقو په څېر وسایل له کلکو تېرو جوړول.

د ډېرو توپرو په زمانه کې انسانانو د ډبرینو وسایلو سربېره تېرې ښوۍ کولې او له هغوی څخه به یې تبر، چاقو او نېزې جوړولې.

د فلزاتو دورې په رسېدو سره د ډېرو دورې پای وموند، دا دوره په اوه زره کاله قبل المیلاد کې شروع شوه، چې په





اړخه همغږي شرايط په فرعون کې ښکاره شو. ټول غواړي د فرعون په خبر په غلامانو، لاس لاندې خلکو، ملاتړ کونکو او پېرېدونکو قدرت او حاکمیت ولري، په دې معنی چې انسانان په نورو د حاکمیت او برتری لپاره کوښښ کوي او په انساني ذات کې دا غریزه ترلې ده. اجتماعي مخالفتونه له شخص شروع کېږي، چې ډلو، قشرونو او ملت ته رسیږي، چې د امام غزالي له نظره دا د جگړې او شخړو اساسي دلیل دی.

د جگړې د تاریخ په مختلفو دورو کې د ننیو پرمختللو سپکو او درنو وسلو ګټه اخیستل شوې، د تولید د وسایلو پراختیا او تکامل، د انسان په ژوند کې د جگړې او د فناوری او تکنالوژۍ تاریخ بیانوي.

د تولید د وسایلو تکامل او د وسلو ډېرېدل

د سیاسي او اقتصادي بدلونونو او تحولاتو په رامنځته کېدو، د جگړو د پېښېدو علت او موخې تغیر کوي او د جنگي وسایلو فنون هم اقتصادي، سیاسي او اجتماعي مناسبتونو ته په کتو تغیر شوي دي. له صنعتي انقلابه تر اوسه د جگړو شاهدان یو، چې ټولنې په زراعتي وضعیت د لاسي صنایعو فعالیتونو سره د وسایلو لرونکي وو؛ کولای شو په اروپا کې د ۱۹ پېړۍ جگړې د مثال په ښه وړاندې کړو. په وروستۍ زراعتي دوره کې صنعتي مکانیزه او پراختیا ترلاسه شوې وه، لومړۍ او دوهمه نړیواله جگړه په همدې وخت کې رامنځته شوه، له دوهمې نړیوالې جگړې وروسته پرمختللي صنایع او نوې تکنالوژۍ د بیولوژیکي، اټومي او شیمیایي وسلو د ډېرښت او پراختیا لامل شوې.

لومړۍ خپه یې د هغو جگړو اړوند و، چې د خلکو د ژوند ښه د کروندگرو وه. هغو ټولنو چې په لومړۍ خپه کې ځای درلود په کروندو به یې جگړې کولې او له کرنیز اقتصاده برخمن وو، له معمول سره سم؛ جگړې د سازمان کولو، لوژیستیکو اړیکو، نظامي ادارې، د قوماندې ډول او حتی کلتوري جوړښت هم د کرنیز اقتصاد تر تاثیر لاندې و. د دوهمې خپې اړوند جگړې په هغو ټولنو کې ولیدل شوې،

چې د میلیونونو انسانانو د ژوند ښه ته صنعت بدلون ورکړ جگړو د کار او سرمایې حالات تغیر کړل. په هماغه ډول، چې په صنعتي ټولنو کې تولید ډېر دی، د صنعت په دوره کې د جگړې تلفات هم ډېر دي. د صنعت دورې په پیل کې عمومي وسله وال کېدل، او د نظام خدمت (عسکر) د جگړې ښه له فردي ښې او د شاهانو او حاکمانو له خپل منځ جگړو وایستله او جگړه به ډېری وختونه د دوو ملتونو تر منځ کېدل، فردي وسلې لکه تفنگچه، غشۍ... سرتېرو ته ځانگړي شول. له صنعتي دورې وړاندې نورې جگړې به د اشرافو تر نظر لاندې وې او د مزدورانو شتون به پکې پیکه و؛ خو کله چې جگړې منظمې شوې له هغه وروسته جگړو د ټولنیزو منظمو کارونو په څېر ښه غوره کړه او پکې ګډون کولو لپاره ورته په اکاډميو کې د تخصصي دورو پوره کول د شرط په توګه وټاکل شول. د درېیمې خپې جگړو او د هغوی څرنگوالی د پرمختللي ټولنې په اقتصادي او ټولنیز چوکاټ پورې تړاو درلود. یا په بل عبارت د درېیمې خپې جگړې په پوهې پورې تړلي دي، په کومو کې چې له برېښنایي او د تکنالوژۍ له وسایلو ګټه اخیستل کېږي. (اطلاعات او نوښتونه، مدیریت، کلتور او عامه کلتور، پرمختللي تکنالوژي، اپلیکیشنونه، پوهه او روزنه، ظرفیت لوړونه، روغتیايي پاملرنې، مالي خدمتونه او نورو خدمتونه ټول هغه څه دي، چې د درېیمې خپې هېوادونه یې په نوره نړۍ پلوري). که د درېیمې خپې ځانګړتیا پوهه او علمي وړتیا وي، دا وړتیا طبعي نه ده او د رامنځته کولو عامل یې بشري قوه ده. د کمپیوټر د حاکمیت دورې پوهې او وړتیا دقیق برېښنایي حسابونه رامنځته کړي او همدا په جگړو او شخړو کې د صنعتي ټولنو د بریا خپه ده، چې د ګټې اخیستنې وړ گرځي. د مثال په ډول په ۱۹۹۱ کال کې د فارس خلیج جگړه (د صدام له لوري د کویت نیول) چې په پایله کې یې له ټولو امکاناتو او پوځ سره د دوهمې خپې ټولنې د ماتې لامل شو، امریکا او ملګري یې د درېیمې خپې ټولنې په ځانګړتیاوو سره جگړه کې بریا ترلاسه کړه.

ژباړه: الفت خلیل





موفقیت و پیشرفت کارمندان در ادارات دولتی

محمد نبی «کامور»

کارکنانش را هموار نماید. مدیران منابع بشماره
عوامل عمده بی انگیزگی کارکنان را موارد ذیل عنوان
نموده اند:

۱- عدم برنامه آموزش و توانمندسازی کارکنان؛

آموزش دوامدار در محیط کار از جمله عوامل موفقیت
کارمندان در حصه درست انجام دادن کار و توانمندسازی
کارکنان شمرده می شود. نبود برنامه های آموزشی دوامدار
سبب می گردد کارمندان در باره وظایف تخصصی و
عمومی و آخرین روش ها و تکنالوژی های روز که شامل
دوره های مدیریتی، فنی و مهارت های ارتباطی می شود،
ناآشنا بمانند؛ این ناآشنایی سبب می گردد تا کار به
درستی انجام نشود، و اصلاح مداوم کار کارمندان، توسط
آمرین مربوطه، سبب کاهش اعتماد به نفس کارمندان در
محیط کاری گردد.

۲- عدم محیط کار سالم؛

در ادارات دولتی ایجاد فضایی که در آن، کارمندان
احساس امنیت کنند بسیار مهم است. محیط کاری سالم
کارمندان را در برابر تبعیض، آزار و اذیت، ایجاد فرصت و
زمینه سازی برای پیشرفت حمایت می کند. عدم حمایت
کارکنان سبب کاهش انگیزه، کاهش رضایت شغلی و
کاهش احساس امنیت در اداره می گردد.

۳- عدم شفافیت در ارتقا و پاداش؛

شفافیت در پروسه ارتقا و پاداش مهم ترین عامل موفقیت
کارکنان در محیط کار به شمار می رود. عدم شفافیت در
این پروسه سبب می گردد کارمندان احساس کنند که
تلاش هایشان نادیده گرفته شده و نتوانند برای دستیابی
به معیارهای ارتقا و پاداش برنامه ریزی نمایند. این امر
سبب کاهش سطح اطمینان کارمندان از تطبیق قوانین،
پالیسی ها و طرز العمل هایی می گردد که کارمندان از آن

انسان ها از بدو پیدایش برای جلب منافع بیشتر و
فراهم سازی آسایش و آرامش برای خود و هموعان شان
در تلاش بوده و می کوشند تا از تجارب انسان های
قبلی که پیشتر از ایشان زندگی نموده یا متولد شده اند
استفاده نمایند؛ به منظور غلبه بر مشکلات، فهم و
آگاهی بیشتر از جهان هستی و موجودات آن، شامل
مکاتب، مدارس و پوهنتون ها شوند، تا بعد از فراغت از
مراکز آموزشی و تحصیلی مصدر خدمت به خود و
هموعان شان گردند.

مطالعات نشان داده است که اکثر تازه فارغان، بعد از
استخدام از طریق ادارات، باعلاقه و اشتیاق به محل کار
حاضر شده و وظایف خود را انجام می دهند، و از اینکه
زمینه خدمت برایشان فراهم شده است، خرسنداند؛ اما
با گذشت زمان شوق و اشتیاق اولین روزها و ماه های
کاری در وجود اکثر ایشان کمرنگ شده صرف به انجام
وظایف روزانه اکتفا نموده، بدون هیچ نوآوری و آمادگی به
اخذ مسئولیت بیشتر، دست از تلاش برداشته، هر روز با
بی میلی تمام از خانه به دفتر آمده و دفتر کاری را ترک
می نمایند. کارهای تکراری آن ها را به کارمندان افسرده
و بی حال تبدیل نموده است. نوشتار حاضر ابتدا در باره
علل بی انگیزگی کارکنان در اداره پرداخته، متعاقباً در
باره رمز موفقیت کارکنان، ناشی از تلاش و فعالیت های
خود کارمند، اشاره نموده است.

بخش اول: علل بی انگیزگی کارکنان در ادارات

یک اداره زمانی می تواند در عرصه خدمات رسانی موفق
عمل کند که بتواند سطح انگیزه کارکنانش را از طریق
ایجاد تعادل بین کار و زندگی، برنامه های آموزشی،
حمایت کارکنان در محیط کار و شفافیت در سیستم ارتقا
و پاداش، بلند نگهدارد و از طریق آن، مسیر موفقیت





سالم و درختان پرثمر، برای یک محصل درک و فهم درست مواد درسی و گرفتن نمرات بلند و برای یک کارمند اجرای درست وظایف محوله، نوآوری‌ها، تسهیل‌سازی پروسه کاری، دستیابی به صلاحیت‌ها و اخذ مسئولیت بیشتر و رضایت مراجعین و آمرین تعریف می‌گردد.

در این بخش به مهمترین رمز موفقیت کارکنان که عبارت از انگیزه خدمت، داشتن اهداف مشخص، تفکر و تأمین ارتباط با آمر، صبور و محقق بودن است، اشاره شده است.

۱- انگیزه خدمت؛

انگیزه به معنای میزان میل و انرژی است که فرد را برای انجام فعالیت‌ها و دستیابی به اهدافش به حرکت در می‌آورد کارمند موفق، خود را مدیون هم‌وطنانش دانسته این امر سبب می‌گردد تا در حصه ادای حقی که ایشان نسبت به او دارد، حرکت و تلاش نماید. کارمند موفق، خود را در برابر خدا، وجدان، و هموطنانش مسؤول می‌داند او آگاه است که موقعیت کنونی‌اش نتیجه‌ی تلاش صادقانه‌ی مردم، حمایت‌های دولتی، زحمات معلمان و جان‌فشانی‌های سربازان است. اما فراتر از همه‌ی این‌ها، او این نعمت‌ها را فضل و عنایت الهی می‌داند. از این رو، با نیت خالص و برای کسب رضای خدا، در مسیر خدمت به جامعه، کمک به نیازمندان و تلاش برای پیشرفت سرزمینش گام بر می‌دارد. او با مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری، همواره می‌کوشد تا کیفیت و تأثیرگذاری عملکرد خود را افزایش داده و الگویی برای سایرین باشد.

۲- اهداف مشخص؛

موفقیت کارکنان با تعیین اهداف معنا پیدا می‌کند. اگر آمر مستقیم اهداف مشخصی برای کارمند تعیین نکرده باشد، او باید ابتکار عمل را به دست گیرد؛ لایحه وظایف بست خود را دریافت کرده، عملکرد کارکنان پیشین را مطالعه نموده و اشخاص مجرب و صادق اطراف خود را شناسایی کند. سپس، با مشورت آنها، اهدافی واضح و

به صفت راهنما برای رسیدن به اهداف و دستیابی به مسئولیت‌های بیشتر استفاده می‌کنند.

۴- عدم مشارکت کارمندان در تصمیم‌گیری؛

یافتن بهترین شیوه انگیزشی، بدون مشارکت خود کارمند سخت است. عدم مشارکت کارمندان در تصمیم‌گیری‌ها سبب کاهش احساس مسئولیت، تعهد و امنیت شغلی گردیده، ایجاد هماهنگی و همکاری با همکاران را تضعیف می‌نماید. ضمناً باعث می‌گردد ایده‌های نوآورانه که در جریان کار در ذهن کارکنان ظهور می‌نمایند، بدون شریک‌سازی به باد فراموشی سپرده شوند.

۵- عدم حمایت اداره از اصل تعادل بین کار و زندگی شخصی؛

تعادل بین کار و زندگی شخصی، شامل دریافت حقوق کافی، مرخصی‌های تفریحی، ضروری و مریضی می‌گردد که کارمندان با استفاده از آن به منظور دید و بازدید از دوستان و اقارب، رسیدگی به رسم و رواج‌ها، ضروریات شخصی یا خانوادگی‌شان استفاده می‌نمایند. عدم رعایت این اصل سبب افزایش استرس کارمندان و کاهش رضایت شغلی ایشان می‌گردد.

موارد ذکر شده از جمله عوامل عمده بی‌انگیزگی کارکنان در ادارات شناخته شده است که عدم رعایت آن، کارکنان را به افرادی بی‌احساس و بی‌تفاوت تبدیل نموده است و در حصه افزایش سطح بی‌میلی به کار و کاهش نوآوری‌ها نقش عمده را ایفا کرده و فعالیت اداره را که هدف اساسی آن عبارت از خدمات‌رسانی است تضعیف می‌نماید.

بخش دوم: رمز موفقیت کلرکنان؛

موفقیت برای هر کسی منحصر به فرد است. موفقیت یک حس درونی است که انسان با دست‌یابی به آن می‌تواند از زندگی خود لذت بیشتری برده، در زمینه کاری خود بهتر عمل کند. موفقیت برای یک باغبان داشتن باغ





ناتوانایی‌های خود هدفگذاری نموده و راه‌های درست حل مشکلات را پیدا می‌کند. او با برنامه‌ریزی منظم در حصه حل آن و بلند بردن ظرفیت خود اقدام می‌کند. از مشکلات، تبعیض‌ها، تعصبات، فجایع و بلایی‌های زندگی و شکست‌ها عبور کرده و اصلاً خم به ابرو نمی‌آورد. هر باری که شکست خورده و بر زمین می‌افتد دوباره برمی‌خیزد و به پشتوانه اراده و اعتقادی عمیق که نسبت به بینش و دیدگاه خود دارد، به مسیر خود ادامه می‌دهد.

۵- ایجاد و حفظ روابط کاری مثبت؛

کارمند موفق با داشتن روحیه هم‌کاری در سهم‌گیری کاری تیمی مبادرت ورزیده و هنگام نیاز، به کمک و هم‌کاری همکاران خود می‌پردازد. او با احترام به سلسله مراتب اداری، در حصه تأمین روابط مثبت و احترام متقابل با اطرافیانش تلاش می‌ورزد. او می‌داند هم‌کاری و تعامل سازنده با همکاران نقش مهمی در پیشرفت شغلی ایفا نموده و برای موفقیت در اداره دولتی روابط کلامی مبتنی بر احترام با یکدیگر باید داشت.

نتیجه‌گیری

موفقیت در ادارات دولتی نیازمند مهارت‌ها، تعهد کاری، مدیریت روابط و یادگیری دوامدار کارمندان است که با هم‌کاری اداره در حصه فراهم‌سازی برنامه‌های آموزشی مداوم، ایجاد محیط کاری سالم، شفافیت و عدالت در ارتقا و پاداش و مشارکت کارمندان در تصمیم‌گیری‌ها حاصل می‌گردد. در آن صورت کارمندان می‌توانند با استفاده از روش‌های فوق نه تنها جایگاه خود را در سازمان تقویت کنند، بلکه پیشنهادات مؤثری در ارتقای کیفیت خدمات دولتی نیز ارائه نمایند. اگر اداره در برگزاری برنامه‌های آموزشی، ایجاد شفافیت و عدالت در ارتقا و پاداش، فراهم‌سازی محیط کاری سالم و ایجاد زمینه تصمیم‌گیری برای کارمندان ناتوان باشد، انگیزه کارکنان به مرور زمان کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی، کارمندان وطن‌دوست، متعهد، موفق و پرتلاش، به تدریج به افراد افسرده و بی‌انگیزه تبدیل شده، واسطه‌گرایی و فساد ریشه دوانیده و در نتیجه، روابط بر ضوابط حاکم می‌گردد. این وضعیت در نهایت به تضعیف و کاهش کیفیت ارائه خدمات دولتی منجر خواهد شد.

مآخذ

مقیمی، داکتر سید محمد (۱۳۹۰)، مباحث ویژه مدیریت دولتی. امیری، دکتر علی‌نقی، بلال پناهی (۱۳۸۹)، مدیریت منابع انسانی بین‌المللی (نظریه و عمل) کیوساکی، رابرت (۱۴۰۰)، ۱۰ راز موفقیت، ترجمه محمد علی "عزیزی". نبی‌زاده، ضمیره (۱۴۰۰)، اعتماد به نفس و مسیر موفقیت.

قابل اندازه‌گیری برای خود تعیین کرده و با در نظر گرفتن نحوه دستیابی به آنها، فعالیت‌هایش را برنامه‌ریزی نماید. او باید اهداف و برنامه‌های خود را با آمر مستقیم در میان گذاشته و تأیید وی را دریافت کند. با بهره‌گیری از تکنیک‌های مدیریت زمان و پرهیز از اتلاف وقت، بر دستیابی به اهداف و تحقق نتایج مطلوب تمرکز نماید.

۳- تفکر و تأمین ارتباط با آمر؛

کارمند موفق ارزش اندیشیدن را می‌داند و درک می‌کند که از طریق آن می‌تواند راه‌های جدیدی را برای زندگی مؤثر خود کشف کند. او از این نیروی خدادادی بهره گرفته، استعداد‌های نهفته خود را شکوفا ساخته و ذهن خلأش را بیدار نگه می‌دارد. در طول روز، مسائل و افکار بسیاری به ذهن او خطور می‌کند؛ این افکار ممکن است شامل نوآوری‌ها، پیشنهادهای، کارهای ضروری، سؤالات مرتبط با وظایف شغلی و ده‌ها موضوع دیگر باشد. او این افکار را در دفترچه یا تلفن همراه خود یادداشت کرده و در صورت لزوم، آمر مستقیم خود را از پیشنهادات و نوآوری‌هایش آگاه می‌سازد. بدین ترتیب، از انتظارات آمر نسبت به خود آگاهی یافته و بر اساس آن هدف‌گذاری می‌کند و در راستای دستیابی به اهداف و برنامه‌هایش تلاش می‌نماید. او برنامه‌های روزانه خود را پیش از آغاز روز تنظیم کرده و با این کار، ذهن خود را منظم ساخته و از آشفتگی ذهنی جلوگیری می‌کند.

۴- صبور و محقق؛

کارمند موفق درباره وظایف خود و نحوه انجام صحیح آن‌ها تحقیق می‌کند. از این طریق با قوانین، مقررات، پالیسی‌ها، لوایح، طرز العمل‌ها و رهنمودهای مربوطه آشنا شده و بر اساس آن‌ها عمل می‌نماید. آگاهی او از این اصول موجب کاهش اشتباهات، افزایش بهره‌وری و بهبود نتایج کاری می‌شود. بدین ترتیب، او اعتماد مدیران و همکاران خود را جلب کرده و جایگاه خود را تقویت می‌کند. در جریان کار ممکن است با بعضی نارسایی‌ها و مشکلات برخورد کند و به ناتوانی‌های خود پی‌برد، اما او صبر و استقامت را پیش‌ه خود ساخته در راستای حل نواقص و





د (9M 135) کنکورس توغندی

دوهم بریدمن: عبدالصادق

وړاندې د غوره نفوذ توان لري او د ډېرو ورته توغندیو په پرتله ډېره فاصله، هدف نیونه کې ښه دقت او د اشخاصو له لوري یې د لیرې وړتیا یا په زرهي وسایطو یې نصبول د دې توغندي له ځانگړنو څخه دي.

خو د هغه د نیمگړتیاوو په اړه باید ووايو، چې د سیمي لارښوونې سېسټم سره ښايي، چې په بېروبار لرونکو سیمو او یا موانعو کې محدود شي، او همدارنگه نسبتاً دروند وزن د نورو ضد ټانگ توغندیو په پرتله؛ د دې توغندیو له سترو عیبونو دي.

تاریخچه: د میلان توغندي (MILAN)، د ۱۹۷۰ م

لسـیـزې او (9M135) کنکورس توغندي له ۱۹۸۰ م لسـیـزې دوه د ټانگ ضد توغندي دي، چې درهبري کېدونکو توغندیو (ATGM) په ډله کې یې ځای نیولی او د هېوادونو له لوري جوړ شوي دي، خو ترې یو ډول کار اخیستل کیږي.

د میلان توغندی د فرانسې او المان له لوري خو کنکورس د روسیې جوړ توغندی دی. میلان ۲ کیلو متره او کنکورس بیا تر ۴ کیلو مترو پورې واټن وهلی شي. د میلان د لومړنۍ نسخې په پرتله؛ کنکورس د ډېر نفوذ وړتیا لري. دواړه د (SACLOS) له نیمه خپلکاره رهبرۍ له سېسټم څخه گټه اخلي. دا توغندي په روسیې او ډېرو نورو هېوادونو لکه ایران، سوريه، هند، الجزایر او افریقایي هېوادونو کې د گټې اخیستنې وړ دي.

یاد توغندي د سوريې او اکراین جگړې په څېر په ډېرو پرمختللو جگړو کې کارول شوي او خپله وړتیا یې د ټانگونو او پرمختللو زره دارو موټرو په نڅښه کولو کې ثابته کړې، دا سېسټم د فرانسې او المان پوځونه ډېر کاروي، چې له ۱۹۷۲ م کال تر اوسه په ۴۳ هېوادونو کې ۳۶۰۰۰۰

پېژندنه: د (9M 153) کنکورس توغندی د روسیې جوړ د ټانک ضد له رهبري شویو توغندیو څخه یو دی، چې د پرمختللو ټانگونو، زرهي وسایطو او حتی د دښمن د غښتلو سنگرونو لپاره جوړ شوی دی. دا توغندی د ډېر نفوذي قدرت، زیاتې ویجاړۍ او د لارښوونې دقیق سېسټم په درلودلو سره په ځمکنیو جگړو کې اغیزناکه وسله گڼل کېږي.



انعطاف منل، ددې توغندي یوه بله ځانگړنه ده، چې د جگړې په ډگر کې یې لري؛ کولای شو، چې هغه په لیرېدونکو سې پایو او یا زرهي انتقالېدونکو وسایلو نصب کړو.

د دې توغندي سرگلوله په تـرـموباریک (یو ډوله چاودېدونکې ماده ده، چې د چاپېریال د هوا اکسیجن د لویې چاودنې لپاره کاروي) سمباله ده، چې د سنگرونو، ساختمانونو او په ازاده فضا کې د پیاده ځواکونو د هدف ټاکلو لپاره مناسبه ده.

د دې توغندي د لارښوونې سېسټم په اړه باید ووايو، چې نیمه اتومات لارښوونه ورته د (SACLOS) سیم سره ورکړل شوې، دا توغندی هدف قلف کوي او سېسټم په خپلکاره ډول سره د توغندي موقعیت برابروي.





توغنديو څخه کار اخیسته. چې د شوروي ځواکونو له وتلو وروسته له دې وسلو ډېرې يې په افغانستان کې پاتې شوې او ترې گټه اخیستل کېده.

په ورپسې کلونو په ځانگړي ډول د اسلامي امارت د حاکمیت په لومړۍ دوره (۱۹۹۶-۲۰۰۱) کلونو او له هغه وروسته هم د ټانک ضد وسلې موجودې وې.

د یادولو ده، چې دارهبري کېدونکي توغندي، چې په لومړي ځل په هېواد کې فعال شو او د هېواد دفاعي ځواکونو په رسمي او سازمان شوي ډول د هغو فعالولو او ترې گټې اخیستلو ته گام پورته کړه، تر څو د افغانستان دفاعي وړتیا د مختلفو گواښونو پر وړاندې پورته کړي.

د کنکورس توغنديو تخنیکي او تکتیکي وړتیاوې او ځانگړتیاوې:

د کنکورس توغنديو نیمه خپلواکه هدایت کېدونکې دستگاه ۱۳۵ میلی متره قطر، ۱۸۵ متر په ثانیه منځني سرعت او تر ۴۰۰۰ پورې اعظمي سرعت لري. دا توغندي د خاموشو زرهې، سمې استحکاماتو، خوځنده او ثابتو ځمکنیو موخو لپاره کارېږي، په جگړه کې له زرهې موخو سره د مخامخ کېدو په وخت کې ددې سرگلولې د نفوذ توان ۵۰۰ میلی متره دی.

دا توغندي په دوه مرحله اییزې سرگلولې سمبال دي او کولای شي تر ۸۰۰ میلی مترو پورې په زرهې اهدافو کې نفوذ وکړي، پرته له سرگلولې او نوکې چې د نفوذ د ژورتیا زیاتوالي لپاره تغیر ورکړل شوی دی.

توغندي له نوکې تر پایه پورې په څلورو برخو: لومړۍ یا کنټرولي برخه، سرگلولې، د پرواز ماشین او ورستی برخه یا برېښنايي هدایت ویشل شوی دی.

د گازو مولد (د غورځونکي دستگاه په بڼه) او د توغندي گلولې څخه جوړ شوی: ددې توغندي پوښ د فایبر گلاس له جنسه دی او دوه حرارتي بېټرۍ پرې نصبې دي، چې د توغندي غورځوونکي د تغذیې د سرچینې او غورځوونکي

توغندي او ۱۰۰۰۰ د ستگاوي بې د گټې اخیستنې وړ دي.

د میلان توغندي دســــــــــــــتگاه له دوو برخو؛ توغندي غورځونکې برخې او توغندي څخه جوړه شوې. د میلان انتقال په لومړیو کې د اشخاصو له لوري ترسره کېده؛ خو په وروستیو بڼو کې یې بیا په زرهې او غیر زرهې وسایطو کې نصب هم شروع شو.

د دې توغنديو تولید شوې بېلگې عبارت دي له: Milan-1, Milan-2, Milan-2T, Milan-3, Milan-ER.

فالکند (د جنوبي امریکا د سویل ختیځ هېواد ارجنټاین) په جگړو کې د میلان له توغندیو په ډېرې بریاسره د دې هېواد د ځمکې لاندې پټنځایونو د ویجاړولو لپاره گټه واخیستل شوه. انگلستان د ۲۰۰۱ م کال په وروستیو کې د توغندیو د ازمیښت یو شمېر توغندیزې دستگاوي وپلورلې. د ټانک ضد دوه توغندیزې دستگاوي (جولین او گیل) د میلان یوازينۍ سیالانې دي، چې انگلستان د خپل نظام د پوځ او پیاده زرهې لښکر تجهیز لپاره ټاکلي دي؛ ځکه میلان د جگړه اییزو ټانکونو سربېره کولای شي، چې د جگړې په ډگر کې د ثابتو اهدافو په څېر هدفونه هم تر حملې لاندې ونیسي.

د ۱۹۷۸ م کال جگړو کې، چې د چاد او لیبیا تر منځ ترسره شوې د چاد هېواد ۱۲ پایې میلان توغنديو، چې په سپکو ټویټا موټرونو نصب وې د لیبیا د ۵۵T او ۶۲T د ۶۰ ټانک دستگاوو ته ځواب ورکړ. د مصر هېواد هم په ۱۹۷۳ م کال کې دا توغندي د اسراییلو پر وړاندې جگړې کې وکارول.

د میلان او کنکورس (9M135) په څېر رهبري کېدونکي توغندي په تېرو لسيزو کې په افغانستان کې هم موجود و. له (۱۹۷۹-۱۹۸۹) کلونو پورې د پخواني شوروي اتحاد له لوري د افغانستان د اشغال په وخت کې شوروي ځواکونو هم د مجاهدینو پر وړاندې د ضد ټانک پر مختللو





د دې دستگاه د نصب لپاره معياري او استندرد زرهې لرونکي وسايط بى.ار.ډي، ايم.بي، ايم.ډي ۱، ۲، ۳ او بى.ايم.پي ۲ زرهې وسايط دي. له نیکه مرغه د ځانگړو مراسمو په ترڅ کې، د ملي اسلامي اردو ۱۳ ځوان منسوبين د نوي هدايت کېدونکي ميلان کنکورس (9M135) توغندي د توپچي له مسلکه د يوې مياشتينې مسلکي او علمي زده کړه ايزې دورې څخه فارغ شول، تازه فارغ شويو منسوبينو په پوره شوق ددې دستگاه نماشيات ترسره کړل.



د يادولو وړ ده، چې دا هدايت کېدونکي توغندي د لومړي ځل لپاره په هېواد کې فعال شول، چې کولای شي زرهې لرونکي ټانکونه، جنگي کښتۍ او ټيټه ارتفاع کې چورلکې تر هدف لاندې راولي.

ماخذونه:

- ۱- د مضمون د استاد لکچر نوټ.
- ۲- د ملي دفاع وزارت خبري ويبسايټ، WWW..mod.gov.af
- ۳- افقي معلومات او يادابښتونه.

ژباړه: الفت خليل

غورځوونکي دستگاه سره د مرستندوی په بڼه کار کوي. د توغندي او گازو مولد لپاره يې پوښ اوبه نه تېرونکۍ ساتندوی دی، چې له ميکانیکي گواښونو، محيطي شرايطو او ډيپو داري او همدانگه د غورځوونکي کړۍ په ډول جوړ شوی دی. د دې توغندي غورځوونکي سپسټيم د دوو پایو جامد سوخت لرونکی دی، چې په کم وخت کې ښايي وسوزي او اړين فشار د توغندي د غورځولو لپاره رامنځته کړي او هغه ۶۴ متر په ثانيه کې او لومړنۍ سرعت يې د ثانيې په جذر تر ۶۰۰۰ پورې له دستگاه څخه بهرون حرکت کوي.



له همدې امله د کنکورس توغندي وزن د پرواز په وخت کې کميږي، چې ورسره د سوځېدلو لگښت هم کنټرولېږي. توغندی له نوکې تر پایه پورې له څلورو برخو جوړ دی: لومړۍ يا کنټرولېږخه، سرگوله، دستگاه يا ماشين او وروستۍ برخه يې د برېښنايي هدايت دی. دسرگلولې د نفوذ ژورتيا تر ۵۰۰ ميلي مترو او وزن يې ۲۳۰۰ گرامه دی. خو د دې توغنديو دسرگلولې پرمختللې بڼه له دوو پړاوونو د ۳۲۳۹ کرامه او نفوذ توان يې ۷۵۰ ميلي متره دی.

د شپې په دوربين چې وزن يې ۸/۹ کيلو گرامو پورې دی د توغندي غورځونکي سمبالول سره د شپې له اړخه توغندي ته له ۲۵۰۰ مترو ډېرې فاصلې وهلو توان ورکوي. د کنکورس کورنۍ توغندي دستگاه په ځمکه، زرهې اوساده وسايطو، جيب او حتی په موټر سايکل د نصبېدو توان لري.

اقتصاد آمریکا؛ روایت واقعی از رشد تا نابرابری

فرشاد «عیار»

از جنگل‌های انبوه آمازون در برزیل گرفته تا کوه‌های بلند آند در آمریکای جنوبی و دشت‌های وسیع در ایالات متحده و کانادا. این قاره هم‌چنین در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نقش عمده‌ای در سطح جهانی ایفا می‌کند. ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از قدرتمندترین کشورهای دنیا در زمینه‌های مختلف از جمله تکنولوژی، اقتصاد و نظامی شناخته می‌شود. علاوه بر این، در آمریکا جنوبی، کشورهای مانند برزیل و آرژانتین در زمینه کشاورزی و منابع طبیعی اهمیت زیادی دارند.

آمریکا به جز سرزمین اصلی، شامل ۵۰ ایالت، یک حوزه فدرال، ۳۲۶ منطقه اختصاصی سرخ‌پوستی، پنج سرزمین خودمختار و مجموعه‌ای از جزایر پراکنده است. این کشور با مساحتی بالغ بر ۳٫۸ میلیون مایل مربع (۹٫۸ میلیون کیلومتر مربع)، سومین کشور بزرگ جهان به شمار می‌رود و با جمعیتی بیش از ۳۴۰ میلیون نفر، سومین کشور پرجمعیت جهان است. پایتخت آن واشینگتن دی‌سی است و پرجمعیت‌ترین شهر این کشور، نیویورک سیتی، در ایالت نیویورک قرار دارد. چهل و هشت ایالت آمریکا و منطقه فدرال پایتخت در سرزمین اصلی ایالات متحده واقع شده‌اند که در آمریکای شمالی، بین کانادا در شمال و مکزیک در جنوب، و میان اقیانوس اطلس در شرق و اقیانوس آرام در غرب قرار دارند. جغرافیا آب و هوا و حیات وحش فوق‌العاده متنوع و گوناگون آمریکا، این کشور را در ردیف ۱۷ کشور دارای تنوع زیستی

رشد اقتصادی ایالات متحده آمریکا همواره یکی از برجسته‌ترین موضوعات در ادبیات اقتصادی جهان بوده است. آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا، همواره در صدر اخبار اقتصادی قرار دارد و روندهای اقتصادی آن تأثیر شگرفی بر بازارهای جهانی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی بین‌المللی دارد. از این منظر، رشد اقتصادی آمریکا معمولاً به عنوان الگویی برای دیگر کشورها مطرح می‌شود؛ اما اگر این رشد را از زاویه‌ای انتقادی بنگریم، واقعیت‌هایی آشکار می‌شود که در پشت اعداد و نمودارهای پرزرق و برق پنهان مانده‌اند. واقعیت‌هایی از جنس نابرابری، فقر، بی‌ثباتی و ناپایداری که تصویری کلیشه‌ای «موفقیت اقتصادی آمریکا» را به چالش می‌کشند.

نگاهی به قاره آمریکا و ایالات متحده

قاره آمریکا یکی از قاره‌های مهم جهان است که از دو بخش عمده شمالی و جنوبی تشکیل شده است. قاره آمریکا با مساحت بیش از ۴۲ میلیون کیلومتر مربع، سومین قاره بزرگ جهان است. از شمال به اقیانوس منجمد شمالی، از جنوب به اقیانوس منجمد جنوبی، از شرق به اقیانوس اطلس و از غرب به اقیانوس آرام محدود است. در این قاره کشورهای متعددی از جمله ایالات متحده، کانادا، برزیل، مکزیک، آرژانتین و کلمبیا قرار دارند. زبان‌های عمده در این قاره شامل انگلیسی، اسپانیایی و پرتغالی است و بیشتر کشورهای آن به دلیل تاریخ استعمار، فرهنگ‌های متنوعی دارند. قاره آمریکا به لحاظ طبیعی دارای تنوع فراوان است.





فراوان قرار داده است. نام آمریکا نخستین بار در یک نقشه جهان مربوط به سال ۱۵۰۷ میلادی که توسط مارتین والدسیمولر نقشه‌نگار و کشیش اهل فرایبورگ آلمان تهیه شده بود، دیده شده است.

پیشینه صنعت و تجارت در ایالات متحده آمریکا

پیشینه صنعت و تجارت در ایالات متحده به عنوان یکی از مهمترین عوامل شکل دهنده به قدرت اقتصادی این کشور، روندی پیچیده و پرفراز و نشیب دارد. این روند در طول تاریخ با تأثیرات مختلفی از جمله تحولات تکنولوژیک، تغییرات اجتماعی، سیاست‌های دولتی و تحولات جهانی شکل گرفته است. در این مقاله قصد داریم به بررسی این پیشینه با نگاهی انتقادی بپردازیم و ابعاد مختلف آن را تحلیل کنیم.

صنعت و تجارت در ایالات متحده در ابتدا با اتکا به کشاورزی و منابع طبیعی آغاز شد. در قرن ۱۸، به‌ویژه در دوران استعمار، اقتصاد ایالات متحده عمدتاً به کشاورزی وابسته بود و کالاهایی مانند تنباکو، قهوه و پنبه به اروپا صادر می‌شد. اما با انقلاب صنعتی در قرن ۱۹، تغییرات شگرفی در ساختار اقتصادی این کشور به وقوع پیوست. ظهور کارخانه‌ها، گسترش راه‌آهن و افزایش تولیدات صنعتی از جمله تغییرات اساسی این دوره بودند. این رشد صنعتی بیشتر در شمال کشور متمرکز بود، در حالی که بخش جنوبی هم‌چنان به کشاورزی وابسته باقی ماند. این تقسیم‌بندی اقتصادی یکی از عوامل مهم در بروز جنگ داخلی ایالات متحده بود.

در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، ایالات متحده شاهد رشد بی‌سابقه‌ای در صنعت و تجارت بود. ظهور کارآفرینانی مانند جان راکفلر، اندرو کارنگی و هنری فورد نمادهایی از این دوران بودند که با استفاده از

فولاد موتر را به سطحی جدید رساندند. این دوره هم‌چنین شاهد گسترش اقتصاد مبتنی بر سرمایه‌داری و رشد بی‌پایان شرکت‌های بزرگ بود، اما این رشد اقتصادی با مشکلاتی چون شرایط سخت کاری، بهره‌کشی از نیروی کار و نابرابری‌های اجتماعی همراه بود. در حالی که برخی از بخش‌های جامعه از رفاه اقتصادی بهرمند می‌شدند، بسیاری از کارگران و اقشار فقیر در شرایط سختی به سر می‌بردند.

رکود بزرگ اقتصادی در دهه ۱۹۳۰ یکی از بزرگترین بحران‌های اقتصادی تاریخ ایالات متحده بود که به وضوح نشان داد سیستم اقتصادی ایالات متحده، که بر اساس سرمایه‌داری بی‌قید و شرط ساخته شده بود، می‌تواند در برابر بحران‌های جهانی و داخلی آسیب‌پذیر باشد. در این دوران، بازار سهام سقوط کرد، بانک‌ها ورشکست شدند و بیکاری به بالاترین سطح خود رسید. دولت ایالات متحده تحت رهبری فرانکلین دی. روزولت با برنامه‌های جدیدی نظیر "نیو دیل" به مقابله با بحران پرداخت. این برنامه شامل ایجاد پروژه‌های عمرانی، حمایت از کشاورزان و صنایع و اصلاحات مالی بود. با این حال، برخی از منتقدین معتقدند که این سیاست‌ها نتوانستند به طور کامل نابرابری‌های اقتصادی را کاهش دهند و فقط به تثبیت و بازسازی نظم موجود کمک کردند.

پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده به یکی از بزرگترین قدرت‌های اقتصادی جهان تبدیل شد. این دوران شاهد رشد سریع صنعت و تجارت بود که به‌ویژه به دلیل تولید انبوه کالاهای مصرفی، توسعه زیرساخت‌ها و گسترش اقتصاد جهانی. ایالات متحده توانست به عنوان یک ابر قدرت صنعتی در عرصه جهانی ظاهر شود، اما در این دوران نیز نابرابری‌های اقتصادی به وضوح مشاهده می‌شد. در حالی که بخش‌هایی از جامعه به لطف رشد





واقعیت‌های اقتصاد آمریکا

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در دهه‌های گذشته اغلب در محدوده ۲ تا ۳ درصد قرار داشته و در دوره‌هایی مانند دهه ۱۹۹۰، حتی به بیش از ۴ درصد نیز رسیده است. بازار کار نیز در دوره‌هایی با نرخ بیکاری پایین عملکرد قابل توجهی از خود نشان داده است. با این حال، پرسش بنیادین این است که این رشد دقیقاً به نفع چه کسانی رقم خورده و پیامدهای آن برای ساختار اجتماعی و اقتصادی کشور چه بوده است؟

یکی از مهمترین نقدهایی که به رشد اقتصادی آمریکا وارد می‌شود، مسئله نابرابری فزاینده در توزیع درآمد و ثروت است. در حال حاضر، یک درصد ثروتمندترین افراد در آمریکا، سهمی بسیار بالا از کل ثروت کشور را در اختیار دارند. این در حالی است که طبقات متوسط و پایین جامعه، به‌رغم مشارکت گسترده در نیروی کار، بهره‌چندانی از دستاوردهای اقتصادی نبرده‌اند. در بسیاری از موارد، درآمد واقعی این اقشار یا ثابت مانده یا کاهش یافته، درحالی‌که هزینه‌های زندگی به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند

صحت، مسکن و تحصیل، پیوسته افزایش یافته است. این روند نابرابری، تا حد زیادی ریشه در سیاست‌های اقتصادی خاصی دارد که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در آمریکا رواج یافته‌اند. کاهش مالیات بر ثروتمندان، مقررات‌زدایی از بازارهای مالی، تضعیف اتحادیه‌های کارگری و خصوصی‌سازی گسترده از جمله این سیاست‌ها بوده‌اند که به نفع سرمایه‌داران و شرکت‌های بزرگ تمام شده، اما جایگاه طبقات پایین‌تر را تضعیف کرده‌اند. به عبارت دیگر، رشد اقتصادی آمریکا در بسیاری از موارد نه حاصل تلاش همگانی، بلکه نتیجه تمرکز منابع و فرصت‌ها در دستان گروهی محدود بوده است.

اقتصادی به‌رفاه رسیدند، اقشار کم‌درآمد و گروه‌های اقلیتی با مشکلات جدی روبرو بودند.

هم‌چنین، تمرکز بیش از حد بر صنعت و مصرف‌گرایی موجب شد که توجه کمتری به مسائل زیست‌محیطی و حقوق کارگران شود.

از دهه ۱۹۸۰ به بعد، ایالات متحده وارد مرحله‌ای از جهانی‌شدن اقتصادی شد. شرکت‌های بزرگ به دنبال دسترسی به بازارهای جهانی و کاهش هزینه‌ها، به سمت برونسپاری تولیدات و استفاده از نیروی کار ارزان در کشورهای در حال توسعه رفتند. این سیاست‌ها به طور موقت موجب کاهش قیمت‌ها و افزایش سود شرکت‌ها شد، اما در عین حال بسیاری از صنایع داخلی ایالات متحده دچار رکود شدند و تعداد زیادی از شغل‌ها از بین رفت. این روند منجر به تشدید نابرابری‌های اقتصادی در ایالات متحده شد. در حالی که شرکت‌ها و سرمایه‌داران بزرگ به سودهای کلان دست یافتند، بسیاری از کارگران و اقشار کم‌درآمد هم‌چنان در شرایط سخت اقتصادی به سر می‌بردند. افزایش بدهی‌های دولت و بحران‌های مالی متناوب از دیگر چالش‌های این دوران بودند.

پیشینه صنعت و تجارت در ایالات متحده نشان‌دهنده یک مسیر پر پیچ و خم است که از اوج‌گیری‌های اقتصادی و تحولات صنعتی تا بحران‌ها و نابرابری‌های اجتماعی را در بر می‌گیرد. با وجود رشد چشمگیر اقتصادی در این کشور، نابرابری‌های ساختاری و مشکلات اقتصادی هم‌چنان باقی‌مانده‌اند. از این رو، بررسی این تاریخچه به‌ویژه از دیدگاه انتقادی می‌تواند به فهم بهتر چالش‌های کنونی ایالات متحده در زمینه اقتصاد و تجارت کمک کند.





میان اقلیت‌های نژادی و اقشار کم‌درآمد، چهره‌های تلخ از "رویای آمریکایی" ترسیم می‌کند.

افزون بر این، پیامدهای زیست‌محیطی رشد اقتصادی آمریکا نیز جای تأمل دارد. این کشور، یکی از بزرگترین مصرف‌کنندگان انرژی و تولیدکنندگان گازهای گلخانه‌ای در جهان است. مدل اقتصادی مبتنی بر مصرف‌گرایی افراطی، تولید انبوه، و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی، نه تنها محیط زیست داخلی آمریکا را تخریب کرده، بلکه در مقیاس جهانی نیز به بحران اقلیمی دامن زده است. اگرچه در سال‌های اخیر، برخی سیاست‌گذاران تلاش کرده‌اند سیاست‌هایی در راستای توسعه پایدار اتخاذ کنند، اما فشار لابی‌های صنعتی و انرژی مانعی جدی در این مسیر بوده است.

در نهایت، نمی‌توان از نقش بدهی‌های دولتی و خصوصی در ساختار رشد آمریکا غافل شد. اقتصاد آمریکا سال‌هاست که با کسری بودجه و بدهی ملی هنگفت روبروست. دولت، برای حفظ رشد اقتصادی و جبران هزینه‌های هنگفت خود، ناگزیر به استقراض داخلی و خارجی شده است. در سطح خانوار نیز، استفاده گسترده از کارت‌های اعتباری، وام‌های تحصیلی، و وام‌های مسکن نشان می‌دهد که مصرف‌کنندگان به‌طور روزافزون وابسته به بدهی هستند. این الگوی اقتصادی، در بلندمدت ناپایدار است و آسیب‌پذیری این کشور را در برابر بحران‌های مالی آینده افزایش می‌دهد.

واقعیت‌های اقتصاد آمریکا نکته‌ی مهم دیگر، شکنندگی ساختار رشد اقتصادی آمریکاست. در چند دهه گذشته، این کشور شاهد بحران‌های مالی مکرری بوده است. از ترکیدن حباب فناوری در اوایل دهه ۲۰۰۰ گرفته تا بحران بزرگ مالی سال ۲۰۰۸، این رویدادها نشان دادند که رشد اقتصادی آمریکا بیش از آنکه بر پایه تولید واقعی استوار باشد، بر بدهی، معامله سودجویانه مالی و حباب‌های اقتصادی بنا شده است. بحران سال ۲۰۰۸ به‌طور ویژه آسیب‌زاست، چرا که میلیون‌ها نفر را از خانه، شغل و سرمایه‌شان محروم کرد و بی‌اعتمادی گسترده‌ای نسبت به نظام مالی ایجاد نمود.

همزمان با این بحران‌ها، ساختار اقتصادی آمریکا از یک اقتصاد تولیدمحور به اقتصادی خدمات‌محور، به‌ویژه در حوزه فناوری و مالی، تغییر یافته است. این تغییر، در کنار خودکارسازی گسترده صنایع و انتقال کارخانه‌ها به کشورهای دارای نیروی کار ارزانتر، موجب کاهش فرصت‌های شغلی پایدار در داخل کشور شده است. نتیجه، افزایش ناامنی شغلی، گسترش قراردادهای موقت، و کاهش پوشش بیمه‌ای و مزایای کاری بوده است.

در حوزه اجتماعی نیز رشد اقتصادی آمریکا پیامدهای منفی قابل توجهی به همراه داشته است. فقر ساختاری، بحران مسکن، نابرابری نژادی و جنسیتی، و دسترسی نابرابر به آموزش و خدمات بهداشتی از جمله این مسائل هستند. در حال حاضر، میلیون‌ها نفر در آمریکا فاقد بیمه درمانی کافی هستند و بسیاری از خانواده‌ها در تأمین هزینه‌های ابتدایی زندگی با دشواری روبرو هستند. همزمان، قیمت مسکن در شهرهای بزرگ به‌شدت افزایش یافته و بخش زیادی از جمعیت قادر به تهیه سرپناه مناسب نیستند. این وضعیت، به‌ویژه در





واقعیتی همه‌جانبه باشد، داستانی ناقص و یکسویه خواهد بود.

منابع

۱. "Capital in the Twenty-First Century"

ترجمه: "سرمایه در قرن بیست و یکم"
نویسنده: توماس پیکتی

۲. "The Rise and Fall of American Growth"

ترجمه: "ظهور و سقوط رشد اقتصادی آمریکا"

۳. "The Great Divergence: America's Growing Inequality Crisis and What We Can Do About It"

ترجمه: "انحراف بزرگ: بحران نابرابری رو به رشد در آمریکا و آنچه میتوانیم در مورد آن انجام دهیم"
نویسنده: تیموتی نوا

بقیه ص ۶

و به آزادی کامل رو آوردند.

علت این دین ستیزی و پیدایش سکولاریسم (جدایی دین از سیاست و امور حکومت‌داری) که در قرون وسطی به وجود آمد و گلیم کلیسا و کشیش‌ها برچیده شد، همانا افراط کشیش‌ها بود که بی‌نهایت در دین‌شان غلو کردند و مردم را به انواع مشکلات جانکاه گرفتار نمودند و به دین عیسوی انواع و اقسام تحریفات را به وجود آوردند.

رابطه‌ی دین و حکومت از نگاه سکولارها دین تنها به امور شخصی فرد خلاصه می‌شود و یک رابطه‌ای است که بین شخص و خداوند برقرار می‌شود و هیچ رابطه‌ای با حکومت و دولت ندارد. دین اسلام این عقیده را مردود می‌داند و دین و دولت و حکومت را از هم جدا نمی‌داند؛ بلکه هر حکومتی نیازمند دین است و برای برقراری و تطبیق دین، نیاز به یک حکومت عاری از تمام معایب است.

بنامی توان گفت که رشد اقتصادی آمریکا، اگرچه در برخی ابعاد موفق به نظر می‌رسد، اما در بطن خود با چالش‌های عمیق و ساختاری روبروست. رشد نامتوازن، نابرابر و ناپایدار نه تنها عدالت اجتماعی را زیر سؤال می‌برد، بلکه تهدیدی برای آینده اقتصادی و سیاسی این کشور نیز محسوب می‌شود. برای رسیدن به رشد واقعی، پایدار و عادلانه، نیاز به بازنگری جدی در سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی آمریکا وجود دارد. در غیر این صورت، رشد اقتصادی هم‌چنان به مثابه سرابی باقی خواهد ماند که تنها بخش کوچکی از جامعه از آن بهره‌مند می‌شوند.

در جمع‌بندی نهایی، باید تأکید کرد که اقتصاد آمریکا هرچند در ظاهر با شاخص‌هایی هم‌چون تولید ناخالص داخلی بالا، نوآوری‌های فناوری و بازار کار بزرگ، تصویری موفق از خود ارائه می‌دهد، اما در لایه‌های زیرین خود با واقعیت‌هایی نگران‌کننده مواجه است. نابرابری عمیق، فقر ساختاری، وابستگی به بدهی، بحران‌های مالی مکرر، تخریب محیط زیست و سیاست‌هایی که بیشتر در خدمت اقلیت ثروتمند جامعه‌اند، همگی نشان می‌دهند که رشد اقتصادی آمریکا بیش از آنکه واقعی، عادلانه و پایدار باشد، ناپایدار، متمرکز و شکننده است.

از این منظر، الگوی رشد اقتصادی آمریکا نه تنها نمی‌تواند الگویی جهانی برای توسعه باشد، بلکه خود نیازمند بازنگری و اصلاحات عمیق است. آینده‌ای پایدار تنها زمانی محقق می‌شود که رشد اقتصادی در کنار عدالت اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی و مشارکت واقعی همه اقشار جامعه تعریف شود.

تا آن زمان، روایت موفقیت اقتصادی آمریکا، بیش از آنکه





په ترينگلو حالاتو کې د لمونځ ترسره کولو حکم

انعام الله «مستنير»

واړوي. لمونځ دومره ارزښت لري، چې په غم، خوشحالي، اسانۍ، سختۍ او هر ډول حالاتو کې بايد پنځه ځلي ترسره شي، ځکه همدا لمونځ د حق او باطل په جگړه کې د مومنانو د قوت او قدرت راز دی؛ تر هغه ځايه، چې خدای ﷻ د جگړې په گرم ميدان کې هم امر کړی؛ چې بايد ترسره شي او قضا نشي.

که څه هم په سختو شرایطو يا له دښمن سره د مقابلي په وخت کې لمونځ له خپلو ادا بوسره ترسره کول او ورته ژمن پاتې کېدل ستونزمن دي؛ خو شريعت د هغه لپاره تدبير کړی او د خوف لمونځ يې ټاکلی؛ هغه لمونځ، چې د جگړې ډگر کې په ځانگړي ډول ادا کېږي، ځانگړې بڼه لري. نه يوازې دا، چې ځانته ادا کېږي بلکې په جماعت سره يې د ترسره کولو توصيه هم شوې ده، چې د جگړې په ډگر کې د مومنانو په يو ځای لمونځ ترسره کولو سره د کفارو پر وړاندې د هغوی هيبت لا ډېرېږي. د قران کریم په مبارکو اياتونو کې د بېرني لمونځ ترسره کولو څنگه والی او څرنگوالی د ويرې د لمونځ په تعبير سره راغلی دی او الله ﷻ په پوره ظرافت او دقت سره دا ډول لمونځ خپلو مجاهدو بنده گانو ته روا کړی دی، په حقيقت کې الله ج غوښتي دي، چې بنده گان يې په سخت ترينو شرایطو کې، چې بنيادي له هغه پورته تصور نشي له هغه سره په اړيکه کې واوسي او له هغه مرسته او کومک وغواړي، هغه بنده گان، چې له الله ﷻ سره يې اړيکه ډيره پياوړې ترلې وي او تل د هغه د رحم غوښتونکي وي هېڅکله يې کم، بېچاره او بې لارې نه پرېږدي او د تيارو په منځ کې ورته روښنايي او د گواښونو په منځ کې ورته چانسونه رامنځته کوي.

وگورئ؛ د جهاد په باب کې ځينې احکام شته، چې په قران کریم او نبوي سنتو کې يې ذکر راغلی، صحابه

تر هغې پورې، چې انسانان په نړۍ کې وي، په ستوني کې يې نفس چلېږي او پښې يې په ځمکه کې د گرځېدلو وړتيا ولري، هر وخت به له له لوی او بې نيازې الله ﷻ سره د اړيکو جوړولو او ساتلو اړتيا ولري، او کله به هم د هغه له مرستې پرته د پرمختگ او د بريالي کېدو توان ونلري؛ بلکې د لوی الله تعالی پېرزوينه ده، چې انسان ته يې توان ورکړی، چې حرکات يې په سکنتو او سکنتات يې په حرکاتو تبديل شي، او خبرې يې په ژبه کې وڅرخېږي او له خولې څخه يې راووځي. د خدای ﷻ لوري ته د رسېدو او د خپلې بنده گۍ دروښانه کولو او ژمنتيا ډېرې لارې شتون لري؛ خو يوه يې هم له لمانځه سره برابره نه ده او هغه رکعتونه، چې د ورځې او يا د شپې په زړه کې ترسره کېږي، او د بنده د وجود غړي د خدای ﷻ د رضايت لپاره تيتيږي، په اسمانونو کې ځای نيسي، چې مرستې او نصرتونه ترلاسه کوي او د الله ﷻ د مهرباني او رحم سيوری د بنده لپاره خلاصوي او د زړه فضا يې په مينې او محبت رنگيني.

لمونځ لوی الله ﷻ په خپل کرم او احسان خپلو بنده گانو ته روا گرځولی او دا يې ځانگړې ډالۍ ورکړې ده، چې د پيغمبر ﷺ امتيانو د ژوند په سختو ورځو کې يې ورته اسانې هم کړې؛ تر څو کولای شي، چې د خپل ژوند درانه بارونه د ارزښت او اهميت سره پورته کړي او توان يې د ژوند په جگړې کې له منځه ولاړ نشي او تر فشارونو لاندې ژوند وکړي، چې د هر مشکل او ستونزې سره د مخامخ کېدو په وخت کې ودرېږي او له پښوونه لويږي.

همدا لمونځ دی، چې بنده ته د پرمختگ توان ورکوي، چې بايد له هر دښمن سره مقابلي ته ودرومي او خپل حق د ښامار له خولې واخلي، او اجازه ورنکړي، چې د هوس مار يې وځوري او شيطان يې له نيغې لارې څخه





لمانځه ودرېږي، چې خپلې وسلې يې اخيستې وي او چې سجده يې وکړه (او لمونځ يې پای ته ورساوه)؛ نو ستاسې شاته دې (د جگړې ډگر ته ولاړ شي او هغه بله ډله دې راشي، چې لمونځ يې نه دی کړی) او په جگړه اخته وه) چې تاسره لمونځ وکړي، هغوی باید د لمانځه پر وخت پر وسلو سمبال وي، ځکه کافران په څار کې دي، چې که تاسې له خپلو وسلو او تجهيزاتو غافل شئ؛ نو هغوی به پر تاسې يو وار يرغل وکړي او که د باران له امله په تکليف کې ياست او يا ناروغ او ټپي ياست؛ نو په وسله ايښودو کې څه باک نشته؛ خو دفاعي وسايل لکه (زغره) دې درسره وي، خدای ﷻ کافرانو ته سپکوونکی عذاب چمتو کړی دی)).

هغو سترو شخصيتونو او اتلانو، چې د قران په تربیې سره يې پوهه ترلاسه کړې وه، د غزا په ډگر کې به يې ځانونه په وسلو سمبالول او له هغوسره به د دښمنانو مقابله ته ورتلل او د هغو وسلو په کارولو کې به يې له بلې هرې وسلې ډېره وړتيا درلودله، لکه څنگه، چې يې په خدای ﷻ ايمان او باور درلود، او د خپل رب حضور به يې د جگړې په ډگر کې له ځان سره احساسوه، د هغې سترې موخې د ترلاسه کولو لپاره به، چې يې سرونه قرباني کول ترې خبر وه. او همدارنگه ددې نړۍ په پرتله به يې ابدی ژوند ته غوروالی ورکاوه، دوی ځکه په ټولنيز ژوند کې له نورو غوره و، چې نظم او همغږي يې د الهي نظام څخه سرچينه اخيستې وه او لمونځ هم ددې ټولو بهتريو راز بلل کېده، د هغوی لپاره د جگړې تر ټولو غوره او بريالی وسله لمونځ و.

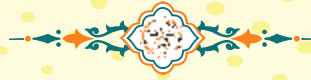
مسلمانان بايد تل د خدای او در رسول دښمنانوسره د مقابله او مخامخ کېدو تياری ولري، او اړين او ضروري احتياطات بايد په عمل کې راوړي او د جگړې لپاره بايد نظامي وسايل برابر کړي، همدارنگه د دين په لاره کې دعوت کوونکي او زيارايستونکي بايد پوه شي، چې په هر

کرامو (رض)، تابعينو (رح) او پخوانيو امتيانو په ښه شکل سره ترسره کړي او له هغوی وروسته ورپسې نورو مومنانو اقتدا کړي، چې فضايلو او احکامو ته د برابروالي او له بديو د لريوالي په پار يې په پوره مېړانې او اتلولي سره د جهاد ډگر ته دانگلي او دراتلونکو نسلونو لپاره يې ښه مثالونه پرايښي. له هغې جملې څخه د ويرې لمونځ د يادونې وړ ده. لمونځ د کلمې طيبې څخه وروسته د دين له مهمو ستونو څخه ده او د هغوی لپاره، چې دې فريضې ته ځانگړې پاملرنه نه کوي، سخته سزا ټاکل شوې. او هغوی، چې له لمانځه انکار کوي او يا يې په قصدي ډول سره پرېږدي پيغمبر ﷺ يې په اړه فرمايلي: «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ» ژباړه: هغه کسان، چې لمونځ په قصدي ډول سره پرېږدي او هغه ته ارزښت نه ورکوي ښکاره کفر کوي.

دې ته په پام الله ﷻ په ځينو حالاتو لکه ترينگلو حالاتو کې په خپلو بنده گانو د ترحم او شفقت په پار تخفيف کړی او حکم يې ورته تغير کړی، لمونځ په نورو حالاتو کې په دې طريقه روا نه دی؛ خو په بېرنيو حالاتو کې الله ﷻ خپل حکم تغير کړی او پر ځای يې بل حکم روا کړی؛ تر څو د مسلمانانو لپاره د لمونځ په ادا کولو کې تکليف پيدا نشي او وکولای شي په بله بڼه يې ادا کړي او له ثوابه يې محروم نشي. الله ﷻ پيغمبر ﷺ ته فرمايي: [إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِزْبَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَذَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُوا عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَدَى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِزْبَكُمْ إِنَّ اللَّهَ آعَدَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا] [سورة النساء، آيت: ۱۰۲]

ژباړه: ((او کله؛ چې د هغوی په منځ کې وي) د جگړې په ډگر کې) او لمونځ دې ورکاوه؛ نو يوه ډله بايد له تاسره په





آغاز تنها؛ اما با انگیزه و همتی بلند

محمد دواد «مهاجر»

زمانی که از مجلس برخاست بسیار پریشان بود. غم و اندوه از چهره اش می بارید و خستگی تمام وجودش را فرا گرفته بود. در مسیر بازگشت از نشست «سنگ حصار» با حالتی رنجور به مولوی عبدالرحمن گفتند: «دایر کردن این چنین جلساتی بی فایده است».

این چندمین نشست علما، طالبان و مجاهدین سابق بود که در سنگ حصار و اطرافش برگزار می شد تا راه حلی برای جلوگیری از ظلم و جنایت های پاتکداران سرسُرک ها و تفنگ سالاران جنایت پیشه پیدا کنند. چندی قبل در مدرسه ملا صاحب نیز چنین جلسه ای را دایر کرده بودند؛ اما همه اش بی نتیجه بود و برای پیشرفت کار راهبردی مشخص و نتیجه بخش نداشت. در نشستی که در خانه حاجی غوث - از قومندانان سابق جهادی سنگ حصار - برگزار شد، نهایتاً چنین تصویب گردید:

۱. طالبان هر منطقه به طور نوبت وار امنیت منطقه خود را بگیرند؛

۲. محکمه ملا پاسنی (مولوی سید محمد قاضی) تقویت شود تا هر کسی که مرتکب جرم شد مجازات گردد.

در نشست آخر ملا صاحب (رحمه الله) به نوبه خود چندین بار گوشزد کرده بود که جلو تجاوزها و ددمنشی تفنگ سالاران را زمانی می توانند بگیرند که همانند آن ها خود را وقف مقابله با ظلم کنند و همانگونه که آن ها شب و روز برای مقاصد خود تلاش می کنند، این ها نیز مقابله بالمثل کنند و الا نتیجه ای در بر نخواهد داشت. اما مثلی که جلسات تا همین پایه می رسید و پارا فراتر از این نمی گذاشتند.

ملا صاحب از دایر شدن چنین جلساتی خسته شده بود و از طرفی دیگر نمی توانست بر ظلم و جنایات تفنگ سالاران بدکار تنها یک نظاره گر باشد؛ هر کاری که دلشان بخواهد بدون کدام ترس و واهمه ای انجام دهند.

ملا صاحب صحبت های همه را گوش کرده بود. راه حل هایی که می دادند همه اش موقتی، منطقه ای و مقطعی بود. این چیزها فایده ای عمومی و دایمی نداشت. باید فیصله ای به میان می آمد که اساسی و فراگیر باشد.

ملا صاحب برای دور دستها هم غم می خورد. فقط خانه و منطقه اش مطرح نبود. در مناطقی که ملا صاحب و یا بعضی از مجاهدین مصلح موجود بودند، حالا هم کسی نمی توانست دست به ظم و جنایت بزند. کنترل منطقه در اختیار همین بندگان نیک خدا بود. اما ظلمی که در تمامی شهرها موج می زد ناراحت کننده بود. به نکاح درآوردن پسران ناراحت کننده بود. بی نتیجه ماندن ۹ سال جهاد در برابر کمونیستان و خدانا باوران پریشان کننده بود. اینکه خون بیش از یکونیم میلیون شهید دارد ضایع می شود ناراحت کننده بود.

اما در دل ملا صاحب چیزی دیگر می گذشت. او فهمیده بود که آهن را آهن می برد و در مقابل طوفان باید طوفانی ایجاد کرد. او در دلش امواجی بلند از «طوفانی نو» احساس می کرد. او به خاطر دفع فساد گسترده، از همه چیزش می گذشت. او به خاطر به ثمر نشستن تلاشها و قربانی های نه سال جهاد سخت و نابرابر در مقابل ابرقدرت دنیا، «طرحی نو» در ذهنش پیاده کرده بود. ملا صاحب در مسیر راه به مولوی عبدالرحمن گفتند: «من به توفیق الله متعال عملاً شروع می کنم».

چاره و اندیشه کاری را که ملا صاحب در ذهن خود ترسیم کرده بود شاید در ذهن بعضی های دیگر نیز آمده باشد؛ اما این نقشه بسیار بزرگ و سخت بود. چیزی نبود که قابل هضم برای همه باشد. چرا که...

۱- جنگ با تمام تفنگ سالاران بود، در سطح تمام افغانستان؛ ۲- با کدام هزینه؟ هزینه فدا کردن جان، مال و اولاد؛





۳- توسط کدام اسباب و آلات؟ فعلاً چیزی جز ذات الهی و امید به نصرت او نبود؛ ۴- با کدام نیروی پشتیبان؟ و هزاران سؤال دیگر که عقل انسانی به بنبست می‌رفت.

اینجا سخن از محالات بود. چیزی که ملا صاحب می‌خواست، امکان عملی‌اش را هیچ کسی تصور نمی‌کرد. با دستانی خالی، بدون نیروی پشتیبان، بدون اقتصادی قوی چگونه ممکن است چنین حرکتی بزرگ را در برابر کسانی که هم ظالم اند و هم مسلح، آغاز کرد؟

اما او به تنهایی شروع کرد. یکه و تنها راهی را در پیش گرفت که در چارچوب قیاس و گمان نمی‌گنجید. به همه سؤالات ذهنش جواب رد داد و امید و انگیزه‌های الهی را در قلبش قویتر نمود.

بسیار امیدهاست در نومیدی	گر هیچ نشانه نیست اندر وادی
بعد از آن بگشاده شد، سختی گذشت	ای بسا کارا که اوّل صعب گشت
از پس ظلمت بسی خورشیدهاست	بعد نومیدی بسی امیدهاست

مولانا جلال الدین محمد بلخی

ملا صاحب (رحمه‌الله) از غیرت و همت بلندی برخوردار بود. ایشان برای اجرای این پلان اصلاحی و جهادی‌اش انگیزه داشت؛ انگیزه‌ای از درون (یا همان الهام الهی) که به او امید می‌داد.

انگیزه و امید یک اصل برای اجرای هر کاری است. گاهی عوامل بیرونی انگیزه‌بخش است. اما مهمترین و پاینده‌ترین انگیزه همان است که از درون خود انسان سرچشمه بگیرد؛ زیرا مهمترین بُعد انگیزه، انگیزه درونی است. اغلب ما برای شروع و رسیدن به موفقیت، به دنبال عوامل بیرونی هستیم و خود را وابسته به بعضی از افراد یا اشیا می‌کنیم. اما حقیقت این است که تمام اشیا ممکن است فراهم نشود و افراد نیز دیر یا زود از دست بروند و به دنبال آن، انگیزه ما نیز که وابسته به آن‌ها بوده است از بین خواهد رفت.

اما موفقیت واقعی زمانی حاصل می‌شود که ما از ابتدا، انگیزه درونی پیدا کنیم و سپس برای رسیدن به مدارج بلند و طی کردن پله‌های ترقی، به دنبال انگیزه‌های بیرونی باشیم.

سخن دوم اینکه بسیاری از انسان‌ها خودشان را دست‌کم می‌گیرند و آنچه را که واقعاً در درونشان وجود دارد، نادیده می‌گیرند و مدام در پی عوامل خارجی هستند. غافل از اینکه تمام راه‌های خوشبختی و موفقیت در درون آن‌ها نهفته است.

ملا صاحب اگر به فکر عوامل بیرونی می‌بود، باید فاتحه نهضتش را از همان ابتدا می‌خواند و این کتاب را دیگر ورق نمی‌زد. چرا که از همان روز اولی که ناامیدانه از جلسه برخاست و عزمی جدید را طرح کرد، برای دعوت دادن طلبه‌ها به این امر خطیر، به مساجد و مدارس دینی رفته بود، اما در ملاقات‌های ابتدایی، آن‌ها نیز جواب رد داده بودند و تنها شب‌های جمعه را به عنوان همکاری با ایشان پیش کرده بودند. ملا صاحب اما مأیوس نشد و به دعوتش ادامه داد و به حُجره‌های دیگر رفت، تا اینکه در پایان روزش حدود ۵۳ نفر را برای شروع کار با خود همفکر کرد.

ملا محمد عمر (رحمه‌الله) عملاً شروع کرد و طالبان علوم دینی را با بعضی از مجاهدین سابقه‌دار و مخلص در حلقه خود داخل نمود. او تحریک اسلامی طالبان را پایه‌گذاری کرد و با اخلاص و همتی که داشت، دل‌ها را به سوی این نهضت بزرگ جذب نمود؛ به گونه‌ای که از هر گوشه و کناری، از بدخشان گرفته تا نیمروز، از خوست و پکتیا شروع تا به هرات و فاریاب، همه به دور شمع‌اش جمع شدند و پروانه‌وار حاضر به هر گونه فداکاری گشتند.

به ثمر نشست و شجره طیبه‌ای در سرزمین و بدین ترتیب، اخلاص امیرالمؤمنین ملا محمد عمر مجاهد (رحمه‌الله) افغانستان غرس گردید که اساسش در دل هر افغان و در قلب هر مسلمان ریشه دوانیده است.





امير المجاهدين

بانی و بنیان گذار این امارت عمر اســــــــــــــــــــت
 او نه تنها عمر و بلکه موئــــــــــــــــس رهبر است
 گرچه جایش خالی است اما مســـــــــــــــــیرش تا ابد
 مستدام و مســـــــــــــــــتقیم با قیمت خون سر است
 نان حجره خاک ســـــــــــــــــنگر عزت اســـــــــــــــــت
 جام شــــــــــــــــهد و جرح مرمی لذت اســـــــــــــــــت
 ای مجاهد فتح و ظفر شد نصــــــــــــــــیب
 آن خداوند کریم با شـــــــــــــــــفقت اســـــــــــــــــت
 خون پاک ســـــــــــــــــنگر و قرآن چی شـــــــــــــــــد
 چون شـــــــــــــــــعارت آزادی و غیرت اســـــــــــــــــت
 لطف کن ای قهرمان صـــــــــــــــــف شـــــــــــــــــکن
 گرافاموش کردی آیا همت اســـــــــــــــــت؟
 در شـــــــــــــــــبانگاه چرخیش درون چی بد
 لطف ربانی چی خوشـــــــــــــــــا لذت اســـــــــــــــــت
 صد فغان که قهرمانان رفت زدســـــــــــــــــت
 با غرور جان بخشـــــــــــــــــیدن خود عزت است
 قدرت ناتو ز خاک پاک ما برچیده شـــــــــــــــــد
 ای مجاهد مرد ســـــــــــــــــنگر نام تو با عفت اســـــــــــــــــت
 «ای وداع» شـــــــــــــــــکری بجاه آور آزادی را ببین
 ختم اشغال بانگ قرآنی بســـــــــــــــــاچی نعمت است

آمن اوسپرلی

معلومیري علامې د پسرـــــــــــــــــلي دي
 طرف ته شـــــــــــــــــينلي دي ټوكيدلي هر
 اوږه په خندار اغـــــــــــــــــی مليار يوم دی پـــــــــــــــــر
 په بگړۍ كي يې ټومبلي كـــــــــــــــــش مالي دي
 بوڅقـــــــــــــــــي شـــــــــــــــــوې پولې يو مخ دغنمو
 دريدي دي او پـــــــــــــــــرې گلونه د كوـــــــــــــــــكـــــــــــــــــر
 دشـــــــــــــــــفتلو قودې كړي ماشـــــــــــــــــومانو
 يې جوړ كړي، چابنگري دي د ډنډرو
 توتان تور دي، سرې توتخوري ډيرې شنې دي
 دبور اڅالـــــــــــــــــي كـــــــــــــــــار غانونه خالي دي
 دغږۍ بڼـــــــــــــــــي كالو د غرو لمن كي خيبري
 هل هلې او اوازونه د شـــــــــــــــــپونكي دي
 توتكۍ كېرې وېرې گرځي هوا كي
 شنه فصلونه شپې او ورځې باراني دي
 يو د آمن فضـــــــــــــــــا جوړه بل سپرلي دی
 لورونې دا په مونږ دالهـــــــــــــــــي دي
 افغان ته وي جليله مبارک دي هـــــــــــــــــر
 اميدونه مـــــــــــــــــي دي ورځ ته پخواني دي

وزير محمد «جليل»

سراينده وداع «قيصاری»



نوي غزل

څوک اغزو باندې مزل وکړي کامياب شي
څوک ډوکه په دې دنيا شي په عذاب شي

څوک د لمر رڼا په ځل کې ځان ستي کړي
چانه جوړه بڼاپېری شي او مهتاب شي

چاته ورسپړي مينه خوشحال درومي
څوک په دوه کلام خبرو کې جواب شي

د زړه درد شي رايوځای شي رڼې او بڼې کې
اننگو باندې را درومي جوړ سېلاب شي

څوک مزل په مزل درومي جل وهلی
ورنږدي شي هغه وړانگې يې سیراب شي

چانه وشړيړی جوړه لار خطا کړي
څوک پاک رب ته په دعا کې مستجاب شي

حیدري! د قلم څو توري پېيلي
را یوځای يې کړي غزل شي او کتاب شي

محمدآغا حیدري



Sickle cell Anemia سیکل سیل انیمیا

پوهندوی دوکتور سید احمد «سیدزاده»

تعریف

سیکل سیل انیمیا یوه ارثي هیماتولوژیکه ناروغي ده چې د وینې د سرو کرویاتو د غیر نورمال جوړښت له امله رامنځته کېږي. په دې ناروغۍ کې د هیموگلوبین S (HbS) شتون د وینې کرویاتو ته د هلال یا سیکل بڼه ورکوي، چې د عادي، گردې شکل څخه توپیر لري. دغه بدلون د وینې جریان محدودوي، د اکسیجن رسونې کموالي سبب کېږي، او د وینې سرو کرویاتو عمر هم کمه وي.

سیکل سیل انیمیا د globin- جین کې د یوې نقطوي بدلون له امله رامنځته کېږي، چې په ۱۱ م کروموزوم کې موجود دی. دغه بدلون د گلوټامیک اسید په والین بدلوي، چې د هیموگلوبین S جوړښت ته لاره پرانیزي.

لاملونه

سیکل سیل انیمیا یوه ارثي ناروغي ده چې د جینیتیک انتقال له لارې په نسلونو کې خپرېږي. * -د نارینه او ښځینه ترمنځ انتقال:

سیکل سیل انیمیا یوه اتوزومال ریسسیف ناروغي ده، چې معنی یې دا ده چې د ناروغۍ څرگندیدو لپاره باید یو شخص د والدینو څخه دواړه غیر عادي جینونه ترلاسه کړي.

* -سیکل سیل ټریټ (Sickle Cell Trait)

که چېرې یو شخص یوازې یو غیر عادي جین (HbS) ولري او بل جین یې نورمال وي، نو هغه به د سیکل سیل ټریټ ولري. هغه کسان چې یوازې ټریټ لري، معمولاً د ناروغۍ علایم نلري، خو کولی شي دغه جین خپلو ماشومانو ته انتقال کړي. ۱.

* -سیکل سیل انیمیا:

که یو شخص د دواړو والدینو څخه غیر عادي جینونه (HbS) ترلاسه کړي، نو هغه به د سیکل سیل انیمیا ناروغي ولري.

* گډو سیمو کې د ناروغۍ زیاتوالی:

سیکل سیل انیمیا په هغو سیمو کې تر ټولو ډیر عامه ده چېرې چې د ملاریا خطر موجود وي. د ملاریا په وړاندې د مقاومت په توګه د هیموگلوبین S جین رول لري. دغه سیمې عبارت دي له:

-افریقا

-مدیترانه

-هند

-منځنی ختیځ

* فزیولوژي او د ناروغۍ مېکانیزم

د سیکل سیل انیمیا په ناروغانو کې د هیموگلوبین S تولید له هغې سره یو ځای بدلون رامنځته کوي. دا غیر عادي هیموگلوبین د وینې د سرو کرویاتو په داخل کې په فایبرونو بدلېږي، چې په پایله کې د هغو شکل د گردې نه هلال یا سیکل په بڼه بدلوي. کله چې دغه هلال شوي کرویات د وینې رګونو ته داخل شي، نو دوی د وینې جریان محدودوي او د بندش او درد لامل کېږي.

* د وینې جریان بندښت:

-د سیکل شوي وینې سرې حجرې د وینې په کوچنیو رګونو کې بندښت رامنځته کوي چې د وینې جریان په مقابل کې د خنډ لامل کېږي.

-دغه بندښت د اکسیجن رسونې کمښت سبب ګرځي،

چې د وینې شریانونه ټوټې کېږي.

-په ځانګړې توګه، دا وضعیت د زړه، مغز، پښتورګو، او نورو ارګانونو لپاره جدي خطرونه رامنځته کولی شي.

د وینې د سرو حجرو کم عمر او انیمیا

د سیکل سیل انیمیا یو بل اصلي ځانګړتیا د وینې د سرو

حجرو لنډ عمر دی. عادي سرو کرویات شاوخوا ۱۲۰

ورځې ژوند لري، خو په سیکل سیل انیمیا کې دا عمر





تشخيص

- ۱- د نوی زیریدلی ماشوم سکرینینگ
- د ډېرو هېوادونو په روغتیايي پروگرامونو کې د زېږېدو پر مهال د سیکل سیل انیمیا سکرینګ ترسره کېږي.
- ۲- هیموگلوبین الکتروفوریزیس
- دا ازموینه د هیموگلوبین ډولونه معلوموي او د هیموگلوبین S شتون تاییدوي.
- ۳- د وینې د فلم معاینه:
- د وینې په فلم کې د هلال شکل سرو کرویاتو مشاهده ناروغۍ تاییدوي.
- ۴- جینیټیک تستونه:
- د HBB جین کسې بدلونونو معلومولو لپاره کارول کېږي.

درملنه

- ۱- هایډروکسی یوریا (Hydroxyurea)
- دا درمل د جنیني هیموگلوبین HbF تولید زیاتوي چې د درد بحرانونو کمېدو لامل کېږي.
- ۲- د وینې لېږد:
- انساجو ته د کافي اکسیجن رسولو لپاره د وینې لېږد ترسره کېږي، په ځانګړي ډول د سسټروک او انیمیا په حالتونو کې.
- ۳- د درد کنټرول:
- د درد ضد درملو لکه NSAIDs او اوپیویدونه کارول.
- ۴- واکسینونه او انټی بیوټیک پروفیلکس:
- څرنګه چې د تورې د عدم کفایي له امله د ناروغ معافیتي سیستم کمزوری وي نو انتاناتو د مخنیوي لپاره واکسینونه او پروفیلاکتیک انټي بايوټيکونه باید ناروغ ته ورکړل شي.
- ۵- د هډوکي د مغز Bone marrow پیوند:
- یوازینی دایمي درملنه ده چې ناروغي په بشپړ ډول ختموي.

یوازې ۱۰-۲۰ ورځې ته راټیټېږي. دې سره سره، د وینې لپاره د سرو کرویاتو جوړولو لپاره په زیاتېږي، چې د انیمیا لامل کېږي.

اعراض او علایم

سیکل سیل انیمیا د ناروغۍ شدت او د ناروغ عمر له نظره مختلف علایم لري. په لاندې ډول یې اصلي علایم تشریح شوي دي:

- ۱- مزمنه انیمیا (Chronic Anemia)
- د وینې د سرو کرویاتو کمښت چې په پایله کې د سټریا، ضعف، د پوستکي خټافت، او انرژۍ کموالی لامل کېږي.
- ناروغان معمولاً د ورځني فعالیتونو په ترسره کولو کې ستونزې لري او د سټریا احساس کوي.
- ۲- د درد بحرانونه (Pain Crises)
- د هلال په بڼه د وینې د سرو کرویات چې کله په وړو رګونو کې بندښت رامنځته کړي د شدید درد لامل کېږي.
- دغه دردونه معمولاً د لاسونو، پښو، ملا، او معدې په شاوخوا کې رامنځته کېږي.
- دردونه اکثراً ناڅاپي او شدید وي او ممکن ساعتونه یا ورځې دوام وکړي.
- ۳- ژېړی (Jaundice)
- د وینې د سرو کرویاتو د چټک ماتېدو له امله د بلیروبین کچه لوړېږي، چې د پوستکي او سترګو ژېړوالی لامل کېږي.
- د تورې Spleen عدم کفایه
- د تورې تکراري انفارکشنونه تورې فعالیت له منځه وړي. په مزمن حالت کې دا وضعیت د تورې خرابولویا له منځه تلوسبب ګرځي.
- ۵- د اعضاوو عدم کفایه
- په مزمن ډول د اکسیجن د کمښت له امله، د زړه، پښتورګو، سږو، او مغز کې د زیانونو خطر زیاتېږي.
- ۶- انتاناتو ته مساعدوالی:
- د تورې فعالیت کمزوری، ناروغان د بکټریايي او ویروسي انتاناتو پر وړاندې حساسوي.





په افغانستان کې د کډوالۍ تاریخ ته لنډه کتنه

الفت خليل

بلکې، هجرت کونکي (کډوال) ته يې د ځانگړي اجر د ورکړې يادونه هم کړې، خو په دې مبارک دين کې هېڅ ځای دانسته، چې مسلمانان دې د اسلام له غېږې د کفر غېږې ته د هر دليل له مخې پناه يوسي او هلته دې د کفارو صف قوي کړي.

له يوه ځای څخه بل ځای ته د انسانانو ورتگ او هلته مېشتېدو ته کډوالي وايي، يا له يو ځای څخه بل ځای ته د ژوند او کاروبار په خاطر د خلکو ورتگ ته کډوالي وايي. کډوالي ډيری وختونه له يوه هېواد څخه بل هېواد ته يعنې په اوږدو فاصلو کې ترسره کېږي؛ خو کله-کله بيا د يوه هېواد په داخل کې هم خلک د ځينو شرايطو له امله کډوال کېږي، چې داخلي کډوالي يې بولي.

ولي خلک کډوال کېږي

کډوالي بنيادي په ډېرو سيمو کې د اړتيا له مخې ترسره شي؛ خو معمولا د دوه ډوله دلایلو له مخې کډوالۍ ته اړتيا پېښيږي لومړی او اړين دليل: فقر، ناروغيو، سياسي مسايلو، غذا کمښت، طبعي پېښو، جنگ، بېکاري او د امنيت نشتون له امله کډوال کېږي.

دوهم دليل، چې له امله يې ډېری خلک کډوال کېږي: ډير عايد، لاسرسی، ډېر ښه ژوند، د ډېرې سياسي ازادۍ او خپلې فکر سره سم ژوند او امکاناتو ترلاسه کول دي.

که په لومړۍ کډوالۍ پسې د تاريخونو پاڼې واوړو؛ نو ضرور به پيدا کړو، چې نړۍ ته د لومړي انسان (حضرت ادم عليه السلام) راتگ هم د کډوالۍ ښه درلوده، تر هغې، چې يې ځان ته د اوسېدو لپاره ځای انتخابوه بنيادي په ډېرو سيمو به گرځېدلی وي، په هغه پسې د انسانانو ژوند هم دايمي ښه نه درلوده، د ژوند له شرايطو سره به يې ځانونو ته د اوسېدو ځايونه انتخابول، د مالونو د څړځايونو، اوبو، گرمۍ او يخنۍ له امله به يې د کال په موسمونو کې له يوه ځايه بل ځای ته کډه کوله.

د نړۍ د مدنيتونو په تاريخونو کې هم تر سترگو کېږي، چې هره لويه امپراطوري له يوه کوچني اباد ښار څخه اداره شوې، يعنې د لويې امپراطورۍ د هرې لرې او نږدې سيمې خلکو له خپلو سيمو يا په خپله او يا د امپراطور په خوښه د امپراطورۍ مرکز ته کډوالي کړې او هلته يې ژوند غوره کړی.

د کډوالۍ برکت و، چې د خلکو له سترگو پناه ځايونه کشف شي، مثلاً کريستمب کولمب غوښتل هند ته لاړ شي، چې د همدې سفر په جريان کې يې امريکا کشف کړه، يا که نن د ورېښمو لار، پانامې کانال يا د ځمکې پر مخ بله هره لار او يا د خلکو له سترگو پټ او پناه ځايونه يا څېزونه کشف شوي، يوازینی علت يې کډوالي ده.

د اسلام مبارک دين هم نه يوازې کډوالي ته اجازه ورکړې





د کډوالۍ گټې

مخکې له دې، چې د کډوالۍ په منفي تاثيراتو خبرې وکړو، ښه به وي، چې مثبت اړخونو ته يې هم اشاره ولرو. د چين، هند او جنوبي کوريا هېوادونو وگړو په کډوالۍ کې ځانونه د پوهې او کمال درجې ته ورسول او بېرته خپل هېواد ته له راتگ وروسته يې د خپلو ترلاسه کړو تجربو او پوهې پر مټ هېوادونه له نړۍ سره سيال کړل. دقيقا همداسې تجربې افغانانو هم په افغانستان د کمونيستانو د واکمنۍ او بيا د روسانو او وروسته د امريکا د تېري له امله له کړي هجرت سره سم په گاونډيو هېوادونو کې ترلاسه کړې د ياد هجرت له برکته د افغانستان پيری خلک د هجرت په ديار کې علما، دکتوران او ماستران شول، چې اوس په خپله خاوره کې په خدمت بوخت دي.

د کډوالۍ زيانونه

د درېيمې نړۍ هېوادونو خلک د دې پر ځای، چې خپلو هېوادونو کې پاتې شي او په خپلو هېوادونو کې د پر مختللو هېوادونو په څېر فرصتونه رامنځته کړي، دوی د بېلا بېلو دلایلو له مخې د پر مختللو هېوادونو په لوري په قانوني يا غير قانوني ډول حرکت کوي، دوی سره به ښايي په ذهن کې جوړ شوی تصوير همدا وي، چې هلته به ښه ژوند ولري، خو دا ډول خلک نه د خپل اونه د بل هېواد کيږي، دوی معمولاً له لاندې لويو ستونزو سره مخ کيږي.

● له خپلو خپلوانو او دوستانو لرې والی.

● په خطرناکولارو کې د ځان او يا د کورنۍ غړو له لاسه ورکول.

● د قاچاقبرو له لوري ترې غلطه گټه اخيسته.

● په لاره کې د بدن د غړو له لاسه ورکول.

● روحي، رواني او جسمي فشارونو سره مخ کېدل.

● له ملي او اسلامي کلتور څخه لرې کېدل.



● په ملي گټو د دښمنانو د نفوذ ډېرولو ته زمینه برابرو. په کمپونو کې د خپلې خوښې او انسانيت خلاف ژوند تېرول. ● له بېکارۍ سره مخ کېدل. ● له بېروني کدرونو او متخصصينو سره د علاقې ډېرېدل او د ملي روحيې کمزوري کېدل. ● د کورنۍ په غړو (مېرمنې او اولادونو) کنټرول له لاسه ورکول. ● په لوی لاس خپل راتلونکی نسل د اسلام له مبارک دين خارجول. ● د اسلام د اوامرو خلاف د اسلام له غېږې کفر ته پنا وړل.

په افغانستان کې د کډوالۍ پيل:

له کله، چې په افغانستان کې د ظاهر شاه د واکمنۍ پر مهال د کمونيستي افکارو خپرېدل پيل شول، له همغې ورځې راهيسې ورته د مقدسې عقېدې لرونکو خلکو ځواب ويل پيل کړل، په افغانستان کې د ظاهر شاه له لوري د گوندونو فعاليت ته د جواز له ورکړې سره سم، په افغانستان کې د کمونيزم او ليبراليزم جگړه له اسلام سره پيل شوه، په هېواد کې د کمونيستي افکارو سره د مقابلي په پار اسلامي افکارو ته متحد گوندونه رامنځته شول؛ مگر دا، چې حاکم نظام د اسلامي فکر په پرتله نويو مبتدلو افکارو ته ډېر ميلان درلود، همدا لامل و، چې د اسلامي مبارزينو د له منځه وړلو هڅې يې پيل کړې.





داوود خان د ظاهر شاه د له منځه وړلو په پار له کمونیستانو گټه پورته کړه او د دې پرېوتې نظریې د غښتلتیا په پار همدا لومړی گام شو، د اسلامي افکارو درلودونکو سرلارو د نیولو حکمونه جاري شول، له همدې امله په افغانستان کې د مجاهدینو ژوند له ستر گواښ سره مخ شو، دا لړۍ بیا تر دې ورسېده، چې په ۱۳۵۷ هـ ش د کمونیستانو له کودتاه سره سم؛ اسلامي او افغاني کلتور لرونکو خلکو ته په مستقیم ډول خطرونه متوجه شول، دا خطرونو د بیرک کارمل په ملگرتیا په ۱۳۵۸ هـ ش کال کې په افغانستان د شوروي لښکرو د یرغل له ورځې بیخي وحشي بڼه غوره کړه دیني علما، د مدرسې استادان او طالبانو او په ټوله کې په افغاني غرور لرونکو مسلمانانو باندې د ژوند دایره تنگه شوه، د هجرت قافلې ورځ تر بلې لوبېدلې او هر ورځ به افغانانو په قانوني او غیر قانوني ډول گاونډیو هېوادونو ته هجرت کاوه، که به څوک په گران هېواد کې پاتې کېده نو ډېر په ستونزو به یې خپل ژوند پر مخ وړه، ان تر دې، له خلکو په دې نامه، چې ولې یې تر اوسه پوره نه ده کمه کړې، او ولې لا هم لمونځ کوي، ولې شراب نه خوري، او ولې لا کمونیستان شوي نه دي کورونه، جایادونه او مالونه په زور اخیستل کېدل، وهل ډبول کېدل، بې عزته کېدل، زندانونو ته اچول کېدل؛ لنډه دا؛ چې افغانانو دوه انتخابه درلودل، یا به کمونیستان کیږي، او یا به هېواد پرېږدي.

له اوږدې او سختې مبارزې وروسته افغان مجاهدینو د خدای په نصرت او د سپېڅلي جهاد په پایله کې شوروي اتحاد ته په افغانستان کې ماته ورکړه او په ۱۳۶۷ هـ ش کال کې روسان په داسې حال کې له افغانستانه ووتل، چې غرور یې په ټوله نړۍ کې مات او شوروي اتحاد د نړۍ په نقشه کې په اوسنۍ روسیې بدله شوه، چې په پایله کې یې له دوه میلیونو ډېر افغانان شهیدان او ټپیان شول.

خو بیا هم کمونیستانو په افغانستان واک درلود، چې د مجاهدینو د سرښندنو په پایله کې په ۱۳۷۲ هـ ش کال کې افغانستان ازاد مجاهدین په سپېڅلي خاوره واکمنان شول. د شوروي د اشغال له امله گاونډیو او د نړۍ هېوادونو ته ۵ میلیونو افغانان کډوال شوي و، خلکوسره د نوي ژوند هیلې پیدا شوې، بېرته افغانستان ته د کډوالو د راستنېدو لړۍ پیل شوه؛ خو دا لړۍ په خپلو منځونو کې د مجاهدینو د مشرانو د جگړو له امله ودرېده او تر ۱۳۷۵ هـ ش کاله د مجاهدینو خپل منځي جگړو دوام وکړ، چې بیا د اسلامي امارت نوی تحریک رامنځته شو او له افغانستانه یې د شر او فساد د رېښو له منځه وړلو ته ملا وتړله، او په همدې کال کې د اسلامي امارت نظام رامنځته شو، چې ورسره بېرته افغانستان ته د مهاجرینو راستنېدل په چټکۍ سره پیل شو؛ خو امریکا په بېلا-بېلو دروغجنو پلمو د گاونډیو هېوادونو او د داخلي اجنټانو په ملاتړ د افغانستان په پاڅنه خاوره یرغل وکړه.

په ۱۳۸۰ هـ ش کال کې یې افغانستان اشغال کړ، ۲۰ کاله د اسلامي امارت د سپېڅلي صف مجاهدینو په ډېرو کمو امکاناتو د ناتو د ۴۲ هېوادونو پلور وړاندې نه هېرېدونکې او نه سترې کېدونکې مبارزه وکړه او له شلو کلونو وروسته یې د امریکا او ملگرو هېوادونو غرور مات او امریکایان له افغانستانه ووتل، په دې شل کلن اشغال کې نه یوازې، چې په مجاهدینو او پاکو مسلمانانو دا خاوره تنگه شوه او ترې مسلمانو هېوادونو ته مهاجر شول، بلکې په همدې دوره کې د بېلا-بېلو لاملونو له امله لکه: بېکاری، فقر، ظلم، وحشت، بمبارد، شپنیو چاپو، فساد، جنسي-زورونو.... له امله خلکو لرو هېوادونو ته هم ورتگ پیل کړ، له دې ټولو لاملونو سره یوه بله ستره فتنه هم موجوده وه، هغه دا؛ چې بهرنیو موسسو د دې لپاره، چې د افغان ځوانانو فکر تحریف او له اسلامي نظریې یې لرې او بې





خلک په ارام زړه خپل عبادات، کارونه او عادي ژوند تېروي، د هېواد له يوه گوټه بل گوټ ته خلک په ډاډه زړه له کومې وېرې پرته سفرونه کوي.

اسلامي امارت د خپلو خلکو د خدمت په پار مټې رانغاړلي او په بېلا- بېلو برخو کې پرمختگونه روان دي، خلکو ته د ښه ژوند کولو سربېره د کاروبارزمينه برابروي، نو له همدې امله دا يو طلايي فرصت دی، چې ټول افغانان سره لاسونه وړکړي او د هېواد د ابادولو په پار شپه او ورځ کار وکړي، له هېواد بېرون افغانانو ته پکار دی، چې د گران وطن په ابادولو کې د خپلې برخې اخيستلو په پار بېرته هېواد ته راستانه شي.

د ۴۱ پاتې برخه:

د ناروغۍ اختلاطات او انزار:

د سيکل سيل انيميا ناروغان د مزمن دردونو، د غړو عدم کفايه، او د ستړوک خطر سره مخ دي. سره له دې، د نوې جين درملنې او پرمختللې طبي ټيکنالوژۍ سره د ژوند کيفيت ښه کېدلی شي. د ناروغانو ژوند موده معمولاً ۴۰-۶۰ کاله ده، خو په پرمختللي هېوادونو کې د سم درملنې سره د ژوند کيفيت ښه کېدلی شي.

نتيجه گيری:

سيکل سيل انيميا يوه ارثي هيماتولوژيکه ناروغي ده چې پتولوژي يې په وینه کې د HbS شتون پورې اړه لري. دناروغي لپاره ځانگړی درملنه د هېوکی د مغز پيوند کول دی.

ماخذونه:

1- Kasper fauci hauser longo jameson loscalzo.

Principles of Internal Medicine 20 Edition.

2- KV Krishna Das. Textbook of medicine 6 edition. Jaypee

kerala India 2017.

3- Stephen J. mcphree. Current Medical Diagnosis And Treatment

خبره وساتي د بورسونو، په موسسو کې د کاري مودې، بهرنيو عسکروسره د کار کولو او نورو پلمو پر مټ خلکو ته له افغانستانه د وتلو فرصتونه برابرول او په ډېر شمېر افغانان يې په قانوني او غير قانوني لارو وایستل.

د امريکايي اشغال تر ماتېدو پورې له افغانستان ۹،۲ ميلونه وگړي د سيمې، گاونډ او نړۍ هېوادونو ته کډوال شوي و.

په افغانستان د اسلامي امارت له بيا ځلي حاکميت سره سم؛ امير المومنين حفظه الله په يو ځانگړي فرمان کې ټولو افغانانو ته عمومي عفوه اعلان کړه، د ټول امارت په کچه په نورو برخو کې د چټکو پرمختگونو تر څنگ د کډوالو او داخلي بېځايه شويو د بېرته ځای پر ځای کولو په پار گړندۍ هلې ځلۍ پيل کړې، داخلي بېځايه شويو يې بېرته په خپلو مېنو کې ځای پر ځای کړل، او له هېواده بېرون کډوالو د راستنولو او له هغوی سره يې د خپل ښه نيت شريکولو په پار له بهرنيو شخصيتونو سره د اړيکو کمېسيون جوړ کړ، خو په بهر کې له مېشتو شخصيتونو سره اړيکې ټينگې او هغوی بېرته په ډېر عزت او درناوي خپلې خاورې ته ستانه کړي.

د بېرته راستنېدو کو کډوالو د ښه راغلاست او هغوی ته د خدمتونو او ورسره د لومړنيو مرستو د کېدو په پار يې د کډوالو ستونزو ته درسېدو عالي کمېسيون جوړ کړ.

په ټول هېواد کې د ډاډمن امنيتي وضعيت، او د اسلامي نظام له لوري د هېواد ټولو وگړو ته د خپلو حقوقو د ورکړې او د قدرت جزيرو، ظلم، فساد او اشغال د له منځه تللو سره سم هره ورځ له هېواد څخه کډوال شوي وگړي په ډېر عزت خپلو کورونو ته ستنېږي.

د افغانستان له فتحې سره په هېواد کې نږدې ۵۰ کلنه جگړه ختمه شوې، په ټول افغانستان کې اسلامي نظام حاکم دی زورواکي، غلا، فساد، غصب، لويو لارو کې د خلکو لوتول، شپېنۍ چاپې او ناامني له منځه تللي،





په اسلامي ملي اردو کې د نظم او اطاعت څرنگوالی

ق. محمد اميد

عمل وکړي، په اردو کې نظم ددې معنا لري چې ټول افسران او سرتيري بايد خپلې اړونده دندې په خپل وخت او د مشخصو اصولو سره سمې پرته له کوم ځنډ او مغالطې څخه ترسره کړي.

نظم په هره ټولنه او خصوصاً په اردو کې د افرادو ترمنځ د کارونو د سم ترسره کولو او د اهدافو د لاسته راوړلو لپاره يو اړين څيز دی، په اردو کې نظم د بېلا بېلو عناصرو لاندې راځي:

الف - سرتيري: د عملياتو د مؤثریت لوړولو لپاره سرتيري بايد په ټاکل شويو صفونو او وختونو کې حاضر وي.

ب - ترتيب: د اردو د ځانگړو عملياتو پر مهال، سرتيري بايد د مشخصو پروسيجرونو له مخې عمل وکړي چې د غفلت يا گډوډۍ مخه ونیول شي.

ج - همغږي: په نظامي عملياتو کې سرتيري او جنگي واحدونه بايد يو له بل سره همغږي ولري، ترڅو هر اقدام په سم ډول او د هدف پر بنسټ ترسره شي.

اطاعت د يو فرمانبردار په توگه د خپل مشر يا افسر د هداياتو او امرونو منلو او عملي کولو ته ويل کېږي، په اردو کې اطاعت د هغه دستور او فرمان د درناوي او تطبيق کولو معنی لري چې له مشرانو څخه ورکول کېږي.

اسلام د نظم او اطاعت په اړه خورا زيات ټينگار کړی دی، د قرآن کریم او سنتو په رڼا کې موږ د نظم او اطاعت دېر مهم اصول موندلای شو، د اسلام له مخې نظم او اطاعت نه يواځې د يوې ټولنې يا پوځ لپاره د پراختيا او امنيت وسيله ده، بلکه د فرد لپاره هم د خپل دين په عملي کولو کې مرسته کوي.

اطاعت په اسلامي فرهنگ کې نه يوازې د ديني احکامو پيروي کول دي، بلکه هر ډول قانوني او نظامي موازينو ته

نحمده ونصلي علی رسولہ الکریم؛ اَمَّا بَعْدُ: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ} [سورت النساء، آيت: ۵۹].

په اسلامي ملي اردو کې د نظم او اطاعت شتون د اسلامي ارزښتونو او اصولو پر بنسټ د سولې، امنيت، او پرمختگ لپاره بنسټيز څيزونه دی، هر سرتيري بايد د نظم او اطاعت اصولو ته درناوی ولري، ترڅو نه يوازې د خپلې شخصي او نظامي دندې په پوره کولو کې بريالی شي، بلکه د ټولنې او هيواد لپاره هم يو مثبت انځور وړاندې کړي، د ديني تعليماتو، نظامي روزنې او اخلاقي اصولو مراعت د يوې قوي، متحدې او متعهدې اسلامي ملي اردو د جوړښت او پرمختگ لپاره اساسي ټکي دي.

په اسلامي ملي اردو کې نظم او اطاعت له اساسي او اړينو ارزښتونو څخه دی، چې پر مټ يې يو ځواکمن او منظم پوځ جوړيدای شي، هر ځواکمن پوځ د يوه ښه ترتيب، مضبوط پلان او د خپلو افسرانو او سپاهبانو ترمنځ د غوره همغږۍ پر اساس حرکت کوي.

په اسلامي ملي اردو کې د نظم او اطاعت مفهوم د ديني اصولو، کلتور، او ټولنيزو ارزښتونو له مخې د پام وړ څيز دی، په ټولو نظامي تشکيلاتو کې، خصوصاً د يوې اسلامي اردو په جوړښت کې د نظم او اطاعت شتون د اغيزمنو او برياليو عملياتو لپاره لازمي دی، نظم په اردو کې د سرتېرو ترمنځ د همغږۍ، د بريدونو د مؤثریت، او د پروسيجرونو د سم پلي کولو لپاره اړين دی، په داسې حال کې چې اطاعت د قيادت او رهبرۍ د اصولو او احکامو پر وړاندې د سرتېرو د چلند يوه بنسټيزه برخه ده.

نظم په عمومي توگه د يو سيستم او ترتيب په توگه تعريف کېدلای شي چې هر فرد په ټاکل شوو قوانينو او اصولو





په یو حدیث کې رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمایي: «هیڅ مسلمان ته اجازه نه ورکول کیږي چې په خپلې ټولنې کې د خپل مشر پر ضد خپل نظر ښکاره کړي».

دا حدیث د نظم او اطاعت د اهمیت لپاره یو لوی دلیل دی، اسلام د خپلو اتباعو څخه غواړي چې له خپلو مشرانو سره همغږي ولري او د هغوی امرونه ومني، پرته له دې چې په غلطه توګه ځان پرېږدي.

ب: نظامي تربیت

نظامي روزنه او تربیت د نظم او اطاعت په پراختیا کې مهم رول لري، د سرتیرو روزنه باید په اساسي اصولو، نظامي اخلاقو او خپلو دندو ته په پاملرنې باندې متمرکز وي، د روزنې پروسه د سرتیرو د ذهني او جسماني چلند په سمولو کې مرسته کوي.

ج: رهبري او مشرتابه

د اسلام په ملي اردو کې مشرتابه د نظم او اطاعت په عملی کېدو کې اساسي اهمیت لري، مشران باید د خپلو سرتیرو سره په مؤثره توګه اړیکه ونیسي، هغوی ته د خپلو مسوولیتونو او دندو په اړه وضاحت ورکړي او د هغوی د مشکلاتو اوږدو ته پاملرنه وکړي.

د نظم او اطاعت ګټې

الف: د اسلامي شریعت پلي کول:

د نظم او اطاعت پلي کول یوازې د پوځي جوړښت لپاره نه، بلکې د اسلامي شریعت د احکامو تطبیق کولو لپاره هم اړین دي، په دې توګه د اسلام په رڼا کې یو منظم پوځ جوړول د ټولنې د اسلامي ارزښتونو او اصولو د پراختیا لپاره یو ګام بلل کېږي.

ب: د پوځي ځواک پراختیا:

کله چې په اردو کې نظم او اطاعت ښه تطبیق شي، د پوځ ځواک او وړتیا پراخېږي، د ټولو افسرانو او سرتیرو په همغږۍ سره د کار ترسره کول د پوځ د هر اړخیز پرمختګ سبب ګرځي.

وسيله ده، بلکه د فرد لپاره هم د خپل دین په عملي کولو کې مرسته کوي.

اطاعت په اسلامي فرهنگ کې نه یوازې د دیني احکامو پیروي کول دي، بلکې هر ډول قانوني او نظامي موازینو ته درناوی کول هم پکې شامل دي.

په عمومي ډول لاندې موارد د اطاعت لپاره د یادولو وړ دي: **د رهبرۍ اطاعت:** هر مسلمان باید د خپل مشر اطاعت وکړي. د اسلام په اصولو کې د مشر اطاعت یو مهم اصل دی.

قانونیت: د هیواد قوانین او نظامي اصول باید په سمه توګه تعقیب شي، د دې اصولو پیروي د افرادو او ټولنې پر ثبات باندې مثبت اغیز لري.

اخلاقیات: اسلامي تعلیمات د اخلاقي اصولو پاملرنې ته د پام وړ ارزښت ورکوي، سرتیري باید د صداقت، درناوی، او عزت اصول خپل کړي ترڅو په ټولنه کې یو مثبت مثال جوړ کړي.

د اسلامي ملي اردو د نظم او اطاعت بنسټونه

الف: اسلامي اصول او تعلیمات

اسلام د نظم او اطاعت په اړه واضح اصول ایښي، په قرآن او حدیثو کې د اطاعت او نظم په اړه ګڼ شمېر مثالونه شتون لري، د اسلام دین ددې لپاره رهنمائي کوي چې مسلمانان باید د اسلامي شریعت، د خپلو مشرانو، علماوو، او د هېواد د قوانینو تابع وي، الله تعالی فرمایي: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ** [سورت النساء، آیت: ۵۹].

ژباړه: ای هغ و کسان چې ایمان موراوړی دی، اطاعت وکړئ د الله او در رسول او د هغو کسانو چې د امر واک یې ستاسو په منځ کې دی.

دا آیت شریف د اسلامي پوځ د اصولو لپاره یو اساس دی، چیرې چې د مشرانو اطاعت د الله او رسول په امر ترسره کول بلل شوي دي.





ج: د بې نظميو مخنيوی:

که په اردو کې نظم او اطاعت پل ی شي، نو بې نظمې او گډوډي کمېږي، چې دا د برياليتوب لپاره خورا مهم دی، دا په ځانگړې توگه د جگړو پر مهال خورا اړین دی، چیرې چې د ټولوسرتیرو او افسرانو لخوا د یو ځانگړي پلان سره سم عمل کول حیاتي اهمیت لري .

په اسلامي ملي اردو کې د نظم او اطاعت عملي اړخونه

الف: د نظامي عملیاتو په ترڅ کې

د نظامي عملیاتو په ترڅ کې دسرتیرو نظم او اطاعت د عملیاتو د بریا او مؤثریت لپاره حیاتي څیز گڼل کېږي، په گډو ځواکونو کې باید سرعت، دقت، او د مواصلاتو واضح اصولو ته پاملرنه وشي.

ب: دسرتیرو ترمنځ همکاري

سرتیري باید د خپلو ملگرو او همکارانوسره په ښه توگه همکارۍ وکړي، چې دا همکاري د جمعي یا ټولیزو اهدافو په تر لاسه کولو کې مرسته کوي، تربیت او مشترکه روزنه د همکارۍ او اعتماد روحیه لوړوي.

ج: درهبرۍ لپاره سمې مشورې

مشران باید دسرتیرو مشکلاتو ته په دقت سره پام وکړي، او د هغوی نظریات او وړاندیزونه په جدي توگه واورې، دا به سرتېرو ته د دې احساس ورکړي چې د دوی نظر هم مهم وگڼي او په بشپړ ډول یې اطاعت وکړي.





لجستیک (لوژستیک) LOGISTICS

به ادامه گذشته

گونه‌ای غیر قابل قبول از طریق ایجاد چندین پایگاه لجستیکی، مناطق پشتیبانی و خطوط ارتباطاتی کاهش یابند. پراکندگی بسیار زیاد ممکن است خود کفایی و پایداری یک نیرو را در یک زمان خاص و در یک منطقه خاص تنزل دهد. پراکندگی بسیار اندک و حفاظت بسیار اندک ممکن است باعث از دست رفتن امکانات ارزشمند و غیر قابل جایگزین نیرو شود و آن را به لحاظ لجستیکی و عملیاتی غیر کارآمد سازد.

۴- صرفه جویی

اصل جا افتاده صرفه جویی لجستیکی، دستخوش سوء تفاهم قرار می‌گیرد و اشاره به جیره بندی دارد. افزایش صرفه جویی به معنی کاهش تعمدی منابع تا آن حد نیست که پشتیبانی لجستیکی دیگر کارآمد، خود کفا یا پایدار نباشد. درست همانگونه که اثربخشی محصول مشترک کارایی و صرفه جویی است، تلاش دائمی برای اثربخشی لجستیکی، مستلزم تصحیح نارسایی‌ها و حذف هر گونه همپوشانی و تداخل غیر ضروری یا دوباره کاری مسئولیت‌ها و اتلاف منابع ارزشمند است. بنابراین، صرفه جویی لجستیکی به معنی استفاده از منابع، خدمات، تسهیلات و ذخایر، به هر گونه‌ای که کاملاً مولد و صرفه جویانه است، می‌باشد.

تضمین این امر که منابع به گونه‌ای مؤثر مورد استفاده نیروهای نظامی قرار گیرند، ممکن است اثرات سوء محدودیت‌های مربوط به تجهیزات و خدمات را که غالباً از خارج و به طور ناگهانی بر نیروها تحمیل می‌گردد، کم‌تر کند. صرفه جویی لجستیکی هم‌چنین به معنی ایجاد یک توازن معقول بین تضمین بیش از حد و تضمین کم‌تر از حد لزوم است. این کار از طریق فراهم آوردن منابع نه به مقدار بسیار کم و نه به مقدار بسیار زیاد، بلکه به اندازه

پایداری لجستیکی نیز از این امر تبعیت می‌کند. پایداری لجستیکی با استفاده از سه ضریب مورد سنجش قرار می‌گیرد و فراهم می‌شود. روزهای نبرد؛ نرخ فرسودگی و تلفات؛ هزینه‌ها و مصرف ناشی از نبرد و برآورد جایگزینی تجهیزات و کالاها. بنابراین خود کفایی لجستیکی عبارت است از تعادل نیازهای برآورده شده یا معین شده با منابع موجود.

منابع، شامل منابعی می‌شوند که توسط سازمان‌ها و سیستم‌های لجستیکی از عقبه تأمین می‌شوند و نیز منابعی که در دسترس خود صفوف و واحدهای رزمی قرار دارد. خود کفایی تضمین کننده انعطاف پذیری عملیاتی و نیز در صورت قطع ارتباط و ایجاد گسست با پشتیبانی عقبه، ادامه کار کرد واحدها و صفوف است.

کارآمدی لجستیکی در شرایط عملیاتی هنگامی به نحوه مؤثرتری تضمین می‌گردد که تأسیسات پشتیبانی پراکنده باشند و مورد حفاظت قرار گیرند. چه این تأسیسات کارخانه‌های تولیدی باشند یا تأسیسات پایگاهی یا مدیریت‌های صحرائی و یا انبارهای ذخایر عملیاتی. هم‌چنین آن‌ها مستعد این هستند که دچار ازدحام و اختلال شوند. پراکندگی و حفاظت، کارایی آن‌ها را به عنوان امکانات لجستیکی طولانی‌تر می‌سازد، بدون آنکه برخوردی با بعضی از اصول جنگ یعنی تمرکز و صرفه جویی در تلاش‌ها پیش بیاید. همانند همه موارد، اعتدال و میانه‌روی باید حکم فرما گردد. سیستم‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی مدرن، اینک به گونه قابل ملاحظه‌ای به کنترل، مدیریت و استقرار منابع پراکنده در زمان و مکان کمک می‌کند.

امنیت، اصل دیگر جنگ، باید در مناطق عملیاتی تأمین گردد. بنابراین نه امنیت و نه کارآمدی لجستیکی نباید به





کافی است. علاوه بر این، صرفه جویی لجستیکی به معنی ایجاد موازنه معقول بین اثربخشی نقش ها و اثربخشی هزینه ها از طریق صرفه جویی بدون محدود کردن نابه جای عملکرد، وظیفه ای رزمی یا پشتیبانی است. بازرسی منظم و نگهداری پیش گیرانه هم چنین قابلیت خدمت رسانی تجهیزات را افزایش دهد. در صورتی که تجهیزات خراب شوند و یا اینکه در نبرد خسارت ببینند، توانایی ترمیم در خطوط مقدم، ارزش استفاده از تجهیزات در نبرد و قابلیت خدمت رسانی آن ها را بهینه می سازد. هم چنین، صرفه جویی لجستیکی از طریق دوره های طولانی تولید تجهیزات نظامی جهت کاهش هزینه های واحد و یا از طریق استفاده از مدل های غیرنظامی مناسب جهت نجات یافتن از تهیه مدل های خاص نظامی گران قیمت، هنگامی که این مدل ها واقعا اساسی نیستند، به دست می آید. به علاوه، تغییرات ظاهری که در جریان تولید یا جریان عمر مفید تجهیزات، همواره کارا نیستند، تغییرات کارکردی اثربخشی و کارایی نقش تجهیزات را افزایش می دهد. به علاوه، طولانی تر ساختن عمر مفید تجهیزات ممکن است جایگزینی آن ها را که بسیار گران قیمت است، به تعویق بیندازد. از سوی دیگر، به تأخیر انداختن جایگزینی ممکن است باعث افزایش هزینه های نگهداری در آینده شود. ورود به موقع تجهیزات جدید که با برآورد اولیه از میزان پرزه جات و لوازم فالتو تکمیل می شود، ممکن است به لحاظ نقش و هزینه، کارایی و اثربخشی بیشتری داشته باشد.

۵- مسئولیت پذیری

در یک سیستم عرضه، که به گونه ای مؤثر پاسخگو باشد، رده ها و تأسیسات پشتیبانی نیازهای قابل پیش بینی را در مقادیر روزانه پیش بینی شده عمدتاً به صورت خود به خود به سمت جلو هدایت می کنند و جزو تام های وابسته،

نیازهای پیش بینی شده خود را از طریق درخواست اقلام خاص از عقبه تأمین می کنند. در یک سیستم نگهداری، که به گونه ای مؤثر پاسخگو باشد، تیم های متخصص سیار، در صورت امکان، ترمیمات را در خطوط مقدم انجام می دهند. هنگامی که وظایف فراتر از توانایی آن ها باشد و یا اینکه از اولویت پایین تری برخوردار باشد، تجهیزات قابل ترمیم به ورکشاپ ها برگردانده می شود و در آنجا معایب و خسارات شان ترمیم شده و به جزو تام ها بازگردانده می شود. در یک سیستم تخلیه و درمان پرسنل مجروح که به گونه ای مؤثر پاسخگو باشد، کمک های اولیه و مراقبت های صحی، ماهرانه به محض آنکه قابل اجرا باشند، در مورد مجروحان اعمال می گردند. اگر امکانات معالجه و مداوی در خط مقدم مناسب و یا موجود نباشد، مجروحان توسط آمبولانس های در حال انتظار به مراکز صحی صحرایی و عمومی انتقال می یابند و هنگامی که کاملاً بهبود پیدا کردند، معمولاً به جزو تام های خود باز می گردند. سایر سیستم های تأمین و حمایت لجستیکی نیز به همین شکل در برابر نیازهای عملیاتی پاسخگو بوده و نیز در برابر اولویت های رزمی حساس هستند.

تجربه نشان می دهد که پلان های عملیاتی تدوین شده در زمان صلح نیازمند آن هستند که دائماً مورد تجدید نظر قرار گیرند و طرح هایی که در زمان جنگ تدوین می شوند نیز لازم است دائماً اصلاح گردند.

در واقع، طرح ها و پلان های زمان صلح به ندرت با شرایط واقعی سازگارند و نیازمندی های واقعی دوران جنگ را برآورده می سازند. دست اندر کاران پاسخگو و مسئول لجستیک ممکن است منتظر وقوع مواردی باشند و با پیش بینی های لازم طرح را تعدیل کنند، اما آن ها هم چنین باید وقایع و نیازهای غیر قابل پیش بینی را نیز مدنظر داشته باشند. مسئولیت پذیری و پاسخگو بودن دست اندر کاران لجستیک قابل تحسین است، اما اگر آن ها قادر به



می کند تا در زمان های بحران، ابتکار را حفظ کند. با این حال، ایجاد مهارت و نگرش های صحیح در زمان صلح مشـکل است؛ بنابراین، ابتکار در جنگ غالباً باید خودجوش باشد.

هنگامی که تجهیزات از کار افتند، افراد غیرمتخصص و غیر کاردان ممکن است تقصیرها را متوجه تکنولوژی نموده و در پی جایگزینی برای آن برآیند. ابتکار تنها استعداد فردی نیست؛ لجستیک مبتکرانه می تواند به صورت دسته جمعی نیز آموخته شود. برای مثال، نیروها و صفوف به لحاظ لجستیکی خود کفا و تیم های نیروهای مختلط دارای خوداتکایی و خود کفایی به شکل یک پارچه هستند. این بخش ها به صورت بالقوه، مبتکر بوده و وابستگی کمتری به پشتیبانی تخصصی منطقه عقبه دارند. فرماندهان، رهبری نظامی و دسـت اندر کاران لجستیک با همکاری با یکدیگر حوزه وسیعی را در اختیار داشته و نیاز غیر قابل انکاری به برنامه ریزی و تشـویق پشتیبانی مبتکرانه از عملیات نظامی دارند.

هنگام بررسی گذشته و پیشبینی آینده، شایسته است به یادآوریم که لجستیک وسیله اصلی ایجاد و حفظ قدرت رزمی است. لجستیک می تواند عامل تعیین کننده موفقیت یا شکست عملیاتی باشد.

منابع:

- ۱- عظیمی، نبی، تاریخ حرب؛
- ۲- اژدر، حسین، سایت باشگاه؛
- ۳- بریالی، پرویز، کتاب لوژستیک (۱۳۹۳)؛
- ۴- فرهنگ عمید؛
- ۵- حسین، سیر تکاملی ارتش ها؛
- ۶- سایت های (techtarget.com) - (netsuite.com) (aims.education).

حفظ پاسخگویی در تمام دوره جنگ، عملیات و یا نبرد باشند، عملکردشان در سطحی عالی است. هر دو هدف مستلزم احساس تعهد پیگیر نسبت به انجام وظیفه و توجه به جزئیات است.

۶- ابتکار

اگر اصول پیشنهادی کارآمدی و صرفه جویی اندکی متناقض به نظر می رسند، اصول مسئولیت پذیری و ابتکار مطمئناً مکمل یکدیگر اند.

دست اندر کاران لجستیک و نیز کلیه عساکر و افسران تنها در صورتی می توانند به خطرات و مشکلات جنگ پاسخ مؤثر بدهند که افرادی مبتکر باشند. افرادی که با همه فن ها، حریف باشند.

با نگاهی به عقب از تجربیات گذشته استفاده می کنند تا با شایستگی تمام با چالش های غیر منتظره مقابله کنند. آن ها ممکن است مجبور به ترمیم یا تنظیم نیروهای درگیر جنگ به بهترین شکل ممکن باشند، به گونه ای که این نیروها قادر به از سر گرفتن عملیات شوند. آن ها ممکن است مجبور به اوراق کردن واسطه ای که در جریان نبرد خسارت دیده، برای استفاده از لوازم فالتوی آن گردند و بدین ترتیب ترمیم واسطه دیگری را برای رساندن آن به حد استاندارد جهت مورد استفاده قرار گرفتن در نبرد میسر سازند و یا اینکه در تجهیزات تغییراتی به وجود آورند، به طوری که تجهیزات مزبور بتوانند در مدت زمانی کوتاه پس از صدور فرمان، نقش عملیاتی متفاوت از آنچه که برای آن ها طراحی شده، ایفا کنند. نیروها ممکن است مجبور شوند خوراک خود را از منابع موجود در زمین منطقه عملیاتی تأمین کنند و از منابع محلی استفاده به عمل آورند و یا بر دیگر اشکال غیر متعارف عرضه وابسته گردند.

ابتکار، ناشی از مهارت عملی است و نگرش ذهنی مثبتی را ایجاب می کند. تخیل و نبوغ به مبتکر کاردان کمک





تفاوت نظام اقتصادی اسلام با نظام سرمایه داری

به ادامه گذشته

و هر کس از الله ﷻ بترسد، خداوند راه نجاتی برای او قرار می‌دهد و او را از جایی که گمان ندارد، روزی می‌دهد.

بر اساس این مقدمات، از سوی سعادت انسان در «بیشینه کردن لذت‌های دنیوی و آخروی با تقدم لذت‌های آخروی» است و از سوی دیگر، انسان دارای دو بُعد مادی و مجرد است و رفتارهای او در هر دو بُعد اثر می‌گذارد و از سوی سوم انسان در جهانی زندگی می‌کند که دو نظام علت و معلولی مجرد و مادی بر آن حاکم است و پدیده‌های طبیعی چون خشک‌سالی و اجتماعی چون فقر، دارای علل مادی و مجردند.

از روایاتی که بر جامعیت شریعت اسلام دلالت دارند و بررسی احکام و قوانین آن معلوم می‌شود که شریعت اسلام، چنین نظامی را ارایه کرده است. ثبات شریعت به مفهوم رهبری تغییرات است به سمت اهداف همراه با انعطاف پذیری نسبت به برخی تغییرات که با مبانی ارزشی و اهداف و قواعد عامه ناسازگاری ندارد.

مقایسه نظام اقتصادی اسلام و نظام سرمایه داری

ویژگی‌های نظام اقتصادی سرمایه داری

آزادی اقتصادی یکی از مباحث اصلی در ادبیات اقتصادی است که هم‌چنان اهمیت خود را در مباحث اقتصادی حفظ کرده است. نظام اقتصادی لیبرال یا سرمایه‌داری از آغاز پیدایش خود، از آزادی اقتصادی سخن گفته است و آن را از اصول اساسی این نظام معرفی کرده است.

مکاتب گوناگون اقتصادی بر اساس اصول فکری و مبانی خاص خود به تعریف «آزادی اقتصادی» پرداخته‌اند. «آزادی اقتصادی در بر دارنده آزادی مشاغل، آزادی رقابت، آزادی تجارت داخلی و خارجی، آزادی بانک‌ها و غیره

1. بر اساس دیدگاه سرمایه‌داری گفته می‌شود خداوند ﷻ پدیدآورنده این نظم است؛ ولی در پایداری اش نقش‌ی ندارد، در حالی که از دیدگاه اسلام، خداوند ﷻ نه تنها علت حدوث، بلکه علت بقای این نظم نیز به شمار می‌آید و تنها اوست که به اسباب سببیت می‌بخشد و هستی را پایدار نگه می‌دارد. «إِنَّ رَبِّي عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيزٌ» (هود، آیه ۵۷) و «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» (بقره: آیه ۲۵۵)

نتیجه این تفاوت آن است که بر اساس سرمایه‌داری، نظم موجود جهان پیوسته ثابت است و علتها همیشه علت می‌مانند؛ ولی بر اساس دیدگاه قرآن، خداوند ﷻ قادر است هر گاه مصلحت بداند علت را از هر علتی که بخواهد سلب کند؛ چنانکه در واقعه به آتش افگندن حضرت ابراهیم (ع) سوزاندگی را از آتش گرفت. «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ» (انبیاء: آیه ۶۹)

2. نظام طبیعی در مبانی فلسفی اقتصادی سرمایه‌داری، به جهان ماده محدود است؛ ولی از دیدگاه اسلام، این نظم به جهان ماده منحصر نیست و مجردات (آنچه منزه از ماده باشد) را نیز شامل می‌شود. از این دیدگاه دو نظام علت و معلولی مادی و مجرد بر جهان حاکم است. قرآن کریم نیز به این گونه عوامل تصریح می‌نماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف: آیه ۹۶) و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، قطعاً درهای برکات از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم.

(وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ) (طلاق: آیه ۲ و ۳).





مداخله دولت در نظام اقتصاد اسلامی

در نظام اقتصادی اسلام، مداخله دولت در فعالیت‌های اقتصادی، به نظارت بر حسن اجرای احکام و قوانین محدود نمی‌شود. دولت هم‌چنین می‌تواند برای تنظیم امور اقتصادی به وضع مقررات بپردازد و در زمینه‌هایی که حرمت و لزوم آن صریحاً اعلام نشده، تصمیم‌گیری کند. به این ترتیب اگر امر مباحی را در دولت اسلامی به‌عنوان دستور دومی ممنوع کند، آن امر مباح ممنوع اعلام می‌شود و در صورتیکه انجام آن را توصیه کند، واجب می‌شود. بر همین اساس از زمان پیامبر اسلام ﷺ با دو دسته از احکام و قوانین روبرو هستیم:

1. احکام و قوانینی که جنبه ثابت مکتب و نظام اقتصادی را تشکیل می‌دهد و تغییر و تبدیل در آن راه ندارد؛

2. احکام و قوانینی که به وسیله پیامبر ﷺ یا ولی امر (دولت)، متناسب با شرایط و مقتضیات صادر شده و برای زمان‌ها و مکان‌های مختلف ثابت و لایتغیر محسوب نمی‌شود، اگر چه مطالعه آن‌ها به فهم اهداف و سیاست اقتصادی کمک می‌کند.

این دو دسته از قوانین مکمل یکدیگر بوده و وجود آن‌ها برای نظام اقتصادی اسلام ضروری است. احکام ثابت که جنبه ایستایی نظام را تشکیل می‌دهد، ماهیت نظام را حفظ می‌کند. بدون احکام و قوانین ثابت و لایتغیر و تنها با اتکال به آزادی نظر قانونی دولت، امکان دارد نظام‌های اقتصادی کاملاً متضادی به وسیله دولت طراحی و همه نیز با عنوان اقتصاد اسلامی معرفی شوند. وجود این احکام ثابت باعث می‌شود که اصول نظام اقتصادی اسلام و چارچوب آن محفوظ بماند.

احکام متغیر نیز جنبه پویایی نظام را تشکیل می‌دهد. به کمک این قوانین و براساس اصل آزادی نظر قانونی، دولت می‌تواند با توجه به احکام ثابت برای حفظ منافع عمومی و مقابله با شرایط و مسائل جدید تصمیم‌گیری کند. بدون احکام متغیر و آزادی نظر قانونی دولت،

و به عنوان برنامه قطعی و همیشگی عبارت است، از مقاومت در برابر هر نوع مداخله دولت که ضرورت خاص آن به ثبوت نرسیده باشد، به ویژه استقامت در برابر سیاست به اصطلاح حمایت و سرپرستی دولت.»

«آزادی اقتصادی، اصطلاحی است که اغلب برای بیان آزادی دادوستد و سرمایه‌داری بازار به کار می‌رود.»

«آزادی عمل و آزادی عبور، دو شعار سیاست اقتصادی و تجارت داخلی و خارجی فزاینده‌ها بود. مفهوم شعار آزادی عمل، این است که افراد در کار و انتخاب مشاغل و حرفه، آزاد باشند و مقررات و نظامات مزاحم اصناف و دولت، حذف شود. شعار آزادی عبور، شعار آزادی تجارت داخلی و خارجی و شعار حذف سدهای گمرکی و لغو قوانین مزاحم بازرگانی بود.»

مداخله دولت در اقتصاد نظام سرمایه‌داری

مهم‌ترین عواملی که مداخله دولت را در فعالیت‌های اقتصادی ایجاب کرد، چهار عامل است:

1. **بحران‌های اجتماعی** که نارضایتی عمومی، اعتصابات و تظاهرات را به همراه داشت و ریشه آن در شرایط نامطلوب اقتصادی بود؛

2. **بحران‌های اقتصادی** که برخلاف گذشته دیگر به مفهوم قحطی و خشک‌سالی نبود بلکه به رغم تولید انبوه، به سبب پایین آمدن درآمد اکثریت مردم، امکان فروش تولیدات وجود نداشت. علاوه بر این بحران‌های اقتصادی جهانی و پدیدار نیز در کنار بحران‌های ادواری به وجود آمد؛

3. **عدم کفایت مکانیسم بازار** برای مقابله با بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و ناتوان بودن آن از ایجاد تعادل اقتصادی؛

4. **عامل خارجی جنگ** که در هر حال، دخالت بیشتر دولت را در فعالیت‌های اقتصادی باعث می‌شود و رهبری اقتصادی دولت را، به خصوص در زمینه تخصیص منابع بازرگانی خارجی و سیستم جیره بندی به وجود می‌آورد.





از آن جا که آزادی مطلق اقتصادی با طبیعت اولیه انسان ها سازگار است محدودیت آن، مانع تحقق منافع جامعه است. مهمترین عامل محرك فعاليت های اقتصادی، نفع شخصی است.

«اگر افراد در كسب نفع شخصی آزاد گذاشته شوند و هر فرد بتواند بدون مانع، نفع شخصی خود را تأمین کند، آنگاه منافع اجتماع هم به بهترین شكل حاصل خواهد شد؛ زیرا اجتماع، چیزی جز مجموع افراد تشکیل دهنده آن نیست. بنابراین، منافع فرد و اجتماع، هم آهنگ و هم سوست. برخورد نیروها و منافع افراد در بازار رقابتی موجب ایجاد هم آهنگ اقتصادی و ایجاد تعادل می شود. این همان دست نامرئی است که به اعتقاد "اسمیت" بازار را تنظیم می کند و به كمك مكانیسم قیمت ها، آنرا به سوی تعادل می کشاند.»

در این راستا کسانی هم چون "استوارت میل" با اتکا به منافع شخصی، تعارض منافع افراد را با یکدیگر صوری می دانند و معتقد اند که در ورای آن ها هم آهنگی واقعی وجود دارد. وی ضمن مخالفت با محدود کردن آزادی های فردی، در سه دلیل برای مخالفت با مداخله دولت در فعالیت های اقتصادی ارایه می کند.

«فردگرایی» میل، نه فقط ملهم در نظر گرفتن حقوق فرد است، بلکه هم چنین بر این باور استوار است که پدیدآورندگان پیشرفت اجتماعی، نه گروه ها و اجتماعات که افرادند: «ابتکار کلیه چیزهای بدیع و خردمندانه به دست افراد انجام گرفته و باید بگیرد و عموماً برای نخستین بار، يك نفر این کار را انجام داده است.

از منظر اسلام، «سودطلبی» به عنوان يك انگیزه مهم در تلاش مسلمانان، مورد تأیید قرار گرفته و آن را به عنوان يك سنت الهی در آفرینش انسان پذیرفته است، به طوری که «حب ذات»، انگیزه قوی و مؤثری در فعالیت ها و اقدامات گوناگون اقتصادی او معرفی شده است و برای

توان مقابله با مشکلات و مسائل جدید اقتصادی را نخواهد داشت. از مجموعه احکام و مقررات در خصوص آزادی های اقتصادی نتیجه می گیریم:

آزادی اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام نامحدود نیست، بلکه برخلاف نظام اقتصاد سرمایه داری، برای جلوگیری از گناه و مختل شدن نظم اجتماعی محدود است. محدودیت های آزادی اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام مانند نظام سرمایه داری مقرراتی در پی فشار و تحت تاثیر شرایط ویژه شکل نگرفته و از همان ابتدا بر مبنای جهان بینی اسلام و مقررات در زمینه های مختلف وجود داشته است.

آمیزش احکام و دستورهای اقتصادی اسلام با اعتقاد درونی افراد، باعث شده است که محدودیت های آزادی فردی به صورت تحمیل و فشار احساس نشود و تاثیر منفی در ساختار انگیزشی نداشته باشد، بلکه زمینه اقدامات مفید و گستردهای را مانند وقف، انفاق و احسان فراهم سازد و مانع بروز تضاد طبقاتی شود.

شناختن وجود حقیقی برای جامعه باعث نشده است که مانند نظام سوسیالیستی، آزادی اقتصادی افراد سلب شود؛ زیرا در اسلام برخلاف این نظام، اعتقاد به اضمحلال (نابودی) فرد در جامعه وجود ندارد.

در نتیجه نمی توان محدودیت آزادی های اقتصادی در نظام اسلام را محصلول ترکیب یافته ای از دو نظام اقتصادی سرمایه داری و سوسیالیستی به حساب آورد.

بررسی مقایسه نظریه های طرفداران نظام سرمایه داری با اسلام

ما این دلایل را در سه دلیل زیر خلاصه کرده و پس از تبیین آن ها به بررسی و نقد هر يك می پردازیم:

دلیل اول: افراد به طور طبیعی (طبیعت اولیه انسان ها) دنبال حداکثر کردن نفع و سود شخصی می باشند و تأمین منافع افراد، به معنای تأمین مصالح جامعه است و





می‌اندیشد، چه چیز مانع از این می‌شود که برای رسیدن به امیال خود و رفع نیازهایش، جوامع دیگر را غارت نکرده و به نفع خود به زنجیر کشاند."

دلیل دوم: آزادی اقتصادی با ایجاد انگیزه فردی و رقابت آزاد، رشد تولید و رفاه جامعه را به ارمغان می‌آورد. آزادی اقتصادی، نه تنها هم‌چون نظام اقتصاد سوسیالیستی انگیزه‌های فردی را در عرصه‌های مختلف اقتصادی از بین نمی‌برد؛ بلکه با ارج نهادن به آن‌ها بر بالندگی تلاش انسان‌ها و رقابت آزاد آن‌ها در کسب حداکثر سود، با کمترین هزینه تأکید می‌ورزد. نتیجه چنین فرآیندی، افزایش کیفی و کمی تولید و کاهش سطح قیمت‌ها بدنبال فزونی تولید و در نتیجه افزایش رفاه عمومی است. "اسمیت"، آزادی رقابت را نتیجه منطقی اصل آزادی طبیعی می‌دانست:

"هر فرد مادامی که قوانین عدالت را نقض کند، کاملاً آزاد است تا منافع خویش را به روش خویش دنبال کند و صنعت و سرمایه‌اش را به رقابت یا صنعت و سرمایه هر فرد دیگر، با مجموعه‌ای از افراد دیگر وارد کند."

"اسمیت" تأکید دارد که کار برای منافع اجتماعی غیر مفید است. البته از فضایی سخن می‌گوید که ضوابط حقوقی، اخلاقی و اجتماعی آن نسبت به عملکرد سیستم آزادی طبیعی سازگار باشد. تنها در چنین شرایط و فضای سازگاری است که نظریات خود را دارای کاربردی مطلوب می‌داند.

در نظام اقتصادی اسلام، انسان اعم از مصرف کننده یا تولید کننده، از هر نوع قید و محدودیتی آزاد می‌باشد و فقط مقید به ضوابط و قواعدی است که او را به خداوند ﷻ پیوند می‌دهد. نظام اقتصادی اسلام، دارای این آزادی است که درآمد حاصل از عرضه منابع تولیدی خویش که به صورت فرد و یا اجاره و یا سود به دست می‌آورد و یا سایر

حل مشکل تعارض بین منافع شخصی و اجتماعی، تفسیر گسترده‌ای از «سود» ارائه داده، به طوری که دیگر محدود به لذت شخصی و امور مادی نبوده و شامل امور معنوی و انگیزه‌های که او را به آخرت پیوند می‌دهند، نیز می‌شود.

قرآن در بیان ویژگی‌های انسان می‌فرماید: ترجمه: «انسان به حسب طبع اولیه تا جایی که خود را نیازمند احساس کند، گاهی به مصالح دیگران هم فکر می‌کند؛ ولی اگر خود را بی‌نیاز ببیند، طغیان و سرکشی می‌کند» «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ أَكْفَرُ» (علق: آیات ۶ و ۷) انسان قبل از فراگیری تعلیمات الهی و عمل به آن‌ها، این چنین است. اسلام با تعلیم و تربیت انسان‌ها و تفهیم آن‌ها مبنی بر عدم حصر منافع در منافع مادی و دنیوی، منافع اجتماعی را به عنوان يك قید الزامی و باور دینی برای منافع شخصی مسلمانان قرار داده و با ارائه معنای وسیعی از «سود» که شامل امور معنوی نیز می‌شود، نظام اقتصادی اسلام را چنان تربیت نموده که براساس آن، گاه از منافع مسلم شخصی‌اش به نفع دیگران چشم‌پوشی می‌کند و این علی‌القاعده، صفت هر مسلمان عادی است، گرچه عده‌ای از منافع عمومی غافل اند. چنانکه در نقطه مقابل، عده‌ای با تقدیم مال و حتی جان عزیز خود، آگاهانه خود را فدای اسلام و منافع مسلمانان می‌کنند.

«صدر» در رد نظریه هم‌سویی منافع افراد و جامعه می‌نویسد:

"اگر فرض کنیم و بپذیریم که انگیزه‌های شخصی به تنهایی مصالح عموم جامعه را تضمین کنند، آیا این نظریه می‌تواند درباره مصالح جوامع مختلف مطرح باشد؛ به طوری که با تأمین مصالح جامعه سرمایه‌داری، مصالح سایر جوامع انسانی نیز تأمین شود؟ وقتی نظام اقتصاد سرمایه‌داری به دور از هر تقید اخلاقی، تنها به منافع خود





نتیجه گیری

نظام اقتصادی نیز یکی از زیر نظام های نظام اجتماعی است. کلمه «اقتصادی» اشاره به بُعد خاصی از رفتارها و روابط مردم دارد که بر اساس محاسبه هزینه و فایده و به منظور تأمین معاش انجام می گیرد. اهداف کلان نظام اقتصادی می تواند عدالت اقتصادی، استقلال، رفاه عمومی و رشد و توسعه اقتصادی و اموری از این قبیل باشد. البته تفسیر و رتبه بندی این اهداف در نظام های مختلف، بر اساس مبانی اعتقادی و ارزشی آن متفاوت است.

در نظام اقتصادی اسلام، مداخله دولت در فعالیت های اقتصادی به نظارت بر حسن اجرای احکام و قوانین محدود نمی شود. دولت هم چنین می تواند برای تنظیم امور اقتصادی به وضع مقررات بپردازد و در زمینه هایی که حرمت و لزوم آن صریحاً اعلام نشده، تصمیم گیری کند. به این ترتیب اگر امر مباحی را در دولت اسلامی به عنوان دستور دومی ممنوع کند، آن امر مباح ممنوع اعلام می شود و در صورتیکه انجام آن را توصیه کند، واجب می شود.

در نظام اقتصادی اسلام، انسان، اعم از مصرف کننده یا تولید کننده، از هر نوع قید و محدودیتی آزاد می باشد و فقط مقید به ضوابط و قواعدی است که او را به خداوند ﷻ پیوند می دهد. نظام اقتصادی اسلام، دارای این آزادی است که درآمد حاصل از عرضه منابع تولیدی خویش که به صورت فرد و یا اجاره و یا سود به دست می آورد و یا سایر درآمدها و ثروتی را که دارد، بعد از آنکه حقوق شرعی آنرا پرداخت، صرف کلیه مواردی که به نظر او لازم و یا ضروری است و یا به نوعی باعث ایجاد مطلوبیت برای او می شود به نماید و در این ارتباط، هیچ محدودیتی که مخل آزادی او باشد، جز محدودیت های شرعی و اخلاقی

درآمدها و ثروتی را که دارد، بعد از آن که حقوق شرعی آن را پرداخت، صرف کلیه مواردی که به نظر او لازم و یا ضروری است و یا به نوعی باعث ایجاد مطلوبیت برای او می شود به نماید و در این ارتباط، هیچ محدودیتی که مخل آزادی او باشد، جز محدودیت های شرعی و اخلاقی و احیاناً محدودیت های که حاکم اسلامی بنابر مصالح عمومی وضع می کند، متصور نیست.

بدیهی است انسان مؤمن که در فضایی از اندیشه و قلمرو دینی، زندگی خود را سامان می دهد و به اصل وحدت و یکپارچگی هستی و هم چنین مسئولیت متقابل موجودات ایمان دارد، مصادیق هزینه خویش را ناسازگار با باورها و عقاید خود گزینش نمی نماید و لذا در عین آزادی و حریت، نحوه هزینه درآمدهایش جهت دار و در راستای تحقق آرمان ها و اندیشه های دینی اش خواهد بود.

مفهوم کلمات

مضاربه: معامله ای که در آن، سرمایه ای برای تجارت در اختیاری دیگر قرار می دهند و سود آن را طبق توافق قبلی تقسیم می کنند.

مساقات: در کار زراعت یا پرورش درخت، طبق قراردادی با هم شرکت کردن و حاصل آنرا بین خود تقسیم کردن.

مزارعه: عقدی که در آن، صاحب زمین، زمین خود را به کسی دیگر واگذار می کند که در آن زراعت کند و حاصل آن را میان خود تقسیم کنند.

اجاره: ملک یا مالی را به مدت معینی در اختیار کسی گذاشتن در برابر دریافت بهای تعیین شده. جعاله: مزد.

وقف: آنچه را کسی از ثروت خود جدا می کند که در کارهای عام المنفعه از آن استفاده کند.

انفاق: دادن یا بخشیدن مال به کسی.

اضمحلال: نابودی.





د ۳۵ ص پاتې برخه:

ملگری دی، حتی که ځینې یې د دښمن د شکنجې او تکلیفونو له امله په شهادت ورسیري، لوی خدای ﷻ هغوی ته د ارتداد له گناه، نافرماني له ضرر او د ظالمانو له دوستۍ نجات ورکړی دی.

په ترینګلو حالاتو کې د لمونځ ترسره کولو د حکم د څرنگوالي په اړه دیني علما، فقها او ائمه اربعه درایو اختلاف لري، چې مونږ یې لنډیز دلته وړاندې کوو: د حنفي علماوو له نظره د جګړې یا ویرې په حالت کې لمونځ لازم نه دی، دا په دې معنی هم نه دی، چې بیخي لمونځ ترک شي، بلکې په دې معنی، چې وروسته باید ترسره شي؛ ځکه د جګړې په حالت کې لمونځ فاسدیري. امام مالک، ثوري، اوزاعي، شافعي او نور علما (رح) په دې باور دي، چې جنگېدونکي، مجاهد او نور باید په هر ډول، چې وي لمونځ ترسره کړي، د ابن عمر (رض) په قول که ویره له حده ډېره وي، شخص کولای شي په ولاړه او یا په اشاره لمونځ وکړي. خدای ﷻ د سورة البقره په (۲۳۹) ایت کې فرمایلي دي: [فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَدْكُوا لِلَّهِ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ].

بقره ﴿۲۳۹﴾

ژباړه: [که (له دښمن، د اړونکو ځناورو یا بل خطر) څخه ویره لرئ، (لمونځ) پیاده یا په سورلی کې وکړئ او کله، چې مو امنیت ترلاسه کړ، خدای ﷻ په (لمونځ کولو) سره یاد کړئ، هغه لمونځ، چې د دین له نورو عملونو سره پرې تاسو پوهه نه درلوده او تاسو ته یې وښود].

لمونځ د اسلام له لویو ارکانو څخه یو لوی رکن دی، او پر هر عاقل او بالغ مسلمان فرض او واجب دی، چې په هیڅ عذر سره له مسلمان نه پاتې کیږي، د اسلام مبارک دین په ترینګلو حالاتو او نورو مواردو کې د اسانۍ او سختۍ لړۍ کولو په پار احکام تغیر کړي؛ تر څو مسلمان په ستونزو کې گیر پاتې نشي.

په پای کې بهرنیو حالاتو، وېرې، مریضۍ، سفر او نورو کې د لمونځ حکم دا دی، که لمونځ کوونکی له داسې حالاتو سره مخ شي، خپل لمونځ دې د حنفي فقهې په رڼا کې ادا کړي.

ژباړه: الفت خلیل

و احياناً محدودیت‌های که حاکم اسلامی بنابر مصالح عمومی وضع می‌کند، متصور نیست. بدیهی است انسان مؤمن که در فضایی از اندیشه و قلمرو دینی، زندگی خود را سامان می‌دهد و به اصل وحدت و یکپارچگی هستی و همچنین مسئولیت متقابل موجودات ایمان دارد، مصادیق هزینه خویش را ناسازگار با باورها و عقاید خود، گزینش نمی‌نماید و لذا در عین آزادی و حریت، نحوه هزینه درآمد هایش جهت دار و در راستای تحقق آرمان‌ها و اندیشه‌های دینی‌اش خواهد بود.

منابع

۱. قرآنکریم، سوره حجات آیات (۲۸ و ۲۹)، سوره ملک آیات (۳ و ۴)، سوره بقره آیه (۲۵۵)، سوره انبیاء آیه (۶۹)، سوره اعراف آیه (۹۶) و سوره طلاق آیات (۲ و ۳).
۲. عثمانی مدظله، علامه محمد تقی، اقتصاد اسلامی، ترجمه، رعایت الله روانبر؛ واصف، انتشارات صدیقی، زاهدان، خیابان خیام، مجتمع فرهنگی مکی، سال ۱۳۸۸ هـ ش.
۳. کوهستانی، انور، نظام اقتصادی، کتابخانه الکترونیکی امین، سال ۱۳۹۶ هـ ش.
۴. اسمیت، ادم، ثروت ملل؛ ترجمه دکتر سیروس "ابراهیمزاده"، انتشارات پیام، تهران، سال ۱۳۹۷ هـ ش، ۱۷۷۶ میلادی.
۵. تفضلی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا دوره معاصر)، چاپ غزال، تهران، سال ۱۳۸۳ هـ ش.





تاریخچه مهمات خوشه‌ای

به ادامه گذشته

بیش از (۳۰) درصد این افراد را کودکان تشکیـل می‌دهند. براساس آمار منتشره از پایگاه داده‌های ارتش امریکا، تخمین زده می‌شود که در نتیجه (۹۵۰۰) عملیات هوایی در کامبوج حدود (۸۷۰۰۰) بمب خوشه-ای شلیک شده باشد.

از دهه هفتاد و در طول دهه نود میلادی از بمب‌های خوشه‌ای در مناقشات متفاوت از جمله افغانستان، آنگولا، بوسنی و هرزگوین، چاد، چین، اتیوپی، اریتره، جزایر فالکلندیا مالویناس، کوزوو، صربستان و صحرای غربی استفاده شده است. در عراق، بین سال‌های (۲۰۰۳ و ۲۰۰۶ م) انگلستان و ایالات متحده تقریباً از (۱۳۰۰۰) بمب خوشه‌ای که تخمین زده می‌شود حاوی (۲) میلیون ریزبمب بوده باشد استفاده کردند. در سال (۲۰۰۶ م) در لبنان، نیروهای اسرائیلی از مهمات خوشه‌ای هوابرد و زمین به هوا بر علیه حزب الله استفاده کرد و حزب الله بیش از (۱۰۰) راکت خوشه‌ای نوع (۸۱-۱۲۲) میلی متری به شمال اسرائیل شلیک کرد. اخیراً نیز در مناقشات لیبیا و سوریه از مهمات خوشه‌ای استفاده شده است.

مهمات منفجره باقیمانده از جنگ چیست؟

پروتکل پنجم کنوانسیون منع استفاده از برخی سلاح‌های متعارف که در سال (۲۰۰۳ م) به تصویب رسید، بیان می‌کند که اصطلاح مهمات منفجره باقیمانده از جنگ، به مهمات منفجره عمل نکرده (UXO) و مهمات منفجره رها شده (AXO) اشاره دارد. واژه مواد (Ordnance) یک اصطلاح کلی است و سلاح‌های نظامی و مهمات را در بر می‌گیرد.

مهمات منفجره عمل نکرده یا (UXO) به مهماتی

مهمات خوشه‌ای سال‌ها پس از ماین‌های زمینی ساخته شدند. ماهیت این مواد به گونه‌ای است که باید از یک سیستم نسبتاً پیچیده پرتابی، برای پخش کردن (شلیک) آن‌ها به واسطه هواپیما، راکت‌ها و یا توپخانه استفاده کرد. یکی از دلایل ساخت این نوع مهمات این بود که بمب‌های غیر هدایت شونده هواپیماها به هیچ وجه دقت لازم را نداشتند. ریزبمب‌های که درون بمب‌ها خوشه‌ای قرار داشتند به منظور پوشش منطقه وسیع و مناسب بودن برای هدف قرار دادن اهدافی که یک بمب به تنهایی نمی‌توانست، با دقت آن‌ها را مورد اصابت قرار داد مانند نیروهای فراوان در فضای باز، قطارهای وسایط زرهی، میدان‌های هوایی ساختمان‌ها و پل‌ها جاگذاری شده بودند.

از بمب‌های خوشه‌ای اولین بار در جنگ جهانی دوم توسط آلمان و شوروی سابق استفاده شد. در سال (۱۹۴۳ م) نیروهای شوروی سابق تانک‌های زرهی آلمان را در حملات هوایی توسط بمب‌های خوشه‌ای بمباران کردند و نیروهای آلمان در (کورسک سالینت) بمب‌های پروانه‌ای (SD-1 و SD-2) بر بالای توپخانه جناح مقابل ریختند. در همان سال هواپیماهای آلمانی بیش از هزار بمب پروانه‌ای (SD-2) را در بندر (گریمزبی) انگلستان پرتاب نمودند. در دهه (۱۹۶۰ م) و اوایل دهه هفتاد میلادی در جنگ ویتنام، نیروهای آمریکایی به صورت گسترده ویتنام، لاوس و کامبوج را بمباران کردند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) پیشبنی کرده که تنها در لاوس میلیون‌ها ریزبمب عمل نکرده وجود دارد و تاکنون حدود (۱۱۰۰۰) نفر به واسطه این بمب‌های منفجر نشده کشته و یا مجروح شده‌اند.



چالش برانگیز و اغلب طاقت فرسا اما در عین حال جذاب و خدایسندانه است و می تواند تفاوت واقعی در زندگی مردمی ایجاد کند که در کشورهای آلوده زندگی می کنند ماین های زمینی تلکی های انفجاری هستند که توسط قربانیان فعال می شوند، چه هدف انسان باشد یا وسیله نقلیه. ماین ها حاوی مقدار ماده منفجره است که در یک محفظه عمدتاً (فلزی، پلاستیکی یا چوبی) قرار گرفته و دارای میکانیزم فونی های برای منفجر کردن ماین که توسط انواع وسیعی از میکانیسم های شامل فشار، کشش، قطع کشش، قومانده الکتریکی، ریموت کنترل فعال می شوند، می باشد. ماین های زمینی عموماً به دو دسته تقسیم میشوند.

ماین ضد تانک (وسایط)

ماین ضد پرسونل.

در جنگ جهانی دوم از ماین های ضد پرسونل و ضد تانک به صورت انبوه استفاده شد. بر اساس گزارش سازمان اطلاعاتی ارتش ایالات متحده، بیش از (۳۰۰) میلیون ماین ضد تانک در جنگ استفاده شد که تعداد (۲۲۰) میلیون آن توسط شوروی سابق به کار گرفته شده و تا دهه (۱۹۹۰م) بیش از (۶۰۰) نوع ماین زمینی ساخته شده بود. بمب های خوشه ای برای اولین بار در جنگ جهانی دوم توسط آلمانی ها و شوروی سابق استفاده شد.

منابع:

- مرکز بین المللی ماینزدایی (پاک کننده) بشر دوستانه ژنو (GICHD)؛

- کتاب معرفی مبارزه با ماین Guide to mine action inside FA

کتاب تکنیشن ای اودی ریاست انجیری ستردرستیز وزارت دفاع ملی امارت اسلامی افغانستان.

مانند آن) که مورد استفاده قرار گرفته (شلیک شده) اما برخلاف نیت از پیش تعیین شده منهدم نشده باشند، اشاره دارد. فیصدی عدم انفجار ممکن است کمتر از (۱ تا ۲) درصد یا بیشتر از (۳۰ تا ۴۰) درصد باشد که این امر به عوامل مختلفی بستگی دارد؛ مانند: کیفیت ساخت، عمر سلاح، شرایط نگهداری، شیوه استفاده و شرایط زیست محیطی.

مهمات منفجره ها شده یا (AXO) به مهمات منفجره های اشاره دارد که در طی مناقشه نظامی استفاده نشده است، ولی یکی از طرفین درگیری آن ها را جا گذاشته یا دیپو کرده و دیگر تحت کنترل نیروهایی که آن ها را جا گذاشته و یا دیپو کرده، نیستند. مهمات منفجره ها شده ممکن است برای شلیک آماده، چارج گذاری، مسلح شده یا نشده باشند و یا به گونه ای دیگر برای استفاده آماده شده باشند



مهمات منفجره باقیمانده از جنگ (لاووس)

نتیجه

افق مبارزه با ماین به مرور زمان در حال تغییر است. این افق در روزهای نخستین تنها بر ماین های زمینی متمرکز بود، اما بعد از مدتی بنابر تلفات و نیاز مشخص شد. باید به دیگر انواع مهمات منفجره نیز پرداخته شود و معلوم شد، مردم تحت تأثیر نیاز به آموزش خطرات ناشی از مهمات منفجرناشده دارند و قربانیان محتاج کمک هستند.

مبارزه با ماین مجموعه ای از فعالیت های پیچیده،



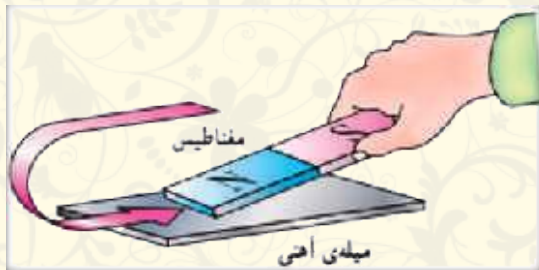


مقناطیس و الکترو مقناطیس

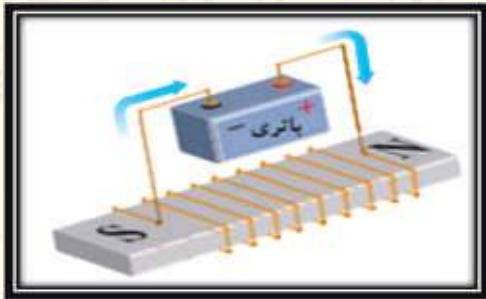
به ادامه گذشته

روش های به وجود آوردن خاصیت مقناطیسی آهن ربا
(آهن ربا های مصنوعی)

ساخت آهن ربا ی مصنوعی به دوروش امکان پذیر است
مالش مقناطیسی: هنگامی که جسم مقناطیس شده
به سطح یک آهن مقناطیس نشده طبق شکل مالش داده
شود، میدان مقناطیسی، مولیکول های آهن را مرتب
می کند و آهن مقناطیسی می شود.



جریان الکتریکی: اگر سیمی را به دور یک قطعه آهن
مقناطیس نشده بی پیچیم و دو سر آنرا به یک منبع ولتاژ
(DC) وصل کنیم، جریان الکتریکی میدان مقناطیسی
تولید می کند و باعث منظم شدن مولیکول های مقناطیسی
آهن می شود. (شکل ۵) چگونگی تولید قطعه ی مقناطیسی
به وسیله ی جریان الکتریکی (DC) را نمایش می دهد.

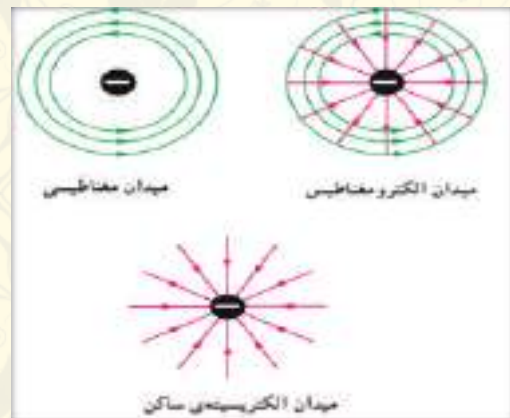


اگر یک جسم مقناطیس شده خاصیت مقناطیسی خود را
برای مدت طولانی حفظ کند، به آن مقناطیس دائمی
می گویند و اگر خاصیت مقناطیسی خود را به سرعت از
دست بدهد، مقناطیس موقتی نام دارد.

اگر سیم ساده را به شکل حلقه در آوریم، مقدار مقناطیس
نیز بیشتر می شود.

میدان الکترو مقناطیسی

نیروهای الکتریکی و مقناطیسی به یکدیگر مربوط اند
ولی کاملاً با هم تفاوت دارند. نیروهای مقناطیسی و
نیروهای الکتروستاتیک تا هنگامیکه حرکتی وجود
نداشته باشد، بر یکدیگر بی اثراند. ولی در صورتیکه میدان
نیروی هر یک از آنها متحرک باشد، اثرات متقابل بر همدیگر
می گذارند؛ چون الکترون کوچکترین جزء هر اتم است.



برای تشریح رابطه بین الکتریسیته و مقناطیس نظریه ای
به وجود آمده است که به آن نظریه ی الکترو مقناطیسی
می گویند. می دانیم که الکترون دارای بار منفی است،
این بار خطوط نیروی الکتریکی تولید می کند که از تمام
جهت به الکترون وارد می شوند. بار گردنده نیز به علت
حرکت وضعی، در اطراف خود، میدان مقناطیسی تولید
می کند. این میدان به صورت دوایر هم مرکز در دور
الکترون نشان داده می شود. در هر نقطه، خطوط نیروی
الکتریکی و خطوط نیروی مقناطیسی بر یکدیگر
عموداند. به ترکیب این دو میدان، میدان الکترو
مقناطیسی می گویند.



تغییرات این جریان، دیافراگم از قطب‌ها دور یا به آن‌ها نزدیک می‌شود. این عمل فشار هوای مقابل دیافراگم را تغییر می‌دهد و متناسب با تغییرات به‌وجودآمده انرژی صوتی به‌وجود می‌آید.

نتیجه‌گیری

خداوند قادر و توانا هیچ موجودی را چه حیه باشد چه غیر حیه، هدر و بی‌هوده خلق نکرده است؛ بلکه عناصر و مواد مفیدی در طبیعت وجود دارد که در اثر تحقیقات دانشمندان یکی پی دیگر کشف و شناسایی می‌گردند، که در متن فوق راجع به مقناطیس و الکترومقناطیس به‌ترتیب مورد بحث قرار داده‌ایم. امیدواریم موضوع انتخاب‌شده مورد دل‌چسپی خوانندگان گرامی قرار گیرد. دانشمندان علم فزیک از مقناطیس در ابعاد چون گوشه‌های مخایره، بلندگوها، زنگ درب منازل، موتورهای الکتریکی، قطب‌نماها و غیره استفاده نموده‌اند. چند نکته‌ی ضروری‌ایکه در جریان استفاده از وسایل مقناطیسی و الکترومقناطیسی باید مدنظر گیریم عبارت‌اند از: آهن‌را به‌چشم و سر خود نزدیک نکنیم و هم‌چنان به‌دهن خود داخل نکنیم. هیچگاه به‌وسایل الکترومقناطیسی ضربه وارد نکنیم؛ زیرا ما دانستیم که ضربه‌زدن باعث از دست‌دادن خاصیت مقناطیسی مواد می‌گردد.

مآخذ

وزارت معارف، فزیک صنف دهم، (۱۳۹۰ ه.ش)؛
قیطرانی، مهندس فریدون؛ احمدی، مهندس عین‌الله؛ مظفری، مهندس حسین؛ همتائی، مهندس محمود و تجلی‌پور، مهندس محمود. مبانی برق، خیابان ایرانشهر شمالی، تهران، چاپ دوازده (۱۳۹۱ ه.ش)؛
صموتی، مهندس سید محمود؛ رضازاده، مهندس یدالله؛ نصیریسواد کوهی، مهندس شهرام و شبانی، محمود. مبانی مخابرات و رادیو، خیابان ایرانشهر شمالی، تهران (۱۳۹۱ ه.ش)؛
نادری، پوهاند زلمی، فزیک عمومی، چاپ مطبعه ریاست مخابره، وزارت دفاع، سال (۱۳۹۵ ه.ش)؛
الکترومقناطیس، ویکی‌پدیا، آخرین ویرایش (۳۱ مارچ ۲۰۱۸ میلادی).

آهن سخت و فولاد مقناطیس‌های دایمی خوبی هستند. آهن نرم برای مقناطیس‌های نرم به‌کار برده می‌شود.

روش‌های از بین بردن خاصیت مقناطیسی آهن‌ربا

برای از بین بردن خاصیت مقناطیسی یک آهن‌ربا باید مولیکول‌های مقناطیسی آنرا دوباره به‌صورت نامرتب درآوریم تا میدان‌های‌شان در خلاف جهت یکدیگر قرار گیرد. این عمل به سه روش انجام می‌گیرد:

۱- ضربه سخت؛ ۲- گرما؛ ۳- جریان الکتریکی متناوب. **ضربه‌ی سخت:** اگر به یک آهن‌ربا ضربه‌ی سختی وارد کنیم، نیروی واردشده مولیکول‌ها را به‌شدت تکان می‌دهد و باعث به‌هم‌خوردن نظم و ترتیب آن‌ها می‌شود. گاهی اوقات لازم است ضربه را چندبار وارد کنیم.

گرما: اگر آهن‌ربا را گرم کنیم، انرژی حرارتی باعث نوسان مولیکول‌های مقناطیسی می‌شود و ترتیب‌شان را به‌هم می‌زند.

جریان الکتریکی متناوب (AC): اگر مقناطیس را در میدان مقناطیسی قراردهیم که جهت آن به‌سرعت تغییر می‌کند، نظم مالیکول‌ها به‌هم می‌خورد؛ زیرا مالیکول‌ها می‌خواهند از میدان پیروی کنند. میدان مقناطیسی متناوب را می‌توان به‌وسیله‌ی یک جریان متناوب تولید کرد.

گوشی الکترومقناطیسی

یکی از انواع گوشه‌های که در تلیفون به‌کار می‌رود، گوشه الکترومقناطیسی نام دارد. این گوشه از یک آهنربای (U) مانند که روی هر یک از قطب‌های آن سیم‌پیچی شده است، تشکیل می‌شود. به‌فاصله‌ی کمی از قطب‌ها دیافراگم نازکی از جنس آهن نرم قرار دارد. در حالت عادی به‌سبب وجود آهن‌ربای دائمی، دیافراگم قدری به‌طرف قطب‌های آهن‌ربا متمایل می‌شود.

هنگامیکه جریان متغیری از سیم‌پیچ‌ها بگذرد، متناسب





تأثیرات هوش مصنوعی بر آینده جهان

به ادامه گذشته

در آینده انتظار می‌رود که این فن‌آوری به طور گسترده‌تری در وسایل نقلیه اتوماتیک، سیستم‌های امنیتی و حتی در مدیریت زمان و برنامه‌ریزی خصوصی مورد استفاده قرار گیرد.

- اقتصاد: هوش مصنوعی می‌تواند به بهبود بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها در صنایع مختلف کمک کند. با اتوماسیون فرآیندها و استفاده از الگوریتم‌های پیشرفته برای تحلیل دیتا، شرکت‌ها می‌توانند تصمیمات بهتری بگیرند و به سرعت به تغییرات بازار پاسخ دهند. این تغییرات می‌توانند منجر به ایجاد شغل‌های جدید و هم‌چنین از بین رفتن برخی مشاغل سنتی شوند.

- آموزش: در بخش آموزش، هوش مصنوعی می‌تواند به خصوصی‌سازی فرآیند یادگیری کمک کند. با استفاده از سیستم‌های یادگیری هوشمند، استادان می‌توانند به نیازهای خاص هر محصل پاسخ دهند و برنامه‌های آموزشی را بر اساس توانایی‌ها و علایق آن‌ها تنظیم کنند. این امر می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش و افزایش انگیزه متعلمین و محصلین منجر شود.

- طب: در صنعت طب و صحت، هوش مصنوعی می‌تواند به تشخیص زودهنگام امراض، تحلیل دیتاهای طبی و ارائه درمان‌های خصوصی‌سازی شده کمک کند. با استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشین، پزشکان می‌توانند الگوهای امراض را شناسایی کرده و درمان‌های مؤثرتری ارائه دهند.

دنیا با هوش مصنوعی به سمت تغییرات عمده‌ای در حال حرکت است. این فن‌آوری می‌تواند زندگی ما را بهبود بخشد، اما هم‌چنین نیازمند مدیریت هوشمندانه و مسئولانه است تا از مزایای آن بهره‌مند شویم و

چالش‌های آن را به حداقل برسانیم. آینده‌ای که در آن هوش مصنوعی نقش کلیدی دارد، می‌تواند به ما کمک کند تا به اهداف بزرگتری دست یابیم و کیفیت زندگی را ارتقا دهیم.

فرصت‌ها

- بهبود بهره‌وری: هوش مصنوعی می‌تواند به اتوماسیون فرآیندها و کاهش زمان لازم برای انجام کارها کمک کند. این امر می‌تواند به افزایش بهره‌وری در صنایع مختلف منجر شود.

- تحلیل دیتاهای بزرگ: با استفاده از الگوریتم‌های پیشرفته، هوش مصنوعی قادر است دیتاهای بزرگ را تحلیل کرده و الگوهای مخفی را شناسایی کند. این قابلیت می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های بهتر در کسب‌وکارها و سازمان‌ها کمک کند.

- خصوصی‌سازی خدمات: هوش مصنوعی می‌تواند به ارائه خدمات خصوصی‌سازی شده در بخش‌های مختلف مانند آموزش، طب و بازاریابی کمک کند. این امر می‌تواند تجربه کاربری را بهبود بخشد و رضایت مشتریان را افزایش دهد.

- پیشرفت در طب و بخش صحت: هوش مصنوعی می‌تواند به تشخیص زودهنگام امراض و ارائه درمان‌های مؤثرتر کمک کند. این فناوری می‌تواند به بهبود کیفیت خدمات طبی و کاهش هزینه‌ها منجر شود.

- ایجاد شغل‌های جدید: با ظهور فن‌آوری‌های جدید، فرصت‌های شغلی جدیدی نیز به وجود می‌آید. مشاغل مرتبط با توسعه، مدیریت و نگهداری سیستم‌های هوش مصنوعی در حال افزایش است.





چالش‌ها

حل کند، اما این امر مستلزم همکاری تمامی ذی‌نفعان است. تأثیرات آن بر جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عمیق است و نیاز به بررسی تأثیرات آن بر روابط انسانی و ارزش‌های اجتماعی وجود دارد. هم‌چنین توسعهٔ چارچوب‌های اخلاقی و آموزشی برای توانمندسازی افراد، ضروری است؛ تا از پتانسیل‌های هوش مصنوعی به خوبی بهره‌برداری شود.

پیشنهادهات

آیندهٔ هوش مصنوعی نیازمند بررسی عمیق و توجه ویژه است. این فن‌آوری در نقش‌های مختلفی مانند، استاد و دستیار به افراد کمک می‌کند و توانایی بازسازی فرایند تفکر انسانی را دارد. تحقیقات بیشتری در زمینهٔ کاربردهای جدید هوش مصنوعی در صنایع مختلف ضروری است تا بهبود عملکرد و کارایی حاصل شود. هم‌چنین تحلیل تأثیرات اجتماعی و فرهنگی هوش مصنوعی بر روابط انسانی و توسعهٔ چارچوبی اخلاقی و قانونی برای استفاده از آن، اهمیت دارد. طراحی برنامه‌های آموزشی و تحقیق در زمینه تأثیرات زیست‌محیطی هوش مصنوعی نیز می‌تواند به حل مسائل کلیدی کمک کند و فرصت‌های جدیدی را شناسایی کند.

فهرست منابع:

- Russell, S., & Norvig, P. (2020). *Artificial Intelligence: A Modern Approach*. Pearson.
- Bostrom, N. (2014). *Superintelligence: Paths, Dangers, Strategies*. Oxford University Press.
- Brynjolfsson, E., & McAfee, A. (2014). *The Second Machine Age: Work, Progress, and Prosperity in a Time of Brilliant Technologies*. W. W. Norton & Company.
- OpenAI. (2021). *AI and the Future of Work*. (<https://openai.com/research/ai-and-the-future-of-work>)
- Proceedings of the International Conference on Artificial Intelligence (ICAI).
- IEEE International Conference on Robotics and Automation (ICRA).

- مسائل حریم خصوصی: استفاده از هوش مصنوعی در جمع‌آوری و تحلیل دیتا می‌تواند به نقض حریم خصوصی افراد منجر شود. نگرانی‌ها در مورد نحوه استفاده از معلومات و حفاظت از اطلاعات خصوصی افزایش یافته است.

- از بین رفتن مشاغل: اتوماسیون ناشی از هوش مصنوعی ممکن است منجر به از بین رفتن برخی مشاغل سنتی شود. این امر می‌تواند به بی‌کاری و نابرابری اقتصادی منجر شود.

- تبعیض و نابرابری: الگوریتم‌های هوش مصنوعی ممکن است تحت تأثیر معلومات نادرست یا تعصبات انسانی قرار گیرند. این امر می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های ناعادلانه و نابرابری‌های اجتماعی منجر شود.

- امنیت سایبری: با افزایش استفاده از هوش مصنوعی، خطرات امنیت سایبری نیز افزایش می‌یابد. هکرها می‌توانند از فن‌آوری‌های هوش مصنوعی برای حملات پیچیده‌تر استفاده کنند.

- نیاز به تنظیمات قانونی: با پیشرفت هوش مصنوعی، نیاز به قوانین و مقررات جدید برای مدیریت این فن‌آوری و حفاظت از حقوق افراد و جامعه احساس می‌شود. عدم وجود چارچوبی قانونی و مناسب می‌تواند به سوءاستفاده از فن‌آوری منجر شود.

نتیجه‌گیری

آیندهٔ هوش مصنوعی به مدیریت و استفادهٔ مسئولانه از این فناوری وابسته است. با پیشرفت‌های سریع، نیاز به برنامه‌ریزی استراتژیک برای بهره‌برداری بهتر و کاهش خطرات احساس می‌شود. هوش مصنوعی می‌تواند کیفیت زندگی را بهبود بخشد و چالش‌های جهانی را





/// فبرپانه ///

مولوی عبدالسلام حنفی معاون اداری ریاست الوزراء در دیدار با ملارحمت الله محمد اکا قوماندان قول اردوی ۲۰۹ الفتح گفت: امنیت و ثبات افغانستان نتیجه تلاش های مجاهدین و نیروهای دفاعی و امنیتی است.

در این دیدار قوماندان قول اردوی ۲۰۹ الفتح گفت: مجاهدین قول اردوی الفتح در بهترین سطح آمادگی قرار داشته، از روحیه و مورال عالی برخوردار اند و هر لحظه آمادۀ اجرای هدایات بزرگان امارت اسلامی جهت دفاع از حاکمیت نظام اسلامی، امنیت و آسایش مردم و تمامیت ارضی کشور اند.

معاون اداری ریاست الوزراء فعالیت ها و کارکردهای مجاهدین امارت اسلامی به خصوص مجاهدین قول اردوی الفتح را در خصوص دفاع از امنیت مردم و تمامیت ارضی کشور، تحسین کرد که در این راستا از هیچ گونه فداکاری دریغ نکرده و نخواهند کرد.

د جمادی الثاني په ۲۲ نېټه د پکتیکا برمل ولسوالۍ په مربوطاتو کې د پاکستانی پوځ لخوا وحشیانه بمبار وشو، چې په پایله کې یې عام ولسي خلک؛ چې ډېری یې عام وزیرستاني . مهاجرین دي په نښه شوي او د ماشومانو په گډون یو شمېر ملکي کسان پکې شهیدان او ټپیان شوي دي. د افغانستان اسلامي امارت دغه وحشیانه عمل د ټولو نړیوالو اصولو خلاف کړنه او تجاوز بولي او په کلکه یې غندي. پاکستانی اړخ باید پوه شي، چې دغه ډول خپلښتور عمل د هیڅ ستونزې حل نه دی. اسلامي امارت به دغه کرغېرن عمل بې ځوابه پرېږدي؛ بلکې د خپلې خاورې او حریم څخه دفاع خپل حق گڼي.

د ملي دفاع وزارت سرپرست مولوي محمد یعقوب "مجاهد" په کابل کې د شاهي هېواد سعودي عربستان له سفير ښاغلي فيصل بطلق البقمي سره پخپل کاري دفتر کې ولیدل، په دغه لیدنه کې د ملي دفاع وزارت سرپرست د افغانستان او عربستان اړیکې د عقیدتي او فرهنګي اړخه شریکې وبللې او د دغه هېواد له لوري یې په بېلا-بېلو برخو کې د کړې همکارۍ له امله مننه وکړه.





همدارنگه د ملي دفاع وزارت سرپرست په کابل کې د سعودي عربستان د سفارت بيا پرانستل مهم او ارزښتناک وبلل. د سعودي سفير له افغانستان سره د دوه اړخيزو اړيکو او بشري، اقتصادي او سياسي همکاريو د پراختيا په برخه کې د خپل هېواد پر ژمنتيا ټينگار وکړ.

مولوی محمد يعقوب «مجاهد»، سرپرست وزارت دفاع ملی، در دفتر کاری خود از سيدعباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران و هیأت همراه وی میزبانی کرد.

در این دیدار، سرپرست وزارت دفاع ملی با استقبال از هیأت ایرانی؛ ایران و افغانستان را دو کشور همسایه با مشترکات فراوان توصیف نمود و بر لزوم تقویت و گسترش روابط دوجانبه تأکید کرد.

وزیر امور خارجه ایران، نیز ضمن تأکید بر مشترکات میان دو کشور، بر اهمیت روابط دوستانه و همکاری های نزدیک در زمینه های مختلف تأکید نمود.

هم چنان، دو طرف بر تقویت روابط دوجانبه، همکاری های اقتصادی، سرحدات و سایر موضوعات مورد نظر گفتگو کردند.

د ۱۱۱ د ملي دفاع وزير مولوي محمد يعقوب "مجاهد" په خپل کاري دفتر کې، په کابل کې د قطر هېواد شـاررژدافير محترم مُردف القاشوطي خپل حضور ته ومانه. د ملي دفاع وزير (د قوي او تل پاتې اړيکو سربېره) د افغانستان له خلکو سره د قطر هېواد د اوږد مهاله مرستو او همکاريو ستاينه وکړه.

په دغه ليدنه کې د ملي دفاع وزير قطر د افغانستان لپاره يو دوست او همکار هېواد وباله او له دې هېواد سره يې د دوامداره اړيکو پر پياوړتيا ټينگار وکړ.

همدارنگه دواړو لورو د اقتصاد، سوداگرۍ او د دواړو مسلمانو او ملگرو هېوادونو ترمنځ د اړيکو پر لا پياوړتيا او نورو اړوندو موضوعاتو خبرې اترې او نظرونه تبادله کړل.

د هېواد د وسله وال پوځ لوی درستيز الحاج قاري محمد فصيح الدين "فطرت" او يو شمېر نورو مسوولينو د ملي دفاع وزارت په مقر کې، د مرکزي او سيمه ايزو قول اردوگانو، قطعاتو او جزو تامونو له قوماندانانو سره د وېديويي کنفرانس له لارې خبرې وکړې.

ياد کنفرانس کې د هرې قطعې مسوول پخپل وار سره د خپلې قطعې اړوند راپور او دراتلونکي لپاره پلانونه له رهبرۍ سره شريک کړل. د وسله وال پوځ لوی درستيز قوماندانانو ته د خپلو پلانونو د عملي کولو په موخه د هر اړخيزې همکارۍ ډاډ ورکړ.

د وسله وال پوځ ستر درستيز قاري محمد فصيح الدين فطرت، سرمفتش مفتي لطيف الله حکيمي، دروغتيايي چارو قوماندانۍ رهبري پلاوي، متخصصينو، او د ساحوي او مرکزي روغتيايي مرکزونو سرطبيبانو په گډون دروغتيايي چارو قوماندانۍ د طبي علومو اکاډمۍ په تالار کې علمي او مسلکي کنفرانس جوړ شو.

کنفرانس د قران کریم د څو مبارکو آيتونو په تلاوت سره پيل شو؛ ورپسې د طبي علومو اکاډمۍ قوماندان، پوهندوی ډاکټر محمد اسماعيل وردک او د بېلا-بېلو څانگو متخصصينو خپل پرېزنتېشنونه وړاندې کړل، دوی د هيوکو درملنې





لپاره په افغانستان کې د ساین سیستم د کارونې او نورو برخو کې هر اړخیز معلومات وړاندې کړل. ورپسې دروغتیای چارو قوماندان په خپلو خبرو کې وویل: (د شهیدسردار محمد داود خان په ۴۰۰ بسـتریز روغتون کې په تېرو پنځو میاشتو کې د زړه ۸۵ پیچلي عملیاتونه ترسره شوي دي، چې د دې لپاره د پرمختللو طبي وسایلو او درملو چمتووالی په میلیونونو ډالر ارزښت لري او دا د ملي دفاع وزارت لپاره یوه لویه لاسته راوړنه ده).

پای کې د وسله وال پوځ ستر درستیز قاري محمد فصیح الدین فطرت د دې روغتون د لاسته راوړنو له امله خوښي څرگنده کړه او ویې ویل: (چې د طبابت علم په یو نظام کې فرض عین دی او د افغانستان خلک نارینه او ښځینه ډاکټرانو ته اړتیا لري، هر څوک باید په لوړ همت سره خلکو ته خدمت وکړي). فطرت په یاد روغتون کې د شته ستونزو د حل ډاډ ورکړ.

د ملي دفاع وزارت درهبري په لارښوونې او د حمایي او امنیت د ټینګښت لواء له لوري یو محراب جومات د پنځه میلیونه افغانیو په لګښت سره په یادې لواء کې جوړ او د ملي دفاع وزارت د کشف او استخباراتو معینیت سرپرست حاجي حیات الله "لطیف"، د یادې لواء قوماندان حاجي محمد ابراهیم "حاجي اخند" او ګڼ شمېر نورو مسوولینو په حضور کې د قران عظیم الشان په ختم سره یې پرانیسته وشوه او ګټې اخیستنې ته وسپارل شو. دغه جومات په یو وخت سره د ۳۵۰ تنه لمونځ کوونکو ظرفیت لري، چې د پنځو میاشتو په جریان کې د مجهزې وضوء خانې په درلودلو سره یې د جوړولو چارې بشپړې شوې.

فراغت ها

د ملي دفاع وزارت د بېلا-بېلو قطعاتو او سیمه اییزو قول اردو ګانو (۱۵۱) تنه ځوان افسران د عبدالله بن مسعود (رض) د جګړه اییزو ګډوډه کړو قوماندانۍ د جګړه اییز ملاتړ او جګړه اییزو تامیناتو ښوونځیو د بېلا-بېلو څانګو له درې میاشتنيو مسلکي زده کړو څخه د یادې قوماندانۍ قوماندان مولوي نصیب الله «مدني» په حضور د یو لړ مراسمو په ترڅ کې فارغ شول.

به تعداد ۲۵۰ تن منسوبین جوان پس از سپری نمودن دور سوم آموزش های دو نیم ماهه مدیریت تعلیم و تربیه قول اردو ۳۱۳ مرکزی طی مراسمی فراغت حاصل نمودند.

به تعداد ۸۹ تن منسوبین جوان قطعات و قول اردوهای مختلف وزارت دفاع ملی پس از سپری نمودن یک دوره آموزش های سه ماهه از مکتب حمایت و تامینات محاربوی قوماندانۍ تعلیمات مشترک محاربوی حضرت عبدالله بن مسعود (رض) در بخش های مخابره، افسران بلندرتبه انجیری و بخش ستالیت طی مراسمی فارغ گردیدند.

به تعداد ۴۱۲ تن منسوبین جوان قطعات و قول اردوهای ساحوی، پس از سپری نمودن یک دوره سه ماهه آموزش های مسلکی از قوماندانۍ تعلیمات مشترک محاربوی عبدالله بن مسعود (رض) طی مراسمی فراغت حاصل نمودند.





د ستر درستیز مخابراتي او معلوماتي تکنالوژی، ریاست د پرمختللي شبکې له اووه میاشتني کورس څخه د بېلا- بېلو قطعاتو او جزو تاملونو ۲۵ تنه منسوبین د اوپراسیون رییس مولوي نور الرحمن "نصرت"، د یاد ریاست رییس مولوي صلاح الدین "خویدم" او یو شمېر نورو مسوولینو په گډون د یو لړ مراسمو په ترڅ کې فارغ شول.



به تعداد ۲۰۲ تن منسوبین جوان از قطعات و قول اردو های مختلف وزارت دفاع ملی، از مکتب قوت های محاربوی قوماندانی تعلیمات مشترک محاربوی عبدالله بن مسعود (رض) پس از سپری نمودن چهار ماه آموزش های مسلکی در بخش های حفظ و مراقبت توپ M2، M24، DC SPG-9، هاوان و کورس های پیاده سرحدی بعد از تطبیقات عملی طی مراسمی فراغت حاصل نمودند.



به تعداد ۵۳۵ تن منسوبین سرحدی قول اردو های وزارت دفاع ملی پس از سپری نمودن چهار ماه آموزش های مسلکی فوق العاده سرحدی از دوره (۵) مکتب تعلیمات اساسی عساکر، قوماندانی تعلیمات مشترک محاربوی عبدالله بن مسعود (رض) طی مراسمی فارغ گردیدند.



د ملي دفاع وزارت اړوند ۲۰۳ منصوري قول اردو په لومړۍ پلې لواء کې ۶۰۰ تنه ځوان منسوبين د درېيو مياشتنيو نظامي، مسلکي او عقيدوي زده کړو څخه فارغ شول.



پس از آموزش های نظامی و مسلکی سه ماهه، هشتمین دور فراغت ۶۰۰ تن منسوبین جوان در مرکز تعلیمی قول اردوی ۲۱۷ عمری، طی مراسمی ویژه ای برگزار شد.



د حضرت ابو عبیده بن جراح ملي دفاع پوهنتون اړوند د حضرت سعد بن ابی وقاص (رض) حربي ښوونځۍ له ۸۶ دورې څخه ۱۶۹ تنه زده کوونکي له درې کلنو مسلکي او عملي زده کړو وروسته د یو لړ مراسمو په ترڅ کې فارغ شول.



به تعداد ۷۰۰ تن منسوبین جوان از مرکز تعلیمی قول اردوی ۲۰۷ الفاروق بعد از سپری نمودن موفقانه یک دوره سه ماهه آموزش های مسلکی، نظامی و عقیدتی طی مراسمی فارغ گردیدند.



د ۲۰۵ البدر قول اردو ښوونیز مرکز څخه ۸۵۰ تنه ځوان منسوبين د درې مياشتني مسلکي، نظامي او عقيدتي زده کړو وروسته د یو لړ مراسمو په ترڅ کې فارغ شول.



به تعداد ۹۰۰ تن منسوبین جوان بعد از سپری نمودن دروس نظامی و عقیدتی سه ونیم ماهه از مرکز تعلیمی ساحوی قول اردو ۲۰۹ الفتح فراغت حاصل نمودند.



د عبدالله بن مسعود (رض) د جگړه اییزو گډوډه کړو قوماندانی اړوند د جگړه اییزو تامیناتو ښوونځي له څلورو مسلکي څانگو څخه د سیمیزو قول اردوگانو، قطعاتو او جزو تامونو ۷۷ تنه ځوان منسوبین د یو لړ مراسمو په ترڅ کې فارغ شول.



از ششمین دوره مرکز تعلیمی قول اردو ۲۱۵ عزم به تعداد (۱۰۰۰) تن منسوبین جوان طی مراسمی فراغت حاصل نمودند.



دملي دفاع وزارت اړوند ۲۰۱ خالد بن ولید (رض) قول اردو د ښوونیز مرکز له شپږمې دورې څخه د بېلا-بېلو جزو تامونو (۱۰۰۰) تنه ځوان منسوبین د مسلکي، عقیدوي او فکري زده کړو له ترلاسه کولو وروسته د قول اردو مرستیال مولوي محمد نظامي، لواگانو قوماندانانو، د شرقي زون ولایتونو والیانو، او گڼ شمېر نورو نظامي او ملکي ادارو مسوولينو په گډون د یو لړ مراسمو په ترڅ کې فارغ شول.



د حضرت ابو عبیده بن جراح ملي دفاع پوهنتون اړوند د حضرت معاذ بن جبل (رض) ملي پوځي اکاډمۍ څخه ۲۶۸ تنه ځوان افسران د څلور کلنې نظامي دورې له بشپړولو وروسته د یو لړ شانداره مراسمو په ترڅ کې فارغ شول. په یادو مراسمو کې د اسلامي امارت د کابینې یو شمېر غړو، لوړ پوړو چارواکو، گڼ شمېر مسوولينو او منسوبینو گډون کړی وو.



به تعداد ۳۰ تن منسوبین جوان وزارت دفاع ملی پس از سپری نمودن یک دوره چهار ماهه آموزش های مسلکی حقوق طی مراسمی فراغت حاصل نمودند.

د پوځي وسايطو ترميم او گټې اخيستنې ته سپارل

به تعداد ۱۳ تن منسوبین جوان بعد از سپری نمودن یک دوره آموزش های مسلکی و عملی یک ماهه در بخش موشک جدید هدایت شونده به نام کنکورس میلان (9M135) از مسلک توپچی فراغت حاصل نمودند.

در این مراسم، رئیس توپچی ستردرستیز مولوی محمد یعقوب "منصور"، قوماندان جلب و جذب، استاد دستگاه مذکور ملا صدیق الله "مستری" و تعدادی از مسئولین و منسوبین اشتراک نموده بودند.

قابل ذکر است که این موشک هدایت شونده برای نخستین بار در کشور فعال گردیده که می تواند تانک های زرهی، کشتی های جنگی و هلیکوپترهای با ارتفاع پائین را هدف قرار بدهد؛ هم چنان منسوبین تازه فارغ شده نمایش و تمثیل از این دستگاه را با اشتیاق فراوان اجرا کردند.



یک بال هلیکوپتر نوع MI-17 که در لوای هوایی قندهار از قبل، از فعالیت باز مانده و امر دیپوی آن صادر شده بود؛ با تلاش های فروان گروپ های حفظ و مراقبت، تخنیکران و انجینران مجرب لواء مذکور مجدداً ترمیم و موفقانه به پرواز درآورده شد.





به تعداد ۱۱ عراده تانک روسی محاربوی و توپخانه‌ای توسط تیم‌های تخنیک و مسلکی مدیریت تخنیک قول اردو ۲۰۷ الفاروق ترمیم و آماده استفاده قرار گرفت.

قابل ذکر است؛ در اثر سعی و تلاش تیم تخنیک و مسلکی به تعداد ۴۸ عراده تانک روسی تا هنوز ترمیم و آماده استفاده قرار گرفته شده است، رقم مجموعی تانک‌های ترمیم شده روسی در جریان سه سال گذشته به ۵۹ عراده می‌رسد.

د ۲۰۷ الفاروق قول اردو په درېیمه لواء کې د تخنیک امریت د مسلکي پرسونل په هڅوسره په تېرو درېیو میاشتو کې ۸۹ عرادي بېلا-بیل ډول پوځي وسایط ترمیم او گټې اخیستنې ته چمتو کړل.

په دغو وسایطو کې ۳۴ عرادي هاموي ټانگونه، ۳۷ عرادي انټرنیشنل، ۴ عرادي امبولانس، ۳ عرادي تیلر، یو عراده لوډر بابکت، ۲ عرادي فور کلفت، یو عراده تانکر، ۲ عرادي کرینگ، ۳ عرادي اطفایه موتر او ۲ عرادي ډمټرک شامل دي.

به تعداد ۶۵ عراده وسایط مختلف نظامی در شش ماه گذشته توسط پرسونل مسلکی آمریت تخنیک لواء دوم پیاده منصوری، قول اردو ۲۱۵ عزم ترمیم و آماده استفاده قرار داده شده است.

وسایط ترمیم شده شامل؛ ۳۰ عراده رنجر، ۱۷ عراده تانک هاموی، ۱۳ عراده انترنشنل، ۳ عراده امبولانس هاموی و ۲ عراده کرینگ می باشد.

/// کشف و ضبط انواع اسلحه ///



د ۲۰۱ خالد بن ولید (رض) قول اردو درهبري په لارښوونه او د کشف او استخباراتو په همکارۍ د کونړ او نورستان ولایتونو په بېلا-بېلو سیمو کې د کشفی راپورونو پر بنسټ، د یو لړ چاڼیزو عملیاتو په ترڅ کې ۵۶ میله درنې او سپکې وسلې او تجهیزات ترلاسه شول؛ چې پکې ۴۹ میله کلاشینکوف، ۴ راکټونه، ۴۳ د کلاشینکوف شاجورونه، ۶۶ نارنجک، ۲۹ ډراکت مرمۍ او په زیاته اندازه مهمات او نظامي تجهیزات شامل دي.

دغه راز یاد تجهیزات او مهمات د بیداره او زړورو دفاعي او کشفی ځواکونو له لوري د عملیاتو په لړ کې ترلاسه شوي، چې قانوني او اړونده مرجع ته به وسپارل شي.

منسوبین بیدار کشف و استخبارات لوی دوم پیاده ابو عبیده ابن جراح (رض) قول اردوی ۲۱۷ عمری مستقر در ولایت تخار، طی یک سلسله راپورهای اوپراتیفی تعداد زیادی سلاح و مهمات مختلف النوع را از قریه خرماب ولسوالی فرخار این ولایت کشف و به دست آوردند.

این مهمات: ۶ فیر سرگلوله هاوان، ۵۲ فیر نارنجک انداز، ۶ بکس مرمی دهشکه روسی، ۲ فیر مرمی ۸۲ روسی، ۵ حلقه ماین ضد پرسونل، ۱۸ بکس مرمی پیکاروسی، ۲۱ فیر مرمی هاوان، ۹ عدد مرمی سوق راکت، ۱ فیر مرمی راکت، ۱ قاب دوربین روز غیر فعال و هم چنان ۲ میل کلاشینکوف روسی را شامل می باشند.

در پیوند به این موضوع یک تن مظنون از ساحه فرار نموده و تحت تعقیب نیروهای کشفی و استخباراتی قرار دارد.



MoDAfghanistan2

MoDAfghanistan1

MoDAfghanistan2

چاپ: مصلحت اريد امداد ملي